رساله
در ترتیب ادویهٔ مرکبه
(تاریخ تحریر ۱۰۸۰)

رساله
در ترتیب ادویهٔ مرکبه
(تاریخ تحریر ۱۰۸۰)

رساله
در ترتیب ادویهٔ مرکبه
(تاریخ تحریر ۱۰۸۰)

در فراق تو ولی عهد همان است که بود
ما همان یم و همان مهر و محبت داریم

الرجاء

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین وبعد این رسالهایست
در ترتیب و ترکیب و خاصیت ادویه مرکبه مشتمل بر هفده باب

باب الاول فی المفرحات

مفرح معتدل نافع بود خفقان و وسواس
سوداوی را و اشتها آورد و دل را قوة دهد و رنگ روی را
نیکو کند و تخیل را قوة دهد و نشاط آورد و تشنگی ساکن
کند صنعت آن مروارید ناسفته و بسد از هر یک ده درم
کاهربا پنج درم صندلین از هر یک هشت درم لسان الثور ده
درم فرنجمشک شش درم تخم کاشنی پنج درم درونج عقربی
دو درم ساذج هندی چهار درم افتیمون و گل سرخ از هر
یک شش درم زرنباد چهار درم طباشیر هشت درم تخم
فرنجمشک و تخم بادرنجبویه از هر یک چهار درم زعفران و عنبر
از هر یک دو درم کافور و مشک از هر یک نیم درم عود قماری
ده درم کشنیز خشک پنج درم خشخاش سفید و بنفشه
و گل ارمنی از هر یک چهار درم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان
شراب سیب یا شراب حماض سرشته شربتی از وی یکدرم
تا یک مثقال نافع بود مفرح سرد خفقان گرم را سودمند بود

وقوة دل

وقوة دل بدهد صنعت آن گل سرخ و طباشیر از هر یک یکدرم
کشنیز خشک و صندل مقاصری از هر یک نیم درم تخم خرفه و مغز تخم
خیارین و مغز دانه کدو از هر یک دو درم بهمن سفید و گاوزبان
از هر یک یکدرم زرشک منقی سه درم مروارید ناسفته و کهربا
و بسد از هر یک یکدانگ اجزا کوفته و بیخته با سه چندان شکر صاف
کرده بقوام آورده بسرشند شربتی یکمثقال نافع بود مفرح یاقوتی معتدل
ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان زایل کند و دل را قوة دهد
و نشاط تمام آورد صنعت آن مروارید ناسفته هشت درم
مروارید سفته چهار درم یاقوت ناسفته دو درم و ورق طلا
محلول یکمثقال حجر لاژورد یکمثقال و نیم لعل و عقیق و یشب
و کاهربا از هر یک سه درم طباشیر سفید و صندل مقاصری
از هر یک پنج درم صندل سرخ دو درم گل نیلوفر و زرشک و نی
دانه از هر یک سه درم گل سرخ پنج درم گل مختوم دو درم کشنیز
خشک و تخم گل از هر یک سه درم ساذج هندی یکدرم و نیم زرنباد
و درونج عقربی از هر یک یکمثقال عود هندی و پوست اترج و
گاوزبان و بهمن سرخ از هر یک سه درم بادرنجبویه و بهمن
سفید از هر یک دو درم ریوند چینی دو درم تخم کاشنی و کافور
و عنبر اشهب از هر یک سه درم مشک تبتی نیم مثقال ابریشم محرق
یکدرم شیر آمله و هلیله کابلی از هر یک بیست درم شکر سرخ
ده درم شربت سیب و آب انار شیرین از هر یک ده درم شربت

بر بیست درم گلاب ده درم اجزاء کوفته و بیخته با گلاب و
اشربه بسرشند شربتی از وی یکمثقال نافع باشد مفرحی دیگر
که نافع بود جهت حرارت قلب و تفریح آورد صنعت آن ورق
گل سرخ و طباشیر از هر یک سه درم کشنیز خشک یکدرم
بسد و مروارید ناسفته و کاهربا از هر یک نیم درم کافور دانگی
اجزا کوفته و بیخته با سه چندان شربت سیب یا سکنجبین ساده
بسرشند شربتی یکمثقال نافع بود مفرحی دیگر که نافع بود جهت
خفقان سرد صنعت آن گاوزبان و درونج عقربی از هر یک
شش درم زرنباد سه درم اجزای کوفته و بیخته با سه چندان
شربت سیب و عسل کف گرفته بسرشته شربتی یکمثقال
نافع بود انوش دارو این مفرح از حکماء هند منقولست ۲۰
دل را قوت دهد و تفریح آورد و بدن را قوت دهد و رنگ
روی نیکو دارد و بوی دهان خوش کند و جگر را قوتی تمام
بدهد و بوی عرق را خوش کند و حکما از و مضرتی نیافته اند
پیش از طعام و بعد از طعام شاید خوردن صنعت آن ورق
گل سرخ سه درم سعد هندی نیم درم قرنفل و مصطکی
و سنبل الطیب و اسارون از هر یک سه درم قرفه و زرنب
و زعفران و بسباسه و قاقله و هیل و جوزبوا از هر یک دو درم
آمله مقشر یک رطل در نه رطل آب بجوشانند تا با سه رطل آید
و یک رطل فانید با صاف کرده آن بقوام آورند و اجزای کوفته

وبیخته

و بیخته بدان بسرشند و در ظرف زجاجی کنند شربتی از وی یک
مثقال تا دو مثقال نافع بود مفرحی دیگر که نافع بود جهت
کسی که سودا در مزاجش غلبه کرده باشد و بواسطهٔ آن قلبش
ضعیف باشد و سوء مزاجش حاصل شده باشد صنعت آن
سادج هندی و سعد و نانخواه و اشنه و انیسون و تخم کرفس
و افتیمون از هر یک سه درم عصارهٔ افسنتین از هر یک شش
درم زعفران یک درم بادرنجبویه ده درم پوست اترج دو
درم تخم فرنجمشک سه درم گاوزبان سک یکدرم اجزا کوفته
و بیخته با آب مطبوخ افتیمون سرشته شربتی از وی سه درم
نافع بود مفرحی دیگر که نافع بود قلب ضعیف را در هر حالت
که باشد صنعت آن بسد و کهربا و مروارید ناسفته و فرنجمشک
و سک و پوست اترج و آمله مقشر از هر یک شش درم ابریشم مقرض
بادرنجبویه گاوزبان از هر یک هفت درم مشک ترکی یکدرم
اجزا کوفته و بیخته با مطبوخ افتیمون سرشته سه درم نافع بود
مفرحی دیگر که نافع بود جهت خفقان که از نزله سرفه با آن بود صنعت آن
کهربا و بسد و سعد از هر یک سه درم زراوند مدحرج و درونج
عقربی از هر یک نیم درم مشک دو دانگ شکر سفید ده درم
اجزاء کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی
از وی یکمثقال نافع بود مفرحی دیگر که نافع بود جهت خفقان
که با تب محرق باشد صنعت آن کشنیز خشک سه درم ورد

شیرین

سرخ یکدرم و نیم طباشیر یکدرم اجزاء کوفته و پخته با سه چندان
شربت سیب سرشته شربتی یک مثقال با شربت سیب نافع
٢ بود **مفرح ذوالمسک** نافع بود جهت خفقان و ضعف
دل و معده و بادی که زنان را در وقت وضع حمل بازدید آید
شود و اکثر امراض سوداوی **صنعت آن** زرنباد درونج
عقربی از هر یک یک مثقال بهمن سرخ و سفید و ساذج هندی
و سنبل الطیب و قاقله و قرنفل و جندبیدستر از هر یک
درم زنجبیل و فلفل از هر یک نیم درم مشک ترکی یک دانگ اجزا
کوفته و پخته با سه چندان عسل آمیخته بسرشته شربتی
٢ یک مثقال نافع بود **مفرح ذوالمسک تلخ** نافع بود جهت خفقان
سوداوی و سوء مزاجی که از ضعف قلب حاصل شده باشد
صنعت آن سنبل الطیب و مصطکی صاف و مشک ترکی و ساذج
هندی از هر یک دو درم زعفران و بادرنجبویه و تخم کرفس از
هر یک چهار درم صبر سقوطری و افسنتین رومی از هر یک
هشت درم ریوند چینی شش درم جندبیدستر یک درم
و نیم اجزا کوفته و پخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشته
شربتی از وی یک درم تا یک مثقال نافع بود و قوتش تا سه سال
٢ باقیست **فلونیای رومی** نافع بود جهت وجع جگر و سرفه و
اختلاف زهره و وجع دندان و خفقان و قولنج را بگشاید
صنعت آن زعفران پنج درم فلفل سفید بیست درم افیون

ده درم

ده درم فطراسالیون و سنبل الطیب از هر یک چهار درهم تخم کرفس
سه درم ساذج هندی و سلیخه و عاقرقرحا و حب بلسان
از هر یک یکدرم فرفیون یکدرم اجزای کوفته و پخته بروغن
بلسان چرب کرده با سه چندان عسل کف گرفته بسرشته و
بعد از شش ماه شربتی یکدرم نافع بود **مفرحی دیگر** که نافع
بود قولنج را و عسر البول و سنگ و سل و ذات الجنب? و نفث دم در
حالتی که نزدیک بموت باشد و ساکن کند دا... و جماع احشا را
و سرفه کهنه و نزله کهنه که از سر عاید شده باشد و وجع و حرکت
دندانها را و وجع جگر را و فواید این ترکیب بسیار است **صنعت آن**
زعفران پنج درم فلفل سفید و بزرالبنج از هر یک بیست درم
افیون مصری ده درم فطراسالیون و سنبل الطیب از هر یک
چهار درهم تخم کرفس سه درم ساذج هندی و سلیخه و عاقر
قرحا و فرفیون از هر یک یک درم کوفته و پخته بروغن بلسان
چرب کرده با سه چندان عسل گرفته بسرشته بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی از وی نخودی و از جهت وجع گرده
باب کرفس سایند و بیاشامند و بعضی اطبا بر جای تخم کرفس
دوقو کرده اند و قوت وی از سه سال تا شصت و سه سال باقیست
فلونیای فارسی نافع بود قولنج و عرق النسا را و بادهای
غلیظ و اشتداد درد رحم و ضعف و کی که از کثرت بلغم
باشد و اصلاح سکته بدن را **صنعت آن** فلفل سفید
و بزرالبنج از هر یک ده درم زعفران پنج درم سنبل الطیب و مر و افیون

رعاف ترنجاو فرفیون از هریك دو درم افیون مصری ده درم
و بعضی اطبا ده درم طین مختوم داخل کرده اند و چند
بیداسلتن یك درم زرنباد درونج عقربی از هریك نیم
درم و در بعضی نسخه نیم درم زرنب کرده اند و مروارید ناسفته
و مشك تبتی از هریك نیم مثقال کافور دانکی و نیم اجزاء کوفته
و بیخته با سه چندان عسل کف کرفته سرشته و بعد از شش
ماه استعمال کنند شربتی از وی یکدرم جهت قی بسیار باب
سرد و از برای اطلاق آمدن خون و آب سماق نافع بود
نوعی دیگر که نافع بود جهت قولنج و عرق النسا و بادهاء
غلیظ بشکند و خفقان را نافع بود و درد رحم و ضعف معده را نافع
بود و کثرت قی که از بلغم بود صنعت آن فلفل سفید و ترنج
از هریك بیست درم افیون ده درم زعفران پنج درم سنبل
الطیب و مرباد و عاقرقرحا و فرفیون از هریك دو درم
جند بیدستر و زرنباد و درونج عقربی از هریك نیم درم
مروارید ناسفته و مشك خالص از هریك یك مثقال کافور دانکی
و نیم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف کرفته سرشته
شربتی یك مثقال نافع بود و اکثر ادویه مرکبه تازه او مستعملست
الا فلونیا و برشعثا که بعد از شش ماه استعمال آن جایز است
و بعد از سه سال غایت قوت دارد و تا شصت و سه سال قوت
میماند برشعثا نافع بود جهت مرضهای قلبی و درد معده ٣
که از نفخ حادث شده باشد و درد سینه که از ورم نباشد و درد

درد سر و درد کوش و ثقل آن و درد دندان و خفقان که
از کثرت سودا باشد و وسواس و مالیخولیا و بیخوابی و استسقا
و ورم سپرز را نافع بود و خواه که در طبیعت کسی حرارت و خواه
برودت و خواه رطوبت و خواه یبوست غالب باشد این مزاج را
نافعست و از جهة نزول نزله و کسی که شراب بسیار خورده باشد
و از کیفیت وی یا از خمار وی مضرت یابد خوردن وی نافع بود
بهر حال فواید این ترکیب بسیار است انجا کوتاه کردم صنعت ان
خنطیانا و سلیخه و دار فلفل و دارچینی و جند بیدستر از هریك
چهار درم سنبل الطیب و فقاح اذخر و زراوند طویل از
هریك ده درم زعفران یك درم افیون ده مثقال انیسون
تخم کرفس و بیخ کرفس از هریك بیست درم فلفل سیاه بیست و دو
مثقال و نیم قسط و اسارون از هریك ده درم زنجبیل و فودنج
یابس از هریك هفت درم روغن بلسان یا روغن کل یا روغن
بادام ده درم اجزا کوفته و بیخته یکی از این دهان چرب
کرده با اعتدار عسل کف کرفته که کافی باشد سرشته بعد از
شش ماه استعمال نمایند مفرح جواهر این مفرح منسوب
بخواجه رشید است خفقان و وسواس و ضعف دل را سود
دهد و جگر و گرده و مغز را قوة دهد و لون را صافی گرداند
و نشاط تمام آورد و بادهای سودا را دفع کند و جهت قوت
نفاس سودمند بود صنعت آن یاقوت سرخ دو مثقال

یاقوت زرد و یاقوت سفید و یاقوت کبود و عقیق از هر یک
چهار مثقال لعل یکمثقال فیروزج سه مثقال زمرد یکمثقال و نیم
خرمهره سه مثقال مروارید ناسفته چهار مثقال بسد و کهربا
از هر یک دو مثقال حجر لاژورد دو مثقال و نیم ابریشم محرق
و ورق قرنفل از هر یک سه مثقال پوست بیرون پسته چهار
مثقال تخم فرنجمشک پنجمثقال آمله ده مثقال پوست هلیله کابلی
ده مثقال بادرنجبویه چهار مثقال گل و نیلوفر و صندل سرخ
و سفید و تخم بالنکو و قرنفل و دارچینی و کبابه چینی از هر یک
سه مثقال گاوزبان پنج مثقال عصاره زرشک یا نخود درم
عود قماری پنج درم بادروج دو مثقال گل مختوم و گلارمنی و
طباشیر سفید از هر یک پنج درم عنبر اشهب چهار مثقال
مشک خالص یکمثقال و نیم زر محلول سه درم درونج عقربی و
بهمن سفید از هر یک چهار مثقال کافور قیصوری نیم مثقال
قاقله کبار سه مثقال سنبل الطیب و ساذج هندی و بهمن
سرخ از هر یک دو مثقال آب سیب اصفهانی و گلاب
و عرق بید مشک از هر یک من نبات مصری دو من نبات را
در عرقها یکجا زنند و من آب حامض بر آن ریزند و آب
سیب بقوام آورند و اجزاء کوفته و بیخته بدان سرشند شربتی
یکمثقال نافع بود **برشعثا** این برشعثا خاصیتش نزد ایشان
که از پیش گذشت **صنعت آن** فلفل سفید و بزر البنج از هر یک

بیست مثقال افیون مصری ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب و
فرفیون و عاقرقرحا از هر یک یکمثقال اجزاء کوفته و بیخته با دو
برابر عسل کف گرفته سرشند شربتی دانگی و نیم بعد از شش ماه
۲ استعمال کنند **شربتی** این نسخه از مولانا شرف الدین حسن
شیرازی است جهت تفریح و امساک منی و قوت باه و مجامعت
بسیار معتمد است **صنعت آن** زنجبیل و قرنفل و دارفلفل
از هر یک یکمثقال مغز بادام دو مثقال خصیة الثعلب چهار مثقال
دارچینی و قرص امغی از هر یک هشت مثقال جوز و اعظم چهل و
هشت مثقال افیون پنج مثقال زعفران سه مثقال اجزا کوفته
و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته سرشتند بگذرد تا یکمثقال
بعد از شش ماه استعمال کنند **نوعی دیگر** از جهت خون
رفتن شکم مجربست **صنعت آن** زنجبیل و قرنفل و فلفل و مغز بادام
و زعفران از هر یک یکمثقال دارچینی پنج مثقال ورق الخیال ده
مثقال افیون دو مثقال اجزا کوفته و بیخته با چهل و شش مثقال
کف گرفته سرشند و بعد از شش ماه شربتی از یک درم تا یکمثقال نافع
بود **مفرح دلگشای معتدل** خفقان و ضعف دل را زایل کند
و نشاط تمام آورد **صنعت آن** بهمن سرخ و سفید از هر یک پنج درم
پوست هلیله کابلی دو درم گاوزبان و شاهتره و بادرنجبویه
از هر یک سه درم گشنیز خشک سه درم طباشیر سفید و تودری
اسوج و ابریشم مقرض و پوست بیرون پسته از هر یک دو درم

بسد وکهربا و زرنباد از هریك یکدرم عود خام و مروارید ناسفته
از هریك دو درم درونج عقربی نیم مثقال آب انار و آب به و آب
زرشك و آب حماض از هریك دو درم قند سفید صد مثقال
شربت سیب بیست مثقال قند را با آبها بقوام آورند و نیم درم
طلاء محلول و نیم درم نقره محلول با اجزاء کوفته و بیخته در آن
سرشتند مفرح دلگشای سرد ضعف دل و خفقان را سود دهد
صنعت آن طباشیر سفید و بهمن سفید و بهمن سرخ و گاوزبان
و ورق گل سرخ از هریك چهار درم بسد و کاهربا و مروارید
از هریك یکدرم صندل سفید و کشنیز خشك از هریك دو درم
تخم بقله هشت درم زرشك بی دانه دوازده درم طلا و نقره
محلول از هریك نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید
یمنی گلاب و عرق بیدمشك از هریك ثمن قند با عرق بقوام
آورند و اجزا کوفته و بیخته بدان سرشتند مفرح سرد ضعف
دل و خفقان که از گرمی بود نهایت سود دهد صنعت آن
مروارید ناسفته و کهربای سوخته و گاوزبان و گل ارمنی و
طباشیر سفید از هریك ده درم مشك خالص و زعفران از هریك
نیم درم اجزاء کوفته و بیخته در سی درم قند سفید بقوام آورده
سرشتند مفرح دلگشای ضعف و وسواس سوداوی و خفقان
زایل کند و دل را قوت عظیم دهد و نشاط تمام آورد صنعت آن
مروارید ناسفته سه درم بسد و کاهربا از هریك یکدرم لعل یکمثقال

یاقوت زرد

یاقوت زرد نیم مثقال سیب و قرنفل از هریك یکدرم بهمن سفید دو درم
کبابه چینی و بهمن سرخ از هریك یکدرم زرنباد نیم درم تخم بادرنجبویه
سه درم سادج هندی یکدرم درونج عقربی نیم مثقال پوست
بیرون پسته و پوست اترج از هریك سه درم گاوزبان پنج درم
صندلین و گل سرخ از هریك سه درم کشنیز خشك دو درم دارچینی
یکدرم آمله مقشر پنج درم عصاره زرشك ده درم طین ارمنی و
طباشیر سفید از هریك دو درم تخم فرنجمشك سه درم عود خام
یکمثقال کافور قیصوری نیم درم زعفران دانگی عنبر اشهب مثقال
مشك ترکی دانگی و نیم ورق طلا و ورق نقره از هریك نیم مثقال
حماض مصری یمنی شراب سیب اصفهانی بیست مثقال اجزا کوفته
و بیخته در این شراب بقوام آورده سرشتند شربتی یکدرم نافع بود
مفرح سرد خفقان گرم را نافع بود و دل را قوت دهد صنعت آن
ورق گل سرخ و طباشیر سفید از هریك یکدرم مغز تخم خیارین
و مغز دانه کدو و تخم خرفه از هریك چهار درم بهمن سفید و گاو
زبان از هریك دو درم زرشك بی دانه شش درم مروارید ناسفته
کاهربا و بسد و کافور از هریك نیم درم زعفران یکدانگ نبات سفید
برابر اجزا نبات را با عرق بیدمشك بقوام آورده اجزا کوفته
و بیخته بدان سرشتند شربتی یکدرم تا یکمثقال نافع بود مفرح گرم
خفقان که هم سرد و ضعف دل را سودمند بود صنعت آن گاوزبان
و بالنگو و بهمنین از هریك هشت درم آمله مقشر درونج خراسانی

وخوشک کرده و بریان کرده بیست درم تخم فرنجمشک هست درم
عود قماری ده درم گل مختوم و مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال
زعفران یکدرم قرنفل و بسد و کهربا و زرنب و کشنیز خشک
از هر یک دو درم کبابه سه درم ورق گل سرخ و صندل مقاصری
از هر یک پنج درم عسل اهلیلج چهار یکی یاقوت و طلاء محلول
و نقره محلول از هر یک نیم درم دارچینی دو درم زرنباد سه درم
و درونج عقربی یکدرم و نیم منقی یمنی قند سفید یکمن و نیم و کافور
و بسد باید که سوخته باشد و اجزا کوفته و بیخته و قند صاف
کرده بقوام آورند و عسل هلیله و منقی کوفته در آن حل کنند
و اجزا را بر آن بسرشند شربتی یکمثقال نافع باشد **مسیحی** قوت دل ۲ مسیحی م
و دماغ و معده و جگر بدهد و قوت پشت و دل و گرده زیاده
کند و نشاط آورد و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و اشتهاء طعام
باز دید کند و هاضمه قوت دهد **صنعت آن** قرفه بخید چون بنجات
و کبابه و قرنفل و سنبل و قاقله کبار و صعتر و جوزبوا و فرنجمشک
و ورق قرنفل از هر یک سه درم گاوزبان و بادرنجبویه از هر یک
پنج درم اشنه چهار درم مصطکی سه درم زعفران سه درم
بهمنین از هر یک چهار درم ساذج هندی دو درم دار فلفل و
زنجبیل و پوست اترج و سعد هندی از هر یک دو درم ورق
گل سرخ پنج درم خصیة الثعلب ده درم بسباسه و لسان
العصافیر از هر یک سه درم عنبر اشهب و مروارید ناسفته از هر یک

آورد و رغبت را هضم کند و مباشرت را قوت دهد و حافظه را بیفزاید
و حبس لسان را نافع بود و سلس البول را بر طرف کند و عقل را
زیاده کند و بادهای غلیظ را بشکند و منی و بلغم را زیاده کند
و دندان را سخت کند و درد مفاصل و درد پشت را نافع بود **صنعت آن**
فلفل و دار فلفل زنجبیل و دارچینی و آمله مقشر و پوست بلیله و
شیطرج هندی و زراوند مدحرج و پوست بیخ کبر و بیخ بابونه
و مغز حلغوزه اجزا مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند شربتی یکمثقال نافع بود **معجون مشک** نافع بود درد
جگر و معده را و دفع برودت آنها بکند و سده را بگشاید و محلل
ریاح غلیظ باشد **صنعت آن** مشک ترکی و سلیخه و سنبل الطیب
و ساذج هندی و لک مغسول و راوند چینی و جنطیانا رومی از هر یک
دو درم زعفران و نانخواه و تخم کرفس و مصطکی از هر یک سه
درم عود هندی و قرنفل و مر از هر یک نیم درم اجزای کوفته
و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی یکدرم با
آب گرم نافع بود **معجون ورد** نافع بود درد جگر را و صلابت
وی را سود دهد **صنعت آن** ورق گل سرخ چهارده درم
اتیسا هفت مثقال راوند چینی و لک مغسول از هر یک یکمثقال
و نیم مر صافی و زعفران از هر یک نیم مثقال مر و زعفران در سرکه
خمر خیسانیده باقی اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته سرکه که مر و زعفران در آن خیسانیده اند با وی بقوام

۲ آورده باشند سرشته شربتی یک مثقال نافع بود معجون الراحة
قولنج را بگشاید و درد پشت را سود دهد و مسکن ریاح غلیظه
بود صفت آن مصطکی و قرنفل و زنجبیل و فلفل و جوزبوا
از هر یک دو درم سقمونیا مشوی درو درم اجزا کوفته و بیخته
در جلاب سرشته شربتی از وی یک مثقال نافع بود نوعی دیگر
که قولنج را بگشاید صفت آن فلفل و دار فلفل و زنجبیل و
زیره و خولنجان و سداب و قرنفل از هر یک ده درم سقمونیا
هفتاد درم اجزا کوفته و بیخته با بیخ عسل کف گرفته سرشته
شربتی یک مثقال نافع بود معجون فیصر نافع بود جهت خفقان و
صرع نا بر طرف کند و درد معده و امعا که از برودت باشد
و خون را صاف کند و قوت هاضمه بدهد و تنگی نفس و ربو را
زایل کند صفت آن جند بیدستر و رب السوس و سلیخه و
قسط مرو و مرصاف و فلفل سیاه و دار فلفل و افیون و میعه و
زعفران و سنبل الطیب از هر یک سه درم مشک یک دانک زنباد
و دروبنج عقربی و مروارید ناسفته از هر یک نیم درم اجزا
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته سرشته و بعد از
شش ماه شربتی بقدر نخودی استعمال کنند دواء الکبریت
نافع بود جهت تبهای بارده متعفنه و مسهل سودا وی و بلغم بود
و سرفه کهنه که از رطوبت باشد بر طرف کند و دردهای مزمنه
را نافع بود و گزندگی مار و عقرب را سود دهد و ادرار بول کند

وورك کرده و مثانه را پاک کند و خاصیتش آنکه بکست نجاصیت
تریاقات صفت آن فلفل سفید شش درم بزر البنج و قردمانا
و لسان الذکر و مرصافی از هر یک دوازده مثقال افیون و زعفران
از هر یک ده مثقال و در بعضی نسخها سلیخه مقشر و ورق سنبل
از هر یک ده مثقال میکنند کبریت اصفر و دار فلفل و قسط و
زراوند طویل و پوست بیخ لفاح و فرفیون از هر یک سه درم
اجزای کوفته و بیخته صمغ را در شراب کهنه یا مثلث خیسانیده
با سه چندان عسل کف گرفته سرشته شربتی یک درم با آب
خالص تنا ول فرمایند و از جهت تبهای ربع و بلغمی با آب گرم
ورازیانه و قوتش بعد از شش ماه تا سه سال باقیست دواء
اللک الاکبر که نافع بود جهت ضعف جگر و استسقا و معده
سرد شده و کشادن سده و ادرار بول کند و ریک از گرده
و مثانه پاک سازد صفت آن لک مغسول هشت و قیه بادام مقشر
و قرنفل و دارچینی از هر یک پنج وقیه کما فیطوس و موو فو و مر
صاف و زوفاء یابس از هر یک چهار وقیه سنبل الطیب و طین
فو و خبطیانا رومی و زراوند مدحرج از هر یک وقیه صبر
اسقوطری ربع وقیه فطراسالیون و زیره کرمانی و زنجبیل
از هر یک هشت وقیه عیدان بلسان یا بخور وقیه حب بلسان
و سلیخه و مصطکی و قصب الذریره و مقل ازرق از هر یک هفت
وقیه و رب السوس یک رطل و نیم زراوند طویل و جعده و اذخر از

هر یک دو وقیه فلفل سیاه و قسط از هر یک ده وقیه سیسالیوس
سه وقیه و نیم روغن بلسان سه وقیه اجزا کوفته و بیخته بروغن
بلسان چرب کرده با سه چندان عسل کف گرفته سرشته شود و
بعد از شش ماه استعمال کنند و قوتش تا یکسال و نیم باقیست
دواء اللك الاصغر خاصیتش نزدیکست بخاصیت اکبر صنعت آن ٢
زراوند یک وقیه و نیم و لک مغسول و قسط و مر و فقاح اذخر و حب
و ترمس و حلبه و فلفل سیاه از هر یک وقیه اجزای کوفته و بیخته
با سه چندان عسل کف گرفته سرشته شود و بعد از شش ماه استعمال
کنند دواء اللك الکبیر از ترکیب جالینوس است منافع آن بهای
جگر و سپرز که از سردی بود سود دهد و بادها را بشکند و
درد گرده و مثانه را سود دارد و استسقا که از آماس جگر تولد
کرده باشد باز دارد صنعت آن زعفران دو درم فو و مو و
انیسون و دوقو و اسارون و فطراسالیون و راوند چینی
از هر یک چهار درم سلیخه و حب بلسان و قسط و فقاح اذخر
از هر یک یک درم سنبل الطیب چهار درم رب السوس و غافث
از هر یک چهار درم روغن بلسان پنج درم مصطکی چهار درم
و در بعضی نسخها مصطکی سه درم اضافه کرده اند و بجای
حب بلسان حب البان کرده اند با سه چندان عسل کف گرفته
سرشته شربتی دو درم با ماء العسل نافع بود دواء اللك الکبیر
الاکبر لك مغسول هشت درم مغز بادام تلخ مقشر و دارچینی

وسادج هندی و قرنفل از هر یک پنج درم کمافیطوس و مصطکی
و فو و مو و زوفای یابس از هر یک دوازده درم فطراسالیون
و دوقو و تخم کرفس و کرنب سیاه و زنجبیل از هر یک هفت درم
جنطیانا و زراوند مدحرج از هر یک پنج درم زعفران سه درم
اسارون هفت درم فو یا اذخر درم حب و اذخر از هر یک
سه درم فلفل سیاه و قسط مر از هر یک ده درم سیسالیوس سه
درم روغن بلسان سه درم و نیم و در بعضی نسخها اصل اسقوطری
و کندر از هر یک سی درم زراوند طویل و دار فلفل از هر یک
شصت درم کرده اند اجزا کوفته و بیخته بروغن بلسان با سه
٢ چندان عسل کف گرفته سرشته شود دواء الکرکم زعفرانی نافع بود جهت
درد جگر و سپرز و ضعف معده را برطرف کند و دردهای
اندرونی را سود دهد و رنگ روی را نیکو دارد صنعت آن
سنبل الطیب و زعفران از هر یک دو درم دارچینی و مصطکی
و قسط و فقاح اذخر از هر یک یک درم اجزا کوفته و بیخته با سه
چندان عسل کف گرفته سرشته شود و قوتش تا یکسال و نیم باقیست
نوعی دیگر که خواص وی نزدیک بآنست که گفته شد صنعت آن
زعفران و سلیخه و مصطکی و دارچینی و فقاح اذخر و سنبل الطیب
اجزا مساوی کوفته و بیخته در شراب انگوری تر کرده یکشبانروز
بگذارند و با سه چندان عسل کف گرفته سرشته شود نوعی دیگر که
زعفران ندارد و خواصش نزدیک بآنست صنعت آن راوند چینی سه

درم لك و قسط و عصاف و فلفل سیاه از هر یك بیست درم اجزا
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی
یکمثقال با مطبوخ افسنتین نافعست معجون وج نافع بود
جهت آمدن آب از چشم صنعت آن اگر ترکی و حلتیت و زنجبیل
و زرانیان از هر یك جزوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند شربتی یکمثقال نافع بود معجون کلکلانج
این از جملهٔ معاجین هندیست نافع بود جهت درد سپرز و درد
معده و تبهای کهن و غش و عسر البول و برص و بهق و سرفه که
از کثرت رطوبت باشد و دیثی شش را نافع بود و دفع کند کی
جانب ران کند و بواسیر و قولنج را نافع بود و درد رحم را نافع
دهد و اشتهای طعام بیاورد و دفع مرض از قوة متخیله بکند
صنعت آن هلیله سیاه و بلیله و اترج و فلفل مویه و تخم کرفس و
شیطرج هندی و فلفل و لسان العصافیر و نانخواه از هر
یك سه مثقال تربد سفید یك رطل شیر آمله صافی کرده سه
رطل در بیست و چهار رطل آب صافی بجوشانند با آتش آهسته
بعد از آن چهار رطل قند اضافه کرده بقوام آورند و
اجزاء کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی سه مثقال تا چهار مثقال
نوعی دیگر که خداوند استسقا و معده سرد و تبهای کهنه و سرفه
بلغمی و ضیق النفس و سپرز و جگر و ناسور و قولنج و صرع را سود
دارد و بول بگشاید صنعت آن هلیله و بلیله و آمله از هر یك

هفت درم

هفت درم فلفل و دار فلفل و زنجبیل و فلفل مویه و نمك هندی
سرخ و نمك هندی سیاه و نمك اندرانی و نمك طبرزد و نمك خمیر
و لسان العصافیر و شیطرج هندی و سعد و جوزبوا و قرفه
و قرنفل و سعتر فارسی و برنك کابلی و حبة السودا و حب النیل
و کمون سیاه و ساذج هندی و تخم کرفس و کشنیز خشك از هر
یك پنج درم مویز منقی نمك آمله نمك تربد سفید صد و پنجاه درم
فلوس خیار چنبر بیست درم مویز و آمله در دوازده من آب
بپزند تا مهرا شود و پالایند و خیار شنبر در آن حل کنند و سه من
قند در آن آب بگدازند و نمك بروغن کنجد تازه با وی بیامیزند
و بجوشانند تا بقوام آید و اجزا کوفته و بیخته در آن بسرشند
شربتی پنج درم با شیر شتر یا با آب عنب الثعلب استعمال کنند نوعی دیگر
مازریون و غاریقون و تربد سفید و هلیله زرد از هر یك پنج درم
عصاره افسنتین پنج درم بیخ سوسن و گل سرخ و تخم کاشنی و مغز
تخم خیارین از هر یك پنج درم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشند معجون اسطمخیقون نافع بود جهت فساد
مزاج و برودت معده و ضعف آن صنعت آن هسطر و حماما و سنبل
الطیب و سلیخه و مصطکی از هر یك دوازده درم زراوند طویل و فلفل
و تخم شبت و اسارون و نانخواه و زیره کرمانی و دوقو و فطراسالیون
و سیسالیوس و کاشم و اسارون و افسنتین رومی و انجدان شامی
و فودنج بری و نعناع یابس از هر یك چهار درم اجزا کوفته و بیخته با سه

چندان عسل کف گرفته بسرشند معجون ثیادریطوس نافع بود جهت
تباهی مزاج سرد و درد جگر و معده و سپرز و درد گرده و رحم و
حیض که بسته باشد و قی بنفخ بگشاید و این مسهلی است مشقت
مرضهای کهن را که از بلغم غلیظ باشد زایل کند و بیت دررا از اخلاط
فاسد پاک کند و قوت دهد و فربه کند و بادهای موذی بشکند
و سده و سپرز را بگشاید و ضعف نفس و درد سینه زایل کند
و نافع بود جهت کسی که رنگ او زرد شده باشد از نقصان خون
و استسقائی که از ضعف جگر و سردی باشد سود دهد جالینوس
گوید که بعضی از پزشکان این ترکیب را ترتیب داده اند باسم ملکی که در آن
زمان بوده و اسم آن ملک ثیادریطوس بوده از پادشاهان یونان
صنعت آن صبر اسقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران
و دارچینی و فنج و مصطکی و روغن بلسان و حب بلسان و فرفیون
و فلفل سفید و سیاه و دار فلفل و مرصافی و حنطیانا و فقاح اذخر
و حماما از هر یک دو درم قسط و کادریوس و افتیمون و اقربطی از
هر یک چهار درم اسارون و سلیخه و سقمونیا از هر یک شش درم
سنبل الطیب سه درم و نیم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشند شربتی چهار مثقال با مطبوخ افتیمون
و غاریقون نافع بود و قوتش تا چهار سال باقیست نوعی دیگر
که خاصیتش نزدیک بآن است صنعت آن صبر اسقوطری ده مثقال
غاریقون سفید بیست درم زعفران و دارچینی و اکثر ترکی و

مصطکی

مصطکی و روغن بلسان و حب بلسان و فلفل سفید و سیاه و دار
فلفل و فرفیون و حنطیانا و فقاح اذخر از هر یک دو درم قسط
مر و کادریوس و افتیمون از هر یک چهار درم اسارون و سلیخه و
سقمونیا از هر یک شش درم سنبل الطیب سه درم و نیم مرصافی و
حماما از هر یک دو درم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی چهار مثقال
معجون که از برای قوت معده بی نظیر است صنعت آن آمله مقشر
چهار مثقال و برق گل سرخ و مصطکی از هر یک سه مثقال دارچینی
پنج مثقال نعناع یابس و عود قماری و زرنباد و درونج عقربی و
پوست اترج و پوست بیرون پسته و کراویای مدبر از هر یک یکمثقال
قرنفل یکمثقال گل و سعد و قاقله و زبان از هر یک بیست مثقال اطرای
کوفته و بیخته با سه چندان دو بر عسل با عرق بقوام آورده شکر
شربتی یک درم تا یکمثقال نافع بود معجون کاکنج خشخاش سفید و حب
کاکنج و صندل سفید و تخم کاشنی و صمغ عربی و کثیرا از هر یک دو درم
مرجان مغسول و بزرالبنج و مغز تخم خربزه و برق گل سرخ و کاهربا
از هر یک یکمثقال طباشیر سفید یکمثقال و نیم تخم توزرك سه مثقال
تخم کرفس نیم مثقال اجزا کوفته و بیخته با سه چندان شربت فواکه
بسرشند شربتی یکمثقال نافع بود معجون ترنجبید که محرور مزاج را
نافع بود صنعت آن سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید دو درم
و نیم مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو از هر یک پنج درم و برق گل سرخ

وطباشیر از هر یک دو درم ترنجبین پنجاه درم در آب حل کنند تا بیاید
بقوام آورند و اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته این حلوا
شربتاست معجون ستنقور باه را قوت دهد و نشاط را زیاده کند
و کرده و پشت را قوت دهد و دل را و دماغ را قوت دهد و نقوط
تمام آورد صنعت آن شقاقل و بهمنین و بوزیدان و سورنجان
مصری و بسباسه از هر یک پنج درم تودری زرد و سرخ از هر یک
چهار درم ستنقور یا بجده مثقال خصی الثعلب یا بجده درم
کبابه چینی سه درم قرنفل و قضیب کاو خشک کرده سوده و مغز
حب الزلم و مغز چلغوزه و مغز حبة الخضرا و نارجیل و لسان العصافیر
و خولنجان و قاقله کبار و تخم شلغم و دارفلفل از هر یک پنج درم زنجبیل
سه درم نارمشک فرنجمشک و صندل لبن و خشخاش سفید و گاو
زبان و ورق گل سرخ و بادرنجبویه و تخم هلیون و اسارون
و قرفه از هر یک پنج درم دو بیخ عقربی و خضر بوا و گل قرنفل و ورد
قرنفل و جوز بوا و اشنه سفید از هر یک پنج درم زعفران یا بجده
درم سعد هندی و زرنب و تخم بادرنجبویه و زرنباد و مصطکی
و کندر و تخم جرجیر و تخم اسپست از هر یک سه درم عود خام پنج درم
عنبر اشهب یک درم مشک ترکی یک مثقال [illegible] سنبل الطیب ده درم
ساذج هندی سه درم لعل یک درم یاقوت زرد یک درم یشب
سه درم مروارید ناسفته پنج درم کاهربا و بسد و زر محلول و نقره
محلول از هر یک سه درم جز واعظم صرمثقال عسل بقدر الحاجة

لبوب کبیر

لبوب کبیر منی بیفزاید و کرده و پشت را قوت دهد و مثانه را پاک کند
از بلغم و ریگ و نقوط تمام آورد و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط
تمام آورد صنعت آن مغز پسته و مغز فندق و مغز بادام و مغز
چلغوزه و مغز بن و مغز حب الزلم و مغز کردکان و مغز حب الفلفل و
کنجد مقشر و خصیة الثعلب از هر یک ده مثقال خشخاش سفید پنج [illegible]
لسان العصافیر ده مثقال خولنجان سه مثقال دارچینی پنج مثقال
شقاقل پنج مثقال بهمن سفید و بهمن سرخ از هر یک ده مثقال گاوزبان
پنج مثقال مغز دماغ گنجشک نر پنج مثقال قضیب گاو سوده سه مثقال
بوزیدان و بیخ بابونه و فرنجمشک و خسک تر با از هر یک پنج مثقال
قرنفل و بسباسه و تخم بادرنجبویه از هر یک سه درم زرنباد و
زرنب و زنجبیل از هر یک سه مثقال عنبر اشهب پنج درم مشک خالص
یک درم مروارید ناسفته پنج درم عود خام ده درم زعفران یک درم
مصطکی دو مثقال لعل دو درم یاقوت کبود یک مثقال زر محلول
و نقره محلول از هر یک دو مثقال قند یک من عسل یک من با یکدیگر به
قوام آورند و اجزا کوفته و بیخته با آن سرشتند نوعی دیگر
کرد دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و منی بیفزاید و کرده
و پشت را محکم کند و قضیب سخت کند و نقوط تمام آورد و کرده
و مثانه را از ریگ پاک کند صنعت آن مغز بادام و مغز پسته و مغز فندق و
مغز چلغوزه و مغز انجک و مغز حب الفلفل و مغز حب الزلم و مغز
حبة الخضرا و مغز کردکان و نارجیل و مغز تخم خربزه و کنجد مقشر و

خشخاش سفید از هریک ده درم کبابه و قرنفل و خولنجان و فلفل
و شقاقل از هریک پنج درم مصطکی و بسباسه و سنبل الطیب و
لسان العصافیر و بهمن سرخ و بهمن سفید و تخم هلیون و تودری
سرخ و تودری زرد و بوزیدان و مغاث و تخم جزر و تخم شلغم
و تخم اسپست و تخم پیاز و کندر از هریک شش مثقال خصیة الثعلب
ده مثقال خسک تر با و کسن خرما و قضیب گاو از هریک پنج درم
مغز دماغ گنجشک نر پانزده درم زعفران و نارمشک و فلنجمشک
و دارفلفل از هریک سه درم اجزای کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته سرشته شربتی دو مثقال و غذا نخود آب تا
با پیاز و زرده تخم مرغ نیم برشته یا کباب مناسب باشد و از
ترشی و سفیده احتراز باید کرد لبوب صغیر منی بیفزاید و کرده را
قوة دهد و منفوظ تمام آورد و سردی و ریاح زمانه را زایل کند
صنعت آن مغز بادام و مغز پسته و مغز فندق و مغز گردکان
و نارجیل و مغز چلغوزه و مغز حبة الخضرا و مغز حب القلقل و
کنجد مقشر و خشخاش سفید و تودری زرد و سرخ و تخم گزر
و تخم اسپست و تخم شلغم و پیاز و کندر و لسان العصافیر و بهمن
و زنجبیل و کبابه و دارفلفل و دارچینی و خصیة الثعلب و
خولنجان و تخم هلیون و شقاقل اجزا مساوی کوفته و بیخته با سه
چندان عسل کف گرفته سرشته شربتی سه درم نافع بود نوعی
دیگر که همان خاصیت دارد صنعت آن مغز پسته مغز فندق و مغز چلغوزه

مغز نارجیل

مغز نارجیل از هریک ده درم مغز بادام و کنجد مقشر از هریک بیست درم
لسان العصافیر و حب الرشاد و تخم اسپست از هریک چهار درم
زنجبیل و دارفلفل و کبابه و کندر از هریک پنج درم بهمن سرخ و
بهمن سفید و تودری سرخ و تودری زرد از هریک هشت درم
خسک تر و تخم گزر و تخم شلغم و تخم پیاز و کندر از هریک چهار
درم اجزای کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
معجون کندری جهت دفع سرعت انزال مجربست صنعت آن بلوط و
جلنار و سعتر و لبان الذکر از هریک دو درم کندر کرمانی و
نانخواه و کراویا از هریک پنج درم پوست بلیله و پوست هلیله زرد
و آمله مقشر و هلیله سیاه از هریک سه درم کشنیز خشک ده درم
اجزای کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی
دو مثقال بامداد و شبانگاه و غذا دو نوبت کباب معجون عطائی
این معجون موضوع مولانا مغفور مرحوم صدر الملة والدین
عطاءالله تربتی علیه الرحمة والغفران و از جهت دفع سرعت
انزال نظیر ندارد صنعت آن لبان الذکر و علک رومی و جفت
بلوط و بزر القثا اجزای مساوی کوفته و بیخته بشرط آنکه لبان
و علک حبا شکسته نباشد و جفت و بزر القثا حبا کوبند بعد از آن
با دو چندان عسل آمیخته سرشته شربتی دو مثقال و غذا
دو نوبت کباب نافع بود معجون کندری که همین خاصیت دارد صنعت آن
گلنار و بلوط و حب الآس و لبان الذکر از هریک ده درم زیره

کرمانی و کراویا و نانخواه از هریک پنج درم پوست بلیله و هلیله سیاه
و پوست هلیله زرد و آمله مقشر از هریک سه درم کشنیز خشک
ده درم اجزای کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته
بسرشته شربتی دو مثقال نافع باشد **معجون رشیدی** منع تقطیر
بول و دفع سرغشتان البته بکند **صنعت آن** کبابه چینی و فوفل
و قرنفل و سنبل الطیب و حب القلب و مصطکی و نانخواه
از هریک سه درم عسل سه وزن ادویه نافع باشد **معجون
بزوری** این معجون در امر مجامعت فعلی عجیب میکند **صنعت آن**
تخم کزر و تخم شلغم و تخم پیاز و تخم ترب و تخم اسپست و تخم
جرجیر و تخم هلیون و مغز جلغوزه و مغز حب القلقل و مغز
حب الزلم و بوزیدان و قسط شیرین و تودری سرخ و تودری
زرد و لسان العصافیر و شقاقل و بهمن سرخ و بهمن سفید
و قرنفل و دارفلفل و حب الرشاد و خولنجان از هریک شش درم
اجزای کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشته شربتی
سه درم با شراب تازه شیرین نوشند **معجون کاکنج مستعمل**
سودمند بود درد گرده و مثانه را **صنعت آن** بزر البنج و از آنیسون
از هریک هفت درم مغز تخم خیارین پنج درم تخم حاخن و افیون
و مغز جلغوزه بریان کرده و مغز فندق بریان کرده و مغز بادام
بریان کرده و زعفران از هریک سه درم حب کاکنج بیست و پنج
عدد کثیرا چهار درم مجموع کوفته و بیخته بمیفختج بسرشته و بعد از

شش ماه

شش ماه استعمال کنند **معجون نجاح مستعمل** خاصه مسهل سوداست
و بلغم لزج و اخلاط غلیظ **صنعت آن** هلیله سیاه و پوست بلیله و
پوست هلیله کابلی و آمله مقشر افتیمون از هریک دو درم اسطوخودوس
و بسفایج و تربد سفید مجوف از هریک پنج درم غاریقون سه درم
حجر لاژورد و حجر ارمنی مغسول از هریک دو درم و یم سقمونیا
سه درم عسل کف گرفته صد و پنجاه درم **معجون مسیحی** جهت
هضم طعام و قوت مجامعت و قوت دل و کرده نفاخ سودمند بود
و اشتها طعام پیدا کند **صنعت آن** قرنفل و خولنجان و قرفه و
شقاقل مصری و مصطکی و بسباسه و لسان العصافیر از هریک
پنج درم جوز بویا ده درم اشنه هفت درم زنجبیل و عاقر قرحا و دار
فلفل و عاقر قرحا و نارمشک هریک سه درم جز و اعظم پنجاه درم
اجزای کوفته و بیخته در ده درم روغن بادام چرب کرده با انکوزه
و نیم اوزن عسل کف گرفته سرشته شربتی مقدار دو مثقال نافع بود
معجون نفرس که خداوند نقرس را و اوجاع مفاصل را و اوجاع
مفاصل و قروح امعا را و خداوند استسقا و یرقان را سود دهد
و بادها را بشکند و فالج و لقوه بلغمی را سود دارد و حیض بگشاید
صنعت آن غاریقون و اسارون و وج و قردمانا و فرفیون
و تخم سداب و قنطوریون از هریک ده درم زراوند طویل بیست
درم نانخواه و قرنفل و حنظل از هریک شصت درم حاشا و تخم
کرفس از هریک بیست درم قنطوریون باریک و سنبل الطیب و فطراسالیون

وکادریوس واسقولوقندریون از هریک هشتاد درم سلیخه و مر
از هریک سی درم اجزا کوفته و بیخته باسه چندان عسل کف گرفته
سرشته و بعد از شش ماه در وقت بهار سه در استعمال نمایند
سجزنیا خداوند بادهای غلیظ و درد دندان و قولنج و عسر
البول بلغمی را سود دارد و سده بگشاید و معده را گرم کند صنعت
آن جند بیدستر و افیون و دارچینی و اسارون و فو و مو
د و قوا از هریک هشت درم فلفل و دارفلفل و بیرزد و قسط تلخ
از هریک چهل و هشت درم زراوند طویل زعفران چهار مثقال
بیرزد و با انگبین بگدازند و اجزا کوفته و بیخته بدان سرشته
و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی نیم مثقال با آب گرم نافع
باشد پیادیتن معده را گرم کند و بادها را بشکند و درد
معده را که از سردی باشد نافع بود صنعت آن زنجبیل و فلفل
و سنبل از هریک شش درم مصطکی و نانخواه از هریک چهار درم
زیره و سلیخه و حب بلسان و عاقرقرحا از هریک دو درم اجزای
کوفته و بیخته باسه چندان عسل کف گرفته سرشته شربتی یک مثقال
نافع بود اثاناسیاه کبیر بیماریهای جگر و سپرز و معده را که
از بلغم و سودا بود سود دارد و بادهای غلیظ که اندر احشا
و رحم باشد نافع بود و درد روده را که از بلغم بود و از سودا
و تنگی نفس بلغمی مزاج را نافع بود و خون حیض و قی کردن
که خون در آنجا باشد و اسهال بلغمی را باز دارد و درد کرده و

و مثانه را زایل کند صنعت آن رواندین و زعفران و قسط و
مر و حضض و جند بیدستر و بزر البنج و قردمانا و خشخاش و غافت و
سرو بن سوخته و جگر کرکدن خشک کرده اجزای مساوی کوفته و
بیخته باسه چندان عسل کف گرفته سرشته و بعد از شش ماه
استعمال کنند شربتی نیم درم تا یک درم با آب سیب یا آب به نافع
بود معجون تب ربع تب لرزه صعب را زود بگشاید صنعت آن قاقله
صغار و قرفه و ساذج و فلفل و دارفلفل و زنجبیل و برنک
کابلی و آمله مقشر و قنطر از هریک ده درم تخم کرفس و سنبل و زعفران
از هریک پنج درم مصطکی چهار درم اجزای کوفته و بیخته با سه
چندان عسل سرشته شربتی شش درم نافع بود معجون تیز ترک
صفرا و بلغم را باز دارد صنعت آن مغز معصفر و مغز بادام و
سقمونیا از هریک ده درم زعفران یک درم شکر طبرزد بیست
و پنج درم شکر در گلاب بگدازند و بقوام آورند و اجزای
کوفته و بیخته بدان سرشته شربتی یک درم تا یک مثقال نافع بود
معجون پیدادنقی زنجبیل و فلفل و سنبل الطیب از هریک سه
درم مصطکی و نانخواه و انیسون و تخم کرفس و نعناع خشک
از هریک دو درم زیره کرمانی و سلیخه و حب بلسان و عاقرقرحا
از هریک یک درم ساذج هندی نیم درم اجزای کوفته و بیخته با
سه چندان عسل کف گرفته سرشته نافع بود معجون ناسود که خداوند
زحیر و خداوند اسهال کهن را سود دارد صنعت آن جند بیدستر

وافیون و میعه و بزرالبنج ابیض و زعفران و اسارون و مروارید
و تخم کرفس و سلیخه و انیسون و سنبل الطیب و گل ارمنی و گلنار
مساوی کوفته و بیخته در سه چندان عسل کفکرفته بسرشند شربتی
یکمثقال با آب مورد یا با آب سیب نافع باشد معجون برازی جهت
قوت باه نظیر ندارد صفت آن تخم کزر و تخم شلغم و تخم اسپست
و تخم هلیون و حب الفلفل و حب الصنوبر و حب الزلم و بهمن سرخ
و بهمن سفید و قرنفل و بوزیدان و تودری سرخ و تودری سفید
و لسان العصافیر و فلفل و زنجبیل و شقاقل و قسط شیرین
و تخم پیاز اجزا مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند شربتی دو مثقال نافع باشد معجون نانخواه
معده را پاک کند و اشتها آورد و باه را قوة دهد صفت آن
سعتر جبلی و نانخواه و زوفا و نعناع و شونیز و زیره از هریک
پنج مثقال بسباسه و بادیان و وج و زنجبیل و جوز بوا و تخم
کرفس از هریک سه مثقال حاشا دو مثقال اجزای کوفته
و بیخته با سه چندان عسل کفکرفته بسرشند معجون منبج ٥
درد پشت و کرده و درد پای و قوة باه را سود دارد و معده را
از اخلاط پاک کند و موی ریش سفید شود و سودا ببرد و در
مجامعت تاخیری پیدا شود صفت آن گل سرخ و عاقرقرحا
و سعد و قرنفل و سنبل و مصطکی و زرنباد و زعفران و قاقله
کبار و صغار و جوز بوا اجزا مساوی کوفته و بیخته با شکر معجون

سازند باید

و باید که شکر در گلاب بگدازند و اجزا را در آن بسرشند و از زنی
و سفیدی احتراز نمایند معجون عنابی اشتها بیاورد و وقت
خوش کند و حفظ بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران
و عاقرقرحا و بزرالبنج و افیون و خولنجان و قاقله صغار و کبار
و دارفلفل و جندبیدستر از هریک جزوی اجزای کوفته و بیخته با
سه چندان عسل کفگرفته بسرشند شربتی دو درم معجون شهریاری
درد کرده را سود دهد و هضم طعام بکند و قوت شهوت بدهد
صفت آن گل قرفه و قرنفل و دارچینی و زنجبیل و سلیخه و سنبل
الطیب و جوز بوا و مصطکی و حب بلسان و قاقله کبار و زعفران
از هریک سه درم سقمونیا یکدرم تربد سفید مجوف خراشیده
بروغن بادام چرب کرده سه درم حب النیل دو درم اجزا
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کفگرفته بسرشند معجون سیر
خواص این معجون از وصف بیرونست صفت آن سیر یمنی شیرکا
مثل یمنی سیر نیمه کوفته با شیر بجوشانند و بگذارند تا مهرا
شود بعد از آن چهار رطل عسل و سه وقیه روغن گاو بروی
ان ریزند و قرنفل و جوز و بسباسه و فلفل و مصطکی و قاقله
کبار و صغار و هلیله کابلی و زنجبیل و دارچینی از هریک ده درم
زعفران و عود خام از هریک پنج درم کوفته و بیخته بر سر آن افشانند
شربتی پنج مثقال تا ده درم نافع بود معجون شاذ سازو و فلیخه
و فاحره و بسباسه و صندل سفید مساوی در ماء العسل بسرشند

رامك رامك مازو و پوست انار و وناج سبز و صمغ عربی کوفته در
سالالدبس سرشته ساقافقر اسفیداج صمغ عربی کثیرا
نشاسته فلنهمنا انزروت کف دریا کافور معجون نجاح که حیض
بگشاید و زادن سهل کند و بچه مرده بیرون آورد صنعتان
مصطکی و دارچینی از هریك دو درم ورق سداب و فودنج و
قردمانا و مشکطرامشیع و فوه و حلتیت و سکبینج و جاوشیر
از هریك سه درم ابهل ده درم با انگبین سرشته و شربتی سه
درم اندر طبیخ خرما و قدری روغن کنجد بکار دارند معجون ۳
فلافلی درد معده که از سردی باشد و آروغ ترش و باد غلیظ را
سود دارد صنعتان فلفل سفید و سیاه و دارفلفل از هریك
سی درم عود بلسان ده درم حماما و سنبل الطیب از هریك
ده درم زنجبیل و تخم کرفس و سیسالیوس و سلیخه و اسارون
و رامسك از هریك پنج درم اجزای کوفته و بیخته باسه چندان
عسل کف کرفته سرشته شربتی یکمثقال با آب گرم نافع باشد
معجون معدل المزاج خداوند مزاج سرد را و لقوه و فالج و رعشه و المزاج
برص را سود دارد صنعتان زنجبیل و عاقرقرحا و حبة الخضرا
و مشطرمشیع از هریك ده درم سداب و حلتیت و زراوند
طویل و جنطیانا و شیطرج و حب الغار و جندبیدستر و حرکر
از هریك پنج درم عسل بلادری سی درم اجزا کوفته و بیخته
در عسل بلادری ترکرده باسه چندان عسل کف کرفته سرشته

شربتی یکمثقال نافع باشد معجون حب الغار باد قولنج بگشاید صنعت آن
ورق سداب پنج درم نانخواه و زیره و شونیز و کاشم و سعتر فطر
اسالیون و کراویا و مغز بادام تلخ و فلفل و دارفلفل و فودنج و
حب الغار و جندبیدستر از هریك دو درم جاوشیر سه درم
سکبینج چهار درم صمغها در شراب حل کرده اجزا کوفته و بیخته
باسه چندان عسل کف کرفته که صموغ محلول در وی بقوام آمده
باشد شربتی دو درم نافع بود معجون بادمهر که بادها را بشکند
صنعتان هزار اسپند و حلبه از هریك سه درم درونج عقربی
و عاقرقرحا و فلفل و دارفلفل و سلیخه و اسارون و قسط
و زنجبیل و زعفران از هریك دو درم اجزا کوفته و بیخته باسه
چندان عسل کف کرفته سرشته معجون زراوند خداوند ضیق النفس
و سرفه بلغمی را سود دارد صنعتان زراوند مدحرج و قردمانا
و فلفل و تخم اسپندان و کندر و مغز بادام تلخ از هریك پنج مثقال
رب السوس و زوفا و پرسیاوشان از هریك ده درم اجزای کوفته
و بیخته باسه چندان عسل کف کرفته سرشته شربتی دو درم با سه
درم طبیخ زوفا تناول فرمایند معجون ابهل باد سرد را و بادها را
تحلیل دهد صنعتان ابهل و نانخواه و کندر و وج و دارچینی
مساوی کوفته و بیخته در سه چندان عسل کف کرفته شربتی دو
مثقال نافع بود اسرار الاطبا این نسخه از مولانای اعظم مسیح
الزمان شمس الملة والدین ابن هلال اردبیلی است نورالله قبره

وخاصیت بسیار دارد واما چند چیز که نتر شود تا شطوبل بنا جاهد
باه را زیادت کند وبعد از مجامعت استعمال کند تا از عرق النسا
ونقرس ایمن باشند صفت آن ششقاقل وخولنجان وخصیت
الثعلب وبهمن سرخ وبهمن سفید وتودری سرخ و زرد ولسان
العصافیر از هریک سه درم سقنقور سه مثقال حب البان
وحب الملسان وفلفل سفید وتخم جرجیر وتخم خربزه وتخم خیارین
وتخم کندو وتخم کندنا وتخم شلغم وتخم پیاز وتخم اسپست وزردک وتخم
هلیون وخسک مربی از هریک سه درم دارچینی وقرنفل وسنبل
الطیب واسارون وبسباسه وکبابه چینی وسعد هندی ودار فلفل
وجوزبویا وعود خام ونارمشک از هریک دو درم عنبر اشهب و
زعفران از هریک یک مثقال مشک خالص نیم مثقال مغز پسته ومغز
بادام ومغز حب الصنوبر وقاقله صغار ومغز حبة الخضرا ومغز بادام هندی
ومغز حب القطن ومغز حب الزلم وکبابه مقشر از هریک هفت درم
وزنجبیل وبوزیدان وفستق شیرین وعود وبهمن عقرقرحا از هریک
دو درم حرف اعظم بیست مثقال اجزا کوفته وبیخته در مغزها
کوفته چرب کرده زعفران ومشک در گلاب حل کرده عنبر در
سه وزن ادویه عسل کف گرفته حل کرده اجزا را در وی سرشته
در ظرف چینی بعد از چهل روز استعمال کنند معجون ستراط
این معجون را مفرح محزون خوانند واین نسخه از زبان یونانی
بعربی نقل کرده اند وپیش مامون خلیفه فرستاده اند ومنافع این

ترکیب

ترکیب بسیار است از جمله امراض بلغمی وسوداوی وضعف وجنون
ونسیان ووسواس وفکر وسعال کهنه وسل ودق وصرع و
بهق وبرص ونقرس وضعف دماغ ومفاصل ودرد معده و
جراحات ودمامیل وداء الحیه وداء الثعلب وداء الفیل و
یرقان وصداع وبواسیر وزحیر ودرد جگر وتاریکی چشم و
سپیدی زدایل کند وباه را قوت دهد صفت آن حنظل نارنج
رومی وقردمانا ونارمشک وتخم پنج انگشت وحب الغار وزراوند
طویل از هریک دو درم افسنتین وجندبیدستر وحب بلسان
وعود بلسان واسارون وسلیخه ومصطکی از هریک یک درم
مر بادروج وودج وعاقرقرحا وزرنباد وتخم کرفس از هریک سه
درم تربد سفید بیست درم زعفران دو درم بادرنجبویه پنج درم
صبر اسقوطری ده درم عود خام ده درم حرف بابلی وقرنفل وزراوند
چینی وقاقله کبار وصغار وبسباسه واشنه وسنبل ودارچینی از
هریک سه درم وورق گل سرخ پنج درم سعد وحب المحلب از هریک
چهار درم هلیله سیاه وبلیله وآمله مقشر از هریک شش درم تخم
جرجیر وتخم پیاز از هریک دو درم زرنب وشیطرج واسقیل
از هریک سه درم مجموع کوفته وبیخته بروغن بادام تلخ چرب کرده
در سه چندان عسل کف گرفته سرشته ودر ظرف زجاجی کنند
وشش ماه در میان جو نهند وبعد از آن استعمال کنند شربتی
از سه درم تا هفت درم شاید معجون لؤلؤی این نسخه ترکیب

جالینوس است و هفت منفعة دارد قضیب را سخت کند و اوعیه
بگشاید و اعصاب دماغی را قوة دهد و شهوت را زیاده کند
و در جماع تغییری عظیم پیدا کند چنانچه منی بلذت تمام بیرون
آید و حفظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند
صنعت آن مروارید ناسفته سه درم کاکنج و بیخ لبلاب از هریک
مثقال افسنتین و فقاح اذخر و سعد و کزمازج از هریک یک درم
سلیخه و دارچینی و اسارون و مصطکی از هریک مثقال صمغ عربی
و کثیرا از هریک دو درم اجزا کوفته و بیخته باسه چندان عسل کف
گرفته سرشته شربتی دو مثقال در وقت خواب با استعمال
نمایند معجون انفع این معجون از جملهٔ مفرحاتست و بعضی اطبا این
معجون را از تریاق بهتر داده اند و منافع بسیار دارد صنعت آن
قرنفل و فوفل و زنجبیل و سنبل و دارفلفل و جوزبوا و جوزبوا
و قاقله کبار و شیطرج هندی و لسان العصافیر و درونج عقربی
و بادرنجبویه و لسان الثور و خولنجان و مصطکی و فرنجمشک از
هریک پنج درم صندل سفید و زراوند مدحرج و سلیخه و ورق
گل سرخ و طباشیر و بسباسه از هریک چهار درم مروارید ناسفته
و یاقوت رمانی از هریک دو درم پوست اترج و بلیله و بهمنین
از هریک دو درم مشک خالص نیم مثقال اجزا کوفته و بیخته باسه
چندان عسل کف گرفته سرشته معجون زرعونی جهت قوت باه و قوت پشت
و گرده عظیم نافع بود و منی را بیفزاید و حفظ تمام آورد و دل و جگر

مغز قوة

مغز قوة دهد صنعت آن تخم جزر و تخم شبت و نانخواه و رازیانه و
مغز تخم خربزه و مغز تخم خیار بادرنگ و بیخ کرفس از هریک پنج مثقال
بسباسه و قرنفل و فلفل و کبابه و عاقرقرحا از هریک سه درم قرفه
و زعفران و کندر و مصطکی و عود خام از هریک چهار درم تخم
هلیون و شقاقل و بوزیدان و بهمنین و لسان العصافیر از هریک
پنج درم زنجبیل و تخم شلغم و تخم اسپست و تخم جرجیر و تخم خربزه و تخم
پیاز و حب الرشاد و تخم الجزر و تخم کندنا و خولنجان و جوزبوا و
گل قرنفل و دارفلفل از هریک سه درم بصل الفار بریان کرده و
مغز حب القلقل و مغز حب الصنوبر و مغز چلغوزه و نارجیل از هریک پنج
مثقال خصیة الثعلب و قضیب گاو سوخته و مغز دماغ گنجشک نر
و حسک منقی و کسن خرما از هریک ده مثقال عنبر اشهب دو درم
مشک خالص نیم درم مجموع کوفته و بیخته بعسل نیکو سرشته گرم
مزاج را سه درم و سرد مزاج را پنج درم گرم مزاج را یک کاسه شیر
و ده درم شکر از عقب باید خورد و سرد مزاج را یک کاسه ماء
العسل باید نوشید معجون سنبل جهت معده و جگر نافع بود صنعت آن
سنبل الطیب و فقاح اذخر و قصب الذریره و منقی از هریک
چهار درم زعفران و مر و انیسون و فلفل از هریک دو درم مقل
سه درم سلیخه پنج درم اجزا کوفته و بیخته با عسل سرشته و مقل
و منقی در شراب خوشبوی داخل کنند معجون خبث سود دهد بر
سرفه و درد جگر و معده و درد سینه و آواز صافی کند و بول بیرون آرد

صفت آن

دفع کند معجون کتابی موبز منقی و کشمش از هر یک بیست و پنج درم زعفران

و سنبل و سلیخه و دارچینی و دار شیشعان از هر یک دو درم

و قصب الذریره و فقاح و مثل و علك البطم از هر یک سه درم

مصطکی پنج درم صموغ بامویز و کشمش در مثلث خیسانند و

باسه ادویه عسل بقوام آورده اجزا کوفته و بیخته بدان

سرشته معجون قبادی نافع بود جهت مفاصل و نقرس و درد سپرز

و بادهای غلیظ و تبهای کهن و ضیق النفس و سرفه کهن و ریش روده

و تاریکی چشم و درد گلو زایل کند و هر کس که یک هفته مداومت نماید

صحت بدن نگاه دارد شربتی یکمثقال و قوت این تا سه سال باشد

صفت آن حنظیانا رومی و قردمانا و اسطوخودوس و جاوشیر

و کافطوس و تخم سداب و فراسیون و اسقوردیون و میعه

سایله از هر یک پنج مثقال مرصاف و زعفران و قسط و فلفل سفید

و اذخر و سنبل الطیب و فرفیون و پوست بیخ لفاح و اشق و فوه بیخ

و رازیانه و زوفا و ورق گل سرخ و ناردین و حب البلسان از هر یک

سه مثقال قرنفل هشت مثقال سلیخه شامی ده مثقال قنه و عصاره

غافت و تخم خندقوقی و صمغ بادام از هر یک چهار مثقال افیون و

بنداییج سفید از هر یک پنج درم صموغ و عصارات در مثلث

خیسانند و باقی ادویه کوفته و بیخته در سه چندان عسل

کف گرفته سرشته در ظرف زجاجی کنند و بعد از شش ماه استعمال

شربتی یک درم تا یکمثقال نافع بود باب ثالث

الملك

فی الترياقات ترياق فاروق و ترياق بزرك خوانند طبیعت

وی گرم و خشک است سودمند بود کنندگی جانوران را

و مجموع زهرها را و ادویها کشنده را شربتی از آن بقدر نخات

بود اندک این یکطسوج است و زیاده این دو مثقال و چون بر

موضع گزندگی طلا کنند سودمند بود و قوت دل بدهد و

جمیع مرضهای سرد را نافع بود و اگر خواص این نوشته کردد

تطویل انجامد سعال و عسر نفس و درد سینه و شش و نفخ معده

و قولنج و استسقا و برص و بهق و جذام و اوجاع مفاصل و

مجموع مرضها که از سودا باشد و بلغم بود نافع بود و صرع و صداع

و تاریکی چشم و درد شقیقه و بواسیر را نافع بود و بول ابراند

و حیض بگشاید صفت آن قرص عنصل و قرص مخلصه از

هر یک چهل و هشت مثقال قرص افعی و قرص اندروخون و فلونیا

سیاه و افیون مصری از هر یک بیست و چهار مثقال و ورق

گل سرخ و تخم شلغم بری و ثوم بری و ایرسا و غاریقون و رب

السوس و روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال دارچینی بیست

و چهار مثقال و بعضی دوازده مثقال گفته اند مرصاف و زعفران

و زنجبیل و زراوند چینی فنطافلیون و فودنج جبلی و فراسیون

و قسط و فطراسالیون و اسطوخودوس و فلفل سفید و

دار فلفل و کندر الذکر و سقطراشیع و فقاح اذخر و

صمغ البطم و سلیخه السودا و سنبل الطیب و جعده از هر یک

مثقال لبنی و تخم کرفس و سیسالیوس و حرف بابلی و کمادریوس
و کمافیطوس و نانخواه و عصاره لحیة التیس و ناردین اقریطی و
سنبل جبلی و ساذج هندی و مر و خنطیانا و رازیانه و طین مختوم
و زاج محرق که تمام سوخته باشد و حماما و وج و حب بلسان
و صمغ عربی و هوفاریقون و قردمانا و انیسون و اقاقیا از هر یک
چهار مثقال عود و فو و قنه و مقل و جاوشیر و قطرالیون و دبق
و زراوند مدحرج و سکبینج و جندبیدستر از هر یک دو
و بعضی چند را چهار مثقال هم میکنند عسلی که از کل حاشا باشد
ده رطل شراب بحر کهن تا هشت رطل و رطل باید که نود
مثقال باشد صمغها و عصارات در شراب حنیسا نرم تا حل
شود و عسل بر سر آن کنند و یکشبانروز رها کنند بعد از آن
ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کرده در عسل مطبوخ
بسرشند و در ظرفی نقره یا رصاصی یا چینی یا زجاجی کنند
و باید که ظرف را پر نکنند بعد از یکسال و بعضی از شش ماه
جایز داشته اند و بعضی گفته اند که نشاید استعمال کردن تا
پنج سال بر آن بگذرد و بعضی تا هفت سال گفته اند و بعضی تا
ده سال و بعضی تا دوازده سال بر حال بعد از دوازده سال
در غایت قوت و جوانی است و جوانی وی تا سی سال بود و چون
از سی گذشت تا شصت سال قوت وی باقی است و هر خاصیتی که
گفته اند در وی هست اما بعد از شصت سال هر مرضها که بر آن

نافست همان عمل کند اما دفع سموم و لدغ و نهش نکند و آن
زمان بقوت معاجین بزرگ بود **تریاق مخلصه** نافع بود جهت درد
سر کهنه و دوار و صرع و وسواس و فالج و تمامی سردی که گرد سر
سر باوی باشد و درد چشم که از کثرت رطوبت باشد و سعوط
کردن و کحل کردن وی جهت درد چشم نافعست و درد دندان
و کوفتگی سنن را نافعست و بچه را نگاه میدارد و با ماء العسل آشامیدن
دفع نزله میکند و از جهت قذف دم با ماء لسان الحمل نافع است
و درد معده و بادهای غلیظ را مفید است و اوجاع و اورام
را نافعست و فکر را صحیح میسازد و رعشه را و سپرز را بر طرف
میکند و ادرار بول میکند و مثانه را پاک میسازد و قوت مجامعت
میدهد و باه را زیاده میکند گاهی که بر حوالی آشیین طلا کنند و
خوردن وی همان عمل میکند و نقرس را مفید است استسقا را سود
و طلا کردن وی و مفاصل سرد را نافعست و تشنج را مفید است
و حقنه کردن وی با آب تملین هر دردهای اندرونی که از برودت
باشد ببرد **صنعت آن** مر و سلیخه و ادخر از هر یک یک وقیه و نیم
جندبیدستر و فطراسالیون از هر یک پانزده مثقال و بعضی دوازده
میکنند تخم کرفس دو وقیه سیسالیوس یک مثقال و قسط رومی
چینی و قرص اندرون ممعا و میعه سایله و اسارون از هر یک
شش مثقال فلفل سفید دو از ده مثقال دار فلفل چهار مثقال
اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند و بعد از

شش ماه استعمال نمایند شربتی از وی یکدرم با آب فاتر نوع دیگر
که همان خاصیت دارد صنعت آن مرصافی و سلیخه و اذخر و
جند بیدستر و فطر اسالیون و تخم کرفس از هر یک ده مثقال
سیسالیوس یکمثقال فسنطریون شش مثقال دارچینی و قرص اندروما
و سعه سایله و اسارون از هر یک مثاً ده مثقال انیسون ده
مثقال فلفل ابیض دوازده مثقال دارفلفل چهارده مثقال سنبل
الطیب هفت مثقال حاماجهار مثقال زعفران و افیون از هر یک
ده مثقال مر و افیون حل کرده در سه وزن ادویه عسل تمام
آورند و اجزا کوفته و بیخته سابیده سابیده خرب کرده در آن سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نمایند تریاق اربعه و بعضی تریاق کوچک ۲
خوانند سودمند بود جهت گزندگی جانوران خصوص عقرب
و باد غلیظ که در معده بود درد روده و درد جگر و سپرز و
صرع و خفقان را سودمند بود و اگر زنی را حیض بازایستد یا رفتن یا
یا مشکل نماید یکمثقال فرو برد آسان کرد صنعت آن جنطیانا
رومی و حب الغار و مرصافی و زراوند طویل اجزای مساوی
کوفته و بیخته در سه چندان عسل کف گرفته سرشته شربتی
یکمثقال با آب سرد نافع بود و بعد از دو سال عمل وی باطل گردد
تریاق غوره سودمند بود جهت گزندگی جانوران و بادهای
غلیظ که در روده بود و درد جگر و سپرز و صرع و خفقان
و لقوه و فالج را سود دهد صنعت آن حاما و مرصافی و سنبل

هندی و سادج هندی و لک مغسول و ماميثا و قرنفل و زراوند چینی
و فیبولیا و فسنطر و جنطیانا رومی از هر یک دوازده مثقال قسط
اذخر و عصاره لحیة التیس و مقل ازرق از هر یک هشت مثقال
عاقرقرحا و دارچینی و رازیانه و تخم کرنب و کوکرد خرنوب و تخم بنجنکشت
و اسارون و قردمانا و افسنتین و افیون و ناردین اقریطی و
فقاح الکرم و گل باقلا و تخم کرفس کوهی و دوقو و افتیمون اقریطی
از هر یک سه مثقال کثیرا و خشخاش سفید و فلفل سیاه از هر
یک سی مثقال بزر البنج بیست و هشت مثقال سلیخه و ورق
گل سرخ و قرص اندروخون از هر یک نه مثقال تخم سداب
یکمثقال دانه اترج مقشر و سماق شامی و صمغ دانه پاک کرده
دو مثقال روغن بلسان بیست و چهار مثقال عصاره قیصوم
بیست مثقال و فقاح المرو چهار مثقال و نم و ورق اترج سبز ده
مثقال صموغ و عصارات در شراب خوش حل کنند و باقی ادویه کوفته
و بیخته بروغن بلسان چرب کرده در سه چندان عسل کف گرفته
سرشته و در ظرف زجاجی کرده یا چینی کنند و بعد از شش ماه
استعمال کنند شربتی یکمثقال و قوة آن تا هفت سال باقی
ماند و بعد از آن باطل گردد مثرودیطوس و بر آن جمله
تریاقات شمرده اند سودمند بود زهرهای مختلف و گزندگی
جانوران و سگ دیوانه و قولنج بگشاید و فالج و لقوه و استرخا را
نافع بود و سده جگر بگشاید و زحیر صلب را نرم کند و سینه را

از اخلاط پاک کند و رطوباتی که در شکم بود دفع کند و درد
معده و امعا و فواق و غلاظ و خون رفتن باز دارد و قوة باه
بدهد و کهنه روی را نیکو گرداند و اشتهاء طعام پیدا کند
و سنگ مثانه بیرون آرد و بچه در رحم نگاه دارد و ذهن صافی
کند و جوانی نگاه دارد و دفع همه زهرها بکند و خاصیت
این نزدیک است بتریاق فاروق صنعت آن مصافر و
زعفران و غاریقون و زنجبیل و دارچینی و حب البطم و کثیرا
از هریک دو درم سنبل الطیب و کندر الذکر و خردل اسفند
و عود بلسان و اسطوخودوس و اذخر و قسط رومی و سیساليوس
و کمافیطوس و قنه و رازیانج و دار فلفل و عصاره هوفسطیداس
و جندبیدستر و جاوشیر و میعه سایله و ساذج هندی
از هریک هشت درم سلیخه و فلفل سیاه و فلفل سفید و
سورنجان و جعده و اسقوردریون و ذوقو و اکلیل الملک
و حنطیانا رومی و روغن بلسان و حب بلسان و قوفی
و مقل ازرق از هریک هفت درم و ورق سداب دو درم
تخم سداب ده درم اشق و ناردین و مصطکی و صمغ عربی
و فطراسالیون و قردمانا و افیون و رازیانه و ورق گل
سرخ و مشک طرامشیع از هریک پنج درم و فقح و فو و سکبینج
و اسارون از هریک سه درم اقاقیا و هوفاریقون و سرخ
سقنقور از هریک چهار درم و نیم صمغ در شراب کهنه ریحانی

حل کنند

حل کنند و باقی ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کرده در
سه چندان عسل که صمغ محلول در وی بقوام آمده باشد بسرشند
و بعد از شش ماه شربتی یک مثقال استعمال نمایند و قوت وی تا
هفت سال می ماند تریاق الطین کسی را اگر زهر داده باشند
این تریاق را بدهند که قی می آورد و آنکس خلاص می شود و
این تریاق توان دانست که چیزی داده اند یا نه و اگر نداده باشند
قی نیارد صنعت آن طین مختوم و حب الغار مساوی کوفته با
عسل بسرشند و با روغن گاو استعمال نمایند که مفید است تریاقی
که جهت گزندگی عقرب نیکو بود صنعت آن بستانند زراوند مدحرج
و پوست بیخ کبر از هریک نیم درم کوفته و بیخته با شراب استعمال
۲ نمایند که مفید است تریاق الذهب مروارید ناسفته و بزر البنج
و عود خام و دانه انجدان از هریک دو درم مرجان احمر و کاهربا
صلایه کرده و عقیق یمنی و یشب و عاج سفید و طباشیر و قطر
و کشنیز خشک بریان کرده و صندل سفید و بهمنین و بهمنج
و فوفل و سعد و زیره کرمانی مدبر و مصطکی و کرویا و مازو
سبز و گل ارمنی و صمغ عربی و نشاسته و عدسی و [illegible] دو آرد
کنار دو آرد سفید و گزمازج و دانه عناب بریان کرده و پوست
بیرون پسته و بزر اسفند نرم از هریک سه درم و ورق نقره ده
عدد تخم خرفه بریان کرده و خشخاش سفید از هریک ده درم اجزا
کوفته و بیخته در رب بهی شیرین و رب سیب شیرین و رب مورد

علی السویة سرشته بقدر احتیاج استعمال نمایند **نوع دیگر** که نافع
بود مروارید ناسفته و مرجان احمر و کاهربا و یشب و طباشیر سفید
و طراثیث و کشنیز خشک بریان کرده و بهمن سرخ و بهمن سفید و
صندل سفید و فوفل و سعد و زرنب کرمانی و بزر و مصطکی و
کراویا و ناردین و گل ارمنی و شادنج عدسی و دانه موز و صمغ
عربی و آرد کاودو آرد سنجد و کرمانج و دانه عناب بریان کرده
و عود خام و پوست بیرون پسته و بزر البنج سفید از هریک سه مثقال
و ورق نقره محلول یک مثقال تخم خرفه بریان کرده و خشخاش سفید
از هریک پنج مثقال اجزا کوفته و بیخته در رب سیب شیرین و رب
ریباس و رب مورد علی السویة سرشته **باب الرابع**
فی الجوارشات جوارش استقنقور منفعت کند کرده مرد را و باه را بیفزاید
و نعوظ تمام آورد و خاصیت این بسیار است امتحان کرده ایم **صفت**
آن تخم هلیون و تخم پیاز و تخم گندنا و تخم شلغم و تخم اسپست و تخم
جرجیر و حب الرشاد و کزبره و مغز حب الخضرا و لسان العصافیر
و کنجد مقشر و تخم ترب و مغز چلغوزه از هریک سه درم زنجبیل
و شقاقل مصری و خولنجان و دار فلفل از هریک پنج درم دارچینی
و جوز الطیب و بهمنین از هریک دو درم سر سقنقور پنج درم
خصیة الثعلب ده درم قضیب گاو خشک کرده سوده ده درم اجزا
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته سرشته و بعضی در
نسخه اسقیل بریان کرده داخل کرده اند و مرکب باید که قطعا اسقیل

درمعاجین

در معاجین نکنند و ممکن نبود که از ایجو زنند بسبب تلخی وی شربتی
از این جوارش دو درم بود یا بشربت با شیر تازه یا با ماء العسل
جوارش خبث الحدید و آن را فنجنوش خوانند سود مند بود جهت
بواسیر و استرخاء معده و تباهی مزاج و باه را زیاده کند و لون را
صافی سازد و دفع سرعت انزال کند وقتی که چهل روز متواتر
استعمال کنند **صفت آن** پوست هلیله کابلی و آمله مقشر و هلیله
سیاه و پوست بلیله و شیطرج هندی و سنبل الطیب و فلفل و دار
فلفل و زنجبیل و سعد کوفی از هریک ده درم تخم شبت و تخم گندنا
از هریک چهار درم خبث الحدید در سرکه خیسانیده چهار ده شبانروز
و بعد از آن خشک کرده در سایه و بریان کرده و بروغن بادام چرب
کرده و دیگر باره سحق کرده صد درم عسل کف گرفته سه وزن
ادویه اجزا کوفته و بیخته در ان سرشته بعد از ان دو درم مشک
ترکی اضافه کنند و در ظرف زجاجی یا چینی یا قلعی کنند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم که نافع است **جوارشی** که
خاصیت وی آزموده است که کرده را قوة دهد و نعوظ تمام آورد و منی
بیفزاید **صفت آن** مغز بادام و مغز پسته و مغز فندق و مغز چلغوزه
و کنجد مقشر از هریک پنج درم هلیون و شقاقل از هریک شش درم
تودریین و بهمنین از هریک سه درم تخم شلغم و تخم خربزه و تخم
پیاز و تخم الجزر و تخم جزد و لسان العصافیر از هریک دو درم
تخم اسپست و قند سفید از هریک بیست درم عسل سه وزن ادویه

۲ شربتی یکمثقال تا دو مثقال جوارش جالینوس مستعمل این جوارش را
خواص بسیار است هر اندامها را قوت دهد و بوی دهان خوش
و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه بود باز دارد
و سرفه بلغمی ببرد و باه را قوت دهد و لون صافی کند و بادهای
ناصور و درد پهلو ببرد و درد سری که از سردی بود سود دهد
و نقرس و قوبا و بهق را نافع بود و بواسیر و درد گرده و مثانه ببرد
و سیاهی موی نگاه دارد و هر که بیست و یک روز مداومت نماید
ازین بیماریها خلاصی یابد و بعد از ده روز که ساخته باشند استعمال
نمایند صفت ان سنبل الطیب و قاقله و سلیخه و دارچینی و خولنجان
و سعد کوفی و زنجبیل و زعفران و فلفل سفید و دارفلفل و قسط
بحری و عود بلسان و اسارون و حب الآس و قصب الذریره
هریک دو درم مصطکی ده درم قند سفید بوزن ادویه اجزا
کوفته و بیخته باسه چندان عسل کفکرفته بسرشته شربتی یکمثقال
یا دو مثقال پیش از طعام و بعد از طعام باید خورد جوارش ۲
کمونی مستعمل سود مند بود جهت سردی معده و تهای بلغمی و
سوداوی و سردی انثیین و فواق که از کثرت بلغم بود و از
معاجین زوطی است صفت ان زیره کرمانی در سرکه خیسانیده
یکشبانروز و در سایه خشک کرده و بریان کرده دو رطل بغدادی
فلفل سی درم زنجبیل و ورق سداب از هریک چهل درم بوره
ارمنی ده درم اجزا کوفته و بیخته باسه چندان عسل کفکرفته

بسرشته

کمونی کبیر

بسرشته شربتی یکمثقال تا دو مثقال مناسب بود کمونی کبیر زیره
کرمانی مدبر صد و هشتاد مثقال فلفل سی درم زنجبیل و ورق
سداب از هریک چهل درم بوره ارمنی ده درم سلیخه و قرفه
و حب بلسان و سنبل الطیب و مصطکی از هریک چهار درم
اجزای کوفته و بیخته باسه چندان عسل کفکرفته بسرشته شربتی
یکمثقال جوارش زنجبیلی نافع بود جهت گرده و پشت را و معده را
قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهان خوش کند و آب از
دهان باز دارد و بادها بشکند و سردی ببرد و ریگ از
مثانه پاک کند و منی بیفزاید و جگر و گرده و مغز را قوت دهد صفت ان
تخم کرفس و تخم کندنا و تخم شبت و نانخواه و رازیانه و مغز تخم خیار
و تخم کرفس از هریک پنج مثقال عاقرقرحا و قرفه و زعفران و مصطکی
و عود خام از هریک ده درم بسباسه و قرنفل و فلفل موی و کبابه
از هریک پنج درم اجزا کوفته و بیخته باسه چندان عسل کفکرفته
مسهل ۲ بسرشته جوارش نوزی گرم و بر امعا و بر تن هم کو بنید معده را قوت
دهد و اشتها آورد و قولنج بگشاید و مخصوص است بعلاج
قولنج صفت آن به اصفهانی پاک کرده از پوست و دانه یک
رطل پاره کنند و در دو رطل شراب بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن
فرو گیرند و اندک بیفشارند و بگیرند و از منخل موی بگذرانند
کنند و یکمن عسل صافی بر سر ان کنند و بجوشانند تا نزدیک
انعقاد و دیگر باز فرو گیرند و این اجزای کوفته و بیخته بر سر آن

افشانند و بر تیر بنند تا یکسان شود اجزا اینست زنجبیل و دارفلفل
و دارچینی از هر یک دو درم هیل و قاقله و زعفران از هر یک سه
درم مصطکی پنج درم سقمونیا مشوی ده درم تربد سفید مجوف
خراشیده بروغن بادام چرب کرده سی درم شربتی از پنج مثقال
از پنج مثقال تا هفت مثقال نافع بود بآب گرم آشامیدن جهت
قولنج **جوارش سفرجل مسك** شکم ببندد و معده را قوة دهد و
قی باز دارد و رنگ روی را نیکو دارد و اشتها طعام پیدا کند
صفت آن به اصفهانی از پوست و دانه پاك کرده دو رطل پاره
کنند و سرکه بر سر آن کنند و بجوشانند تا مهرا شود و بکوبند
و یك رطل عسل صاف کرده بر سر آن کنند و باتش آهسته
بجوشانند تا منعقد شود بعد از ان فرو گیرند و زنجبیل و فلفل
و دارفلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس و نانخواه از هر یک دو
درم مجموع کوفته و بیخته بر ان افشانند و بر تیر بنند تا
یکسان شود شربتی چهار مثقال **جوارش تمر هندی** قولنج بگشاید
و عسر البول را نافع بود **صفت آن** به دانه ارمنی و زبیب کرمانی
در سرکه خیسانیده یکشبانروز و خشك کرده در سرکه و بریان
کرده و قطراسالیون و زنجبیل و فلفل سفید از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا پنج درم خرما هندی بی دانه و مغز بادام سفید
کرده بریان کرده و ورق سنا از هر یک ده درم تمر را
در سرکه خیسانند یکشبانروز و بکوبند و از غربال بیرون کنند

وعسل کهن

وعسل کف گرفته بر سر تمر کنند و اجزا را در ان حل کرده بسرشند
شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال با اب گرم نافع بود جهت قولنج
جوارش شهریاری سودمند بود سردی معده و جگر را و قولنج
و عسر البول را بگشاید **صفت آن** قرفه و قرنفل و سلیخه و
سنبل الطیب و قاقله کبار و صغار و مصطکی و حب بلسان
و زعفران از هر یک چهار درم سقمونیای مشوی سه درم تربد
سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده و حب النیل
از هر یک هشت درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته با
سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی چهار مثقال تا شش
مثقال بحسب مزاج با اب گرم نافع بود **جوارش اترج** قوة معده
بدهد و اشتهاء طعام آورد و بادها بشکند و بوی دهان
خوش کند **صفت آن** پوست اترج خشك کرده سی درم [illegible]
و دارفلفل و دارچینی و قاقله کبار و صغار و خولنجان و زنجبیل
از هر یک دو درم مشك خالص نیم درم اجزای کوفته و بیخته با سه
چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی دو مثقال **جوارش عود**
هاضمه را قوة دهد و اشتها آورد و معده را قوة دهد و بلغم
و رطوبت دفع کند **صفت آن** قرنفل سه درم قاقله کبار دو درم
عود خام پنج درم زعفران یک درم سنبل الطیب دو درم مصطکی
سه درم بسباسه دو درم جوز الطیب یک درم قرفه و پوست
اترج هر یک دو درم زنجبیل و دارفلفل از هر یک یک درم نبات

دومن نوعی دیگر که از مجربات شیخ الرئیس است و ترکیب اوست
بادها بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند صنعت آن
عود هندی سه درم مشک خالص نیم درم کافور ریاحی و
بسباسه و نارمشک و سعد و فرنجمشک و زرنب و زرنباد
از هر یک یکمثقال زنجبیل و دارچینی و قلقل و مصطکی از هر
یک دو درم تخم کرفس و رازیانج و لسان الثور و وج و سنبل
از هر یک سه درم اجزای کوفته و بیخته با عسل سرشته
نوعی دیگر که معده و دل را قوت دهد و پیرانرا شاید صنعت آن
عود هندی و قرنفل و ساذج و زنجبیل و قاقله صغار و کبار
و فرنجمشک و دار فلفل از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته در
شیره زنجبیل سرشته شربتی دو مثقال نوعی دیگر که هاضمه را
قوت دهد و بلغم و رطوبت دفع کند صنعت آن قرنفل سه درم قاقله
کبار و سنبل الطیب از هر یک دو درم عود خام پنج درم زعفران
یک درم کوفته و بیخته در عسل کف گرفته سرشته نوعی دیگر
که معده سرد را گرم کند و اشتها باز دید کند و هاضمه را نکو
برد صنعت آن قرنفل دو درم سنبل الطیب یک درم عود پنج درم
قند با نبات یکمن بقوام آورند و بر تیر بزنند اجزا کوفته و بیخته
بر وی افشانند و بر روی سنگ ریزند چنانچه رسمست جوارش عنبر
نوعی دیگر عود خام و پوست اترج از هر یک پنج درم مصطکی دو درم قند
با نبات یکمن بقاعده عمل نمایند جوارش عنبر اشتها باز دید آورد

وقوت دل ومعده

وقوت دل و معده بدهد صنعت آن قند سفید یکمن بقوام آورند
و یکمثقال عنبر اشهب در آن اندازند و بر سر تیر حل کنند و بقاعده
۲ بر روی سنگ ریزند جوارش مصطکی سودمند بود جهت معده
سرد و جگر و بادهای آن و بلغم را دفع کند و آب رفتن از دهان
باز دارد صنعت آن مصطکی سه مثقال گلاب تر کنند و در
هاون سنگی بسایند و یکمن قند سفید و یک شیشه گلاب با یکدیگر
بقوام آورند و فرو گیرند و بر تیر بر روی می زنند تا حرارتش ضعیف
شود آنگاه مصطکی بریزند و بهم برآورند و بقاعده بر روی
سنگ ریزند جوارش آمله معده را با صلاح آورد و اشتها باز
دید کند صنعت آن آمله در شیر خر بسایند ده درم عود
خام پنج درم پوست ترنج و پوست بیرون پسته از هر یک سه درم
مصطکی پنج درم کوفته و بیخته قند سفید یکمن چنانچه ذکر کرده
شد شربتی دو مثقال و بعضی سنبل و خولنجان و انیسون را از
هر یک یکمثقال داخل میکنند نوعی دیگر آمله در شیر خر بسایند
و از آن شیر بشویند بیست درم و بجوشانند تا مهرا شود
و بکوبند و با یکمن قند با نبات بقوام آورند و بقاعده بر روی
سنگ ریزند جوارش مشک بادهای معده بشکند و خداوند خفقان
و باذا سور را سود دارد صنعت آن قاقله صغار و کبار و زنجبیل
و دار فلفل و فلفل از هر یک دو درم دارچینی سه درم عود هندی
بیست درم زعفران دو درم مشک خالص نیم مثقال قند سوده بوزن

جوارش فواکه ادویه عسل مصفی دو وزن ادویه در ان سرشند
مؤلف گوید که این جوارش کسی پیش از من ترکیب نکرده است
و این صنعت خاصه منست معده را قوت دهد و قی باز دارد
و جگر و روده را قوت دهد و دفع صفرا کند و تشنگی بدان کند
دفع خمار کند صنعتان آب انار شیرین و ترش و آب سیب
و آب حامض و آب لیمو و آب به اصفهانی و آب ملچی و آب غوره و آب
زرشک و آب سماق و اگر گل بوده باشد آب گل نیز اضافه کنند
مجموع مساوی بجوشانند تا یکی باسه چهار یک آید بعد از آن
از سر آتش فرو گیرند و قند صافی کرده بقوام زیاده آورده چنانچه
نزدیک آن بود که ببندد فرو گیرند و در تیز زدن آن ابها میریزند
و تیر میزنند تا چندانکه خواهند بعد از آن بر روی سنگ بریزند
و ببندند و بردارند و استعمال نمایند و باید که ابها که میجوشانند
همه با هم جوشانند یعنی حامض و لیمو و بعد از آن فرو گیرد آب
حامض و لیمو بر آن کند و یکبار دیگر بجوشد چنانکه ذکر رفت جوارش
انار مستعمل بگیرد آب انار ترش و بقوام آورد چنانچه در فواکه ذکر
کرده شد و نبات بقوام زیاده آورد بطریقه مذکور و نیز باد
جوارش زرشک بگیرد آب زرشک تازه و اگر تازه نبوده باشد زرشک
خشک و باید که زرشک نهایت خوب سرخ بوده باشد و بجوشانند
و داغ کنند و بپالایند و بقوام آورند چنانچه ذکر کرده شد عمل
نمایند جوارش غوره آب غوره بقوام آورد نزدیک به غوره و قند

زیاده

زیاده بقوام آورد چنانچه مذکور شد و در تیز زدن آب غوره بیان
بیزد و بعد از آن بر سنگ بریزند و ببندند جوارش نارنج و ترنج و سماق
دو جوارش قوام قند زیاده تر از قوام دیگرها باید کرد و تواسطه
آنکه آب نارنج و حامض و لیمو بقوام عنقوان آورد که بر بالای آن
قند بریزند پس قند را بقوام بلند باید آورد تا در تیز زدن
ابها که مذکور اضافه می کنند و چون اضافه کردند بقوام
خود رسد بعد از ان بر بالای سنگ بریزند و بقاعده ببندند جوارش
نعناع قند صافی کرده بقوام زیاده آورند و در تیز زدن
سرکه نعناع بر سر آن میریزند تا بچاشنی که میخواهند برسد بعد از آن
بقاعده بر روی سنگ بریزند و ببندند جوارش کافور که اشتهای
صفرایی باز دارد صنعتان زرشک ده درم گل سرخ شش درم
طباشیر سفید چهار درم تخم حامض بریان کرده هفت درم کهربا
چهار درم حب الآس شش درم شاهبلوط پنج درم پست سیب
و پست عبیر از هر یک ده درم انار دانه بریان کرده با تخم درم کافور
سه درم قرنفل چهار درم بلوط پنج درم کوفته و بیخته بشراب
ترنج یا حامض سرشته شربتی دو درم جوارش کندر که اشتهای بلغمی
باز دارد و معده گرم کند صنعتان کندر سفید شصت درم
فلفل و دار فلفل و زنجبیل و خولنجان از هر یک ده درم جوزبوا و
قرنفل و قاقله از هر یک پنج درم مشک یک درم قند سفید شصت درم
عسل دو وزن ادویه شربتی سه درم نافع بود جوارش حب الآس

حب الآس بکجا ربک هلیله سیاه و بلیله و آمله وطالیسفر از هر یک
ده درم فلفل و زنجبیل و دار فلفل از هر یک پنج درم مصطکی و
و کراویا و زیره و انیسون و سنبل الطیب و سلیخه و قاقله و قسط
بحری و جوز بویا و تخم کرفس از هر یک سه درم ساذج هندی و
خاما از هر یک دو درم کوفته و بیخته با انگبین سرشته جوارش
جوزی که طعام بگوارد و اشتها باز دارد و سپرز بگدازد و کسی که
بیم استسقا داشته باشد سود دارد و ادرار بول کند صنعت این
قسط بحری و قرفه و سنبل الطیب و سلیخه و حب بلسان از هر یک
ده درم جوز بویا جغذد قاقله و قرنفل و انیسون و اکلیل الملک
و سیطرج و نارمشک از هر یک چهار درم بسباسه و درونج عقربی
و زراوند چینی و راوند و اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه
و هلیله کابلی از هر یک بیست درم و باید که هلیلجات را بر وغن
زیت بریان کنند و بلیله ده عدد حب الآس بوزن تمام ادویه کوفته
و بیخته دو وزن ان شکر بقوام آورند و اجزا را در ان سرشند و
بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی بقدر یک مازو با آب گرم حل
کرده باز خورند و اگر سرد باشد شاید و بهتر باشد نوعی دیگر
دانه مویز که از سر که بیرون کنند بیست درم حب الآس پنجاه درم خرنوب
و کلنار و کزمازج و نانخواه از هر یک دو درم کوفته و بیخته در عسل
سرشته صنعت این اشتها صفراوی باز دارد و ضعف و تب را
سود دارد جوارش طباشیر طباشیر و گل سرخ از هر یک ده درم تخم حماض

وصمغ عربی

وصمغ عربی از هر یک هفت درم کلنار و سماق و عصاره لحیة التیس
از هر یک شش درم زعفران و افیون از هر یک دو درم حب
الآس ده درم کوفته و بیخته با شراب به سرشند شربتی سه درم
جوارش سماق که اشتهاء صفرایی باز دارد صنعت این سماق بیست
درم حب الآس ده درم انار دانه پنج درم اجزا بکوبند و سماق را
دانه از وی پاک کنند و دیگر باره بکوبند و با دو برابر مویز منقی
بکوبند شربتی سه درم نوعی دیگر که تب صفراوی بشکند و تشنگی
نشاند صنعت این سماق بی دانه سه درم پوست خوزو پوست
و کعک بغدادی و خرنوب شامی و طباشیر سفید از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته با شراب سیب بسرشند جوارش زیره که قولنج باز دارد
و آروغ ترش زایل کند صنعت آن زیره مدبر ده درم زنجبیل
پنج درم کوفته و بیخته با انگبین بسرشند جوارش انجدان با دها بشکند
و آروغ زایل کند و قولنج باز دارد صنعت این فلفل و دار فلفل
از هر یک پنج درم ابرسا و زنجبیل از هر یک شش درم انیسون و
مصطکی و رازیانه از هر یک دو درم نانخواه و تخم کرفس از هر یک
سه درم انجدان پانزده درم اجزا کوفته و بیخته با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند شربتی یک درم تا دو درم نافع بود باب
الخامس فی الاطریفلات اطریفل کبیر سود مند بود بواسیر را
۲ ولون را نیکو گرداند و باه را زیاده کند و معده را قوت دهد صنعت آن
پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله مقشر و فلفل

ردار فلفل از هر یکی سی درم زنجبیل و بوزیدان و بسباسه و قشور
هندی و سنبل قنّاقل نصری و تودری سرخ و سفید و لسان
العصافیر و حب الفلقل و کبخد مقشر و قند سفید و خشخاش
سفید و بهمنین از هر یک ده درم اجزا کوفته و بیخته و بروغن بادام
چرب کرده باسه چند آن عسل کف گرفته سرشته شربتی یک مثقال
تا دو مثقال بعد از دو ماه استعمال باید کرد و قوت وی تا سه
سال باقیست اطریفل صغیر سود مند بود استرخاء معده و رطوبت
آن و بواسیر را دفع کند و ذهن را نیکو کند صنعت آن پوست
هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله مقشر و
پوست بلیله از هر یک ده درم مجموع کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کرده باسه چند آن عسل کف گرفته سرشته و بعد از دو ماه
استعمال کنند و قوت این اطریفل تا دو سال میماند شربتی یک مثقال
تا دو مثقال تا ولغرماند نافع بود اطریفل کشنیزی جهت صداع
که از بخار معده بود عظیم نافع بود و قوة معده بدهد صنعت آن
پوست هلیله کابلی و پوست بلیله و آمله مقشر و هلیله سیاه
و پوست هلیله زرد و کشنیز خشک بعضی هلیله سیاه و زرد
منکت دا اجزا مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و
در سه چند آن عسل کف گرفته سرشند و بعد از دو ماه استعمال
نمایند شربتی یک مثقال تا دو مثقال نافع بود اطریفل الذیدان
کرمهای بزرگ و کوچک و حب القرع را بکشد صنعت آن ابیخ

مقشر ده درم حب النیل و قسط و تربد سفید مجوف از هر یک بیخ کرم
قنبیل و ترمس شامی و افسنتین رومی و شیح ارمنی و افتیمون
اقریطی و ملح نبطی و سعد کوفی و راسن شامی و قرنفل هندی
و خردل ابیض و شحم حنظل از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن
ادویه شربتی دو درم تا سه درم نافع بود اطریفل مقل جهت بواسیر
عظیم نافع بود صنعت آن پوست هلیله کابلی و پوست هلیله زرد
و آمله مقشر از هر یک ده درم مقل ازرق سی درم عسل صد مثقال
مقل را در آب گراث حل کرده با عسل بقوام آورند و اجزا کوفته
و بیخته در ان سرشته شربتی یک درم تا یک مثقال نافع بود نوعی دیگر
پوست هلیله کابلی و پوست بلیله و آمله مقشر و افتیمون و اسطوخودوس
از هر یک ده درم مقل ازرق و فلوس خیار شنبر از هر یک سی درم
مقل و فلوس را در آب حل کنند و با سه وزن ادویه عسل بقوام
آورند و اجزا کوفته و بیخته در ان سرشته اطریفل شاهتره پوست
هلیله زرد چهل درم پوست هلیله کابلی سی درم هلیله سیاه
و آمله مقشر و سنا مکی از هر یک ده درم شاهتره سی درم راوند
چینی و چوب کنا از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کرده بر زن ادویه کشمش کوفته در یکدیگر سرشته شربتی
از دو درم تا چهار درم بحسب مزاج استعمال نمایند اطریفل افتیمون
جهت ماده سوداوی عظیم نافع بود صنعت آن پوست هلیله کابلی
و پوست بلیله و آمله از هر یک ده درم سنا مکی و تربد سفید و

وافیثمون از هریک پنجدرم شیطرج هندی سه درم بسفایج فستقی
یکدرم انیسون و علک هندی از هریک ده درم اجزای
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشتند شربتی یک
درم نافع بود **نوعی دیگر** که طبع را نرم دارد و معده از صفرا
و بلغم پاک کند **صنعت آن** هلیله زرد هلیله کابلی و بلیله و آمله
مقشر از هریک ده درم پنج سوسن پنج درم تربد سفید بیست
درم زنجبیل و شیطرج هندی از هریک سه درم حب بوا و دار
چینی از هریک دو درم شاهتره ده درم گل سرخ پنجدرم اجزا
کوفته و بیخته در سه چندان عسل کف گرفته بسرشتند شربتی
پنج درم نافع بود **نوعی دیگر** که خداوند خناق و خنازیر را
سود دارد **صنعت آن** هلیله سیاه پانزده درم بلیله و آمله
و تربد سفید از هریک هفت درم افتیمون ده درم سنا مکی و بسفایج
فستقی و اسطوخودوس از هریک پنجدرم شیطرج هندی و ورد نشادر
و غاریقون از هریک سه درم انیسون و حب بوا و مصطکی و قند
و جوز بوا و سنبل الطیب از هریک دو درم نوشادر سه درم
اجزا کوفته و بیخته در عسل بسرشتند **اطریفل** که بهق و برص
و خداوند بیماریها المغز را سود دارد **صنعت آن** هلیله کابلی
بیست درم بلیله و آمله از هریک ده درم ترنک کابلی پانزده
درم شیطرج و سعد و زنجبیل از هریک سه مثقال سادج هندی
پنج درم بسفایج و اسطوخودوس از هریک هشت درم غاریقون
قسط

قسط سه درم کندر و قرنفل و خرنوبا از هریک دو درم فلفل و دار فلفل
و نارمشک از هریک چهار درم کوفته و بیخته با انگبین بسرشتند
اطریفل که خداوند گر و خارش و سعفه را سود دارد **صنعت
آن** هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم بلیله و آمله از هریک
بیست درم سنا مکی بیست درم راوند چینی ده درم اجزا کوفته
و بیخته در عسل کف گرفته بسرشتند **اطریفل** که خداوند عرق
مدنی را سود دارد که ده روز پیوسته بکار دارند ماده
این علت را زایل کند **صنعت آن** هلیله کابلی و بلیله و آمله و
تربد سفید و زنجبیل و قنبیل اجزا متساوی کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کرده در سه چندان عسل کف گرفته بسرشتند که نافع
باشد **باب السادس فی حبوب و ایارج و قرص**
سودمند بود اخلاط سوداوی و بلغمی و داء الثعلب را عظیم نافع
بود و ترجمه ایارج ترجمه الهی است و ایارجه سالم از حبوب و
مطبوخات بود **صنعت آن** شحم حنظل بیست درم صبر اسقوطری
پنج درم سکبینج و جاوشیر از هریک هشت درم خولنجان ده درم
کمادریوس بیست درم فلفل سفید قطراسالیون و زراوند مدحرج
و دارچینی و سلیخه و زعفران و زنجبیل و جعده و عصافیر از هریک
دو درم اجزا کوفته و بیخته صموغ در شراب حل کرده در سه وزن
ادویه عسل کف گرفته بسرشتند شربتی دو مثقال با آب گرم افتیمون
و شاهتره و هلیله سیاه و مویز طایفی و غاریقون و اسطوخودوس

وکما فیطوس و هسفایج وکاوزبان دران جوشیده باشند
ونیم درم ملح هندی در وحل کرده باشند بجرعه فرمایند
وقوت این ایارج بعد از شش ماه تا چهار سال بماند **ایارج**
فیقرا سودمند بود جهت امراض سر و رطوبت معده و درد مفاصل
و قولنج و قی بلغمی و فالج و لقوه و استرخا و گرانی زبان
صفت آن مصطکی و زعفران و سنبل الطیب و حب بلسان
و اسارون و سلیخه و دارچینی و عود بلسان از هر یک مثقال
صبر اسقوطری هشت مثقال و بعضی شانزده مثقال میگیرند
کوفته و بیخته در ظرف آبگینه کنند و قوت این تا چهار سال باقی
باشد شربتی یک مثقال تا دو درم با ادویه دیگر که صفت آن
در حبها یاد کرده شود **نوعی دیگر** سنبل و سلیخه و مصطکی
و دارچینی و اسارون و حب بلسان و زعفران از هر یک جزوی
صبر اسقوطری دو وزن ادویه شربتی دو درم اطبا آن در هر
بیماری در بنا ایارج تصرف کرده اند و چیزی بر آن افزوده اند
و چیزی بعوض چیزی نهاده اند از جهت خداوند صداع گرم
و خداوند غثیان و قی بعوض زعفران گل سرخ نهاده اند
و بعوض اسارون کتابه تا لطیف تر آید و فقاح اذخر بر آن
افزوده اند و بعضی از جهت مضرت صبر تا امعا را نگاه دارد
یک جزو مقل کرده اند و بعضی از جهت محرور مزاج صبر مغسول
کرده اند و بعضی ایارج با انگبین میسرشند تا استفراغ تمامتر

وزود تر آید و اعضا پاک کند و خداوند لقوه و گرانی زبان و
استرخای مثانه و اندام و اوجاع المفاصل و قولنج را سود دارد
و بعضی عصاره غافت بر وی افزوده اند از جهت خلط غلیظ
و بعضی اسطوخودوس از جهت پاک کردن دماغ اضافه کرده اند
ایارج کاغاتیس نسخه معروفست همه بیماریهای بلغمی و سوداوی
و ابتداء فرود آمدن آب و تنگی نفس و کوفتگی آواز ببرد و
خداوند درد معده و شکم و رحم اندر طبیخ شراب تاسه قیراط
چند بیدا ستر بدهند و خداوند درد پشت اندر طبیخ کرفس سود
دارد و خداوند عرق النسا را اندر طبیخ فنطوریون سود دارد
خاصه اگر چهار قیراط عصاره قثاء الحمار با وی ترکیب کنند و
کزندگی سگ دیوانه را با یک درم سرطان نهری سود دارد و
خداوند ذکر و قوبا اندر طبیخ شاهتره سود دارد **صفت آن**
شحم حنظل ده درم فراسیون و اسطوخودوس و خربق سیاه
و فلفل سیاه و کمادریوس از هر یک بیست درم بصل الفار و فربیون
و صبر و زعفران و جنطیانا و فطراسالیون و اشق و جاوشیر
از هر یک پانزده درم جعده و دارچینی و سکبینج و حرف و سنبل
و اذخر و فودنج جبلی و زراوند مدحرج از هر یک دو درم
سقمونیا ده درم اجزا کوفته و بیخته در سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند شربتی چهار مثقال نافع بود **ایارج جالینوس**
سودمند بود فالج و لقوه و تشنج و استرخا و خلطهای لزج

دفع کند و مثانه را سود مند بود و کسی را که منی بعنبر ارادت آن جدا
شود صنعت آن شحم حنظل و غاریقون و اسقیل مشوی و اشق
و سقمونیا و خربق سیاه و هوفاریقون و فربیون از هر یک شش
درم سکبینج نستقی و افتیمون اقریطی و مقل ازرق و کادریوس
و سلیخه و فراسیون از هر یک سه درم مصطکی و سکبینج و زراوند
طویل و فلفل سیاه و سفید و دارفلفل و دارچینی و حاشا و شیح
و جندبیدستر و فطراسالیون از هر یک چهار درم زعفران
و صبر از هر یک چهار درم اجزای کوفته و بیخته صموغ در شراب حل
کرده در سه چندان عسل کف گرفته سرشته شربتی از وی دو
مثقال تا چهار مثقال با آبی که هلیله کابلی و افتیمون و مویز منقی
در آن جوشانیده باشند بیاشامند و این ایاره بعد از شش ماه
تا چهار سال قوة دارد ایارج لوغاذیا این ایاره بسیار کسترده منفعت
منفعتی دارد بدن را پاک کند از خلطها و فضلهای مختلف
از قعر بدن ببرد و خلطهای لزج عفن محترق دفع کند و این مشکل
زحمت بود و سود مند بود فالج و رعشه و لقوه و تشنج و صرع و
جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و شقیقه و
صداع آورد و دوار و صمم و وسواس و شهوة کلبیه و تغییر
عقل و عسر نفس و درد گرده و مثانه و نقرس و درد مفاصل
و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و درد شیهای
کهن برهمه نافع بود و حیض بسته بگشاید صنعت آن شحم حنظل بیخ درم

اسقیل

اسقیل مشوی و غاریقون و سقمونیا و خربق سیاه و اشق و اسقوردیون
از هر یک دو درم و نیم افتیمون اقریطی و کادریوس و مقل ازرق
و صبر اسقوطری از هر یک سه درم حاشا و سادج و هوفاریقون
و فراسیون و جعده و سلیخه و فلفل سفید و سیاه و دارفلفل و زعفران
و دارچینی و حاشا و شیح و سکبینج و جندبیدستر و مصطکی
و فطراسالیون و زراوند طویل و عصاره افسنتین و فرفیون و سنبل
و حماما و زنجبیل و جنطیانا و اسطوخودوس از هر یک دو درم اجزا
کوفته و بیخته صموغ در شراب حل کرده با سه چندان عسل کف گرفته
سرشته شربتی چهار مثقال و قوت این بعد از شش ماه تا چهار
سال بماند و اولی آن بود که شب هنگام فرو برد و صباح جلاب
از سکنجبین و زوفا و افتیمون و پوست هلیله کابلی و گاوزبان و
اسطوخودوس و مویز و قردی نمک بجوشانند خورده باشد باب
۲ السابع فی المربیات اهلیلج مربا معده را قوت دهد و هضم غذا
کند و طبیعت نرم دارد و بواسیر ببرد و قوة باصره بدهد و نسیان
زایل کند و جوانی نگاه دارد صنعت آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد
بستانند و در ظرفی سنگین کنند و چندان آب بر آن کنند تا پوشیده شود
و خاکستر بلوط پنجاه درم بر وی افکنند و هر سه روز خاکستر و آب
تغییر میکنند تا دوازده روز بگذرد و چهار نوبت تغییر کنند و
بعد از آن بچند آب آهسته بشویند چنانکه پوست از وی جدا
نشود و بعد از آن بر دیگی کنند و آب بر سر آن کنند تا چون کشکاب

پخته کرده و دیگر فرو گیرند و آهسته بشویند و هر هلیله را ده سوزن
بزنند و در ظرف چینی یا کاشی کنند و بمقدار عسل که از آن سیر شود
بر سر آن کنند و بیست روز رها کنند و بعد از آن بیرون آورند و از
میان عسل سبب آنکه آبی که در هلیله باشد بعسل آمیخته شده باشد
و عسل رقیق شده باشد و دیگر باره عسل بروی وی ریزند و ده
روز دیگر رها کنند بعد از آن با عسل اول و عسل ثانی بجوشانند
تا قوام گیرد و فرو گیرند و بعضی از اجزا داخل بکنند و در ظرف
چینی یا کاشی کنند اجزا اینست قرفه و زنجبیل و قرنفل و قاقله
و جوز و عود و مصطکی از هر یک ده درم زعفران یک مثقال مشک خالص
نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته بر سر آن افشانند و بعد از چهل روز استعمال
کنند زنجبیل مربا نافع بود گرده و مثانه و معده سرد را و بول براند ۲
و تبهای بلغمی را سود دارد و باه را برانگیزاند صنعت آن بستانند زنجبیل
آنرا درخت و در شب رها کنند و آب بر آن ریزند تا بیست روز
بعد از آن بیرون آورند و بپزند در دیگ سنگی و آب و عسل بر روی
آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید شقاقل مربا مجامعت را
قوت دهد و باه را زیاده کند و نعوظ تمام آورد و مثانه را نافع
بود صنعت آن شقاقل تازه پاک کنند و بجوشانند یک شبانروز
و آب آن بریزند و تازه کنند سه نوبت بعد از آن بجوشانند تا
نیم پخته گردد و عسل بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن
فرو گیرند و در ظرف کاشی کنند و بعد از چهل روز استعمال نمایند

شقاقل مربا

دفع حرارت کند و تشنگی بنشاند صنعت آن بستانند پوست خیار کدو
و سبزی آنرا بتراشند و یک روز در آب و آهک بگذارند و یک شب
در آب شیرین و بعد از آن پاک بشویند و در آب عود و شاب بیازند
بجوشانند و از آنجا بیرون آورده در عسل افکنند بجوشند تا
بقوام آید و بعد از چند یوم استعمال نمایند وج ترکی مربا جهت
لقوه و قولنج ریحی نافع بود و مصروع را بغایت سود دهد صنعت آن
بستانند وج ترکی فربه و سه شبانروز در آب بخیسانند و بعد از آن
بیرون آورده و قدری آب و عسل بر سر آن کنند و بجوشانند تا نیم
پخته گردد و بیرون آورده و عسل مصفی بر سر آن کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و بعد از چهل روز استعمال کنند جوز مربا
سودمند بود معده سرد را و گرده سرد را و باه را زیاده کند
بستانند گردکان تر که هنوز پوست وی صلب نشده باشد و پوست
از وی جدا کنند و چند روز در آب نهند تا شیرین بعد از آن
نشتر زنند تا آبهای وی برود و در میان آب و عسل بجوشانند
تا بقوام آید و بعد از چند روز استعمال کنند لوز مربا
سودمند بود سرفه و صداع را صنعت آن بستانند بادام فربه مقشر
کنند و در دیگ کنند و دوشاب و آب بر بالای آن کنند و
بجوشانند آنقدر که رنگ متغیر کند و بعد از سه روز از دیگ
بیرون آورند و در میان عسل اندازند و بجوشانند تا بقوام آید
و در ظرف کنند و تا چهل روز نهند و از بیرون ظرف بشوید

خمیرهٔ بنفشه مستعمل سینه را نرم کند و سرفه که از حرارت بود زایل کرداند و خشونت حلق را نافع بود صنعت آن بستانند سر بنفشه تر و باید که قطعا دنباله نداشته باشد و بکوبند آنرا و در هر یک من سر بنفشه دو من قند سفید بکنند و بعضی چهار من کرده‌اند و باید که یک بند بخار بخورند تا چنین شود و چهل روز در آفتاب بگذارند و گاهی بهم برآورند جلنجبین سکری سودمند بود بلغم را و قوت معده بدهد و هاضمه را نافع بود صنعتش بستانند ورد گل سرخ یکمن و بقاعده خمیرهٔ بنفشه عمل کنند جلنجبین عسل سودمند بود سردی معده و جگر را و استسقا و سوء الهضم که از سردی بود صنعت آن بگیرید ورق گل سرخ تازه و دو برابر آن عسل صاف اضافه کنند و بقاعده مذکور بسازند جلنجبین قوت دل و دماغ و معده بدهد و از جملهٔ مفرحات است صنعت آن بستانند بهار بهر و با قند سفید بقاعده مذکور بسازند جلنجبین گاوزبان از ادویهٔ قلبی است ماده سودا را دفع کند و خفقان زایل کند و سرفه بلغمی را نافع بود صنعت آن بستانند گل گاوزبان و با دو برابر آن قند بکوبند بقاعده بسازند و اگر عسلی خواهند نصفی قند و نصفی عسل کنند

باب ثامن در لعوقات

لعوق سپستان سودمند بود خشونت حلق و سرفه و سینه و شش را نرم دارد و ذات الجنب و ذات الصدر را نافع بود صنعت آن سپستان دویست عدد مغز چهل درم فلوس خیار

شنبر

شنبر ده مثقال بیخ مهک خراشیده نیم کوفته چهل درم مجموع در شش رطل آب بپزند تا با دو رطل آید و فرو گیرند و در دست بمالند و صافی کنند و یکمن قند صافی بر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید نوعی دیگر سپستان فربه صد و پنجاه عدد عناب پنجاه عدد مغز چهل درم فلوس خیار شنبر بیست درم در یک من آب بجوشانند تا یکمن آید و در دست بمالند و صاف کنند و قدری آب با تله و صد درم شکر اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید لعوق زوفا سودمند بود ربو و سرفه کهن و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صنعت آن بستانند انیسون و زوفا یابس از هر یک بیست درم انیسون نیم کوفته کنند و بانزو فا در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید و فرو گیرند و در دست بمالند و صافی کنند و یک رطل قند صافی کرده بر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید لعوق اسقیل سودمند بود جهت ربو و سرفه کهن چون از رطوبت غلیظ بود صنعت آن بستانند اسقیل بریان کرده سه درم انیسون دو درم فراسیون و زوفا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته در عسل صافی سرشته لعوق خیار شنبر سرفه کهن را نافع بود و طبیعت را براند و سینه و شش را از اخلاط پاک کند صنعت آن بنفشه پنج مثقال عناب بیست دانه سپستان پنجاه دانه مویز طایفی سی دانه بیخ مهک خراشیده ده درم خشخاش سفید نیم کوفته بیست مثقال زوفا و رازیانه

وکثیرا از هر یک سه مثقال ابریسم کوفته سه درم صمغ آلوسیا
دو درم پرسیاوشان پنج درم ابخیس سفید بیست دانه اجزا را
بجوشانند و در دست بمالند و بیست مثقال مغز خیار چنبر در آب
حل کرده صاف نمایند و بمن قند سفید اضافه کنند و بقوام
آورند و مغز تخم خیارین و مغز بادام شیرین از هر یک پنج درم مغز
بر دانه و خازی و خطمی از هر یک سه درم با قند مقشر سه
مثقال خطمی سفید پنج درم کوفته و بیخته در آن سرشته و بیست
مثقال روغن با دام شیرین اضافه کنند لعوق خشخاش سود مند
بود نزله و ریشهای شش و ضعف معده آن و سرفه کرم مفید
بود صنعتان سه صد عدد خشخاش بزرگ و دانه انبرو
اورده و در پنج رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و بجوشانند
تا بانیمه آید و در دست بمالند و صافی کنند و هر یک آب خشخاش
بمن قند صافی کرده و بمن شلث برسان کنند و بجوشانند تا
بقوام آید و فرو گیرد و صمغ عربی و کثیرا و نشاسته از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته در آن سرشته لعوق رب السوس سود مند
بود ضعف لثه که در سینه جمع شده باشد صنعت آن رب
السوس و کثیرا و مغز بادام تلخ مقشر و رازیانه از هر یک جزوی
کوفته و بیخته در عسل کف گرفته سرشته و قدری روغن
بادام اضافه کنند شربتی یک مثقال تا دو مثقال بطبیخ زوفا
بیاشامند صنعت آن مغز خیارین و مغز بادام مقشر و تخم خطمی

لعوق که سرفه کهنه را نافع است

وتخم خیارین

وتخم خیارین
از هر یک پنج درم کثیرا و نشاسته و بهدانه و رب السوس
از هر یک سه درم سپستان و مویز منقی از هر یک سی دانه اسپ
دو درم اجزا را کوفته بجوشانند و صاف کنند و بمن قند اضافه
کنند و بقوام آورند و اگر بیست درم مغز خیار چنبر و پنج درم
سر بنفشه و بیست عدد عناب و یک عدد خشخاش با پوست
داخل کنند شاید و در وقتی که تمام شده باشد ده درم ارد باقلا
و بیست درم روغن بادام در و سرشته لعوق کتان تخم کتان
بریان کرده یک جزو کنند و نیم جزو عسل و قند ما از هر یک ربع
جزوی بادو برابر عسل صاف سرشته لعوق کرنب کرنب پخته
کنند یکمن و صاف کنند و بمن عسل صاف بر آن کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و مغز جلغوزه و مغز حب القطن و تخم کتان بریان کرده
و حلبه و مغز فستق و آرد باقلا از هر یک نیم وقیه کوفته و بیخته
در آن سرشته شربتی پنج درم با قدری شیر دارد که ... استعمال
نمایند لعوق غاریقون رب السوس و پرسیاوشان از هر یک هفت
درم رازیانه و فراسیون و زوفا و غاریقون از هر یک سه درم
سعد و صمغ البطم از هر یک یک درم منقی بیست درم مویز و صمغ البطم
و سعد در سکنجبین حل کنند و بمن عسل اضافه کنند و اجزا را
کوفته و بیخته سحق کرده در آن سرشته این لعوق اخلاط غلیظ
را پاک کند لعوق بادزهر سینه را از زدیم پاک سازد صنعت آن
رب السوس و بادام تلخ و رازیانه از هر یک سه درم بیخ زرد و عنب

کاو و عسل یکجا زنند و اجزاء کوفته و بیخته در آن سرشته شربتی
سه درم با طبیخ زوفا بیاشامند لعوق حب الرشاد سینه را از
بلغم پاک کند صنعت آن حب الرشاد ده درم حبة السودا چهار
درم انیسون و رازیانه از هر یک دو درم کوفته و بیخته با چهل
درم عسل صافی سرشته شربتی یک مثقال با سکنجبین عنصلی
نافع بود باب التاسع فی الاشربة والربوبات شراب
عناب سرد و تر بود جهت سرفه و غلبه خون و اصحاب
ماشرا و جدری و حصبه و درد سینه بغایت نافع بود صنعت آن
عناب حجازی یک چهار یک در دو من آب بجوشانند تا با
دو دانگ باید و در دست بمالند و صاف کنند و با یکمن قند سپید
بقوام آورند شربتی از ده درم تا ده مثقال نافع بود شراب نیلوفر
سرد و تر بود و سودمند بود جهت سرفه و درد سینه و بر و
شکم براند و جهت معده و خشونت سینه بغایت نافع بود
صنعت آن بستانند یک من گل نیلوفر در دو من آب بجوشانند
و بمالند و صاف کنند و با یکمن قند سفید بقوام آورند شربتی
از ده درم تا ده مثقال نافع بود شراب بنفشه معتدل بود
در گرمی و سردی و تر بود و سودمند جهت ذات الجنب و
ذات الریه و درد کرده و بول براند و شکم نرم دارد و سینه
و حنجره و سرفه که با تب بود عظیم نافع بود صنعت آن بستانند
گل بنفشه تر یک چهار یک و اگر خشک بود یک وقیه و با دو من آب

بیزند

بیزند و صاف نمایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند و اگر خواهند
که مسهل بود پنج توبت محمد بکنند و چنانچه یکمن یک چهار یک بنفشه
٢ در ده من آب بود شراب انجبار اسهال دموی را نافع بود صنعت آن
عروق انجبار سی درم خرنوب و طراثیث از هر یک بیست درم نیم کوفته
کنند و بجوشانند و صاف کنند و با یکمن قند سفید بقوام آورند
نوعی دیگر انجبار دوازده درم خرنوب و طراثیث از هر یک
هشت درم قند سفید یکمن بقوام جوارش آورند و اجزا سحق
٤ اضافه کرده بر تنور نهند تا یکسان شود شراب ذیاقوذا خشخاش
تر پانزده عدد با کفته صد عدد نیم کوفته کنند و بجوشانند و در دست
بمالند و یکمن عسل و قند و دوشاب اضافه کرده بقوام آورند
و اقاقیا و مصطکی و گلنار و خون چکیده از هر یک دو مثقال
زعفران یک مثقال اجزا سحق تمام کنند و اضافه کنند و بجوش رسید
بهم آورند و با یک خشخاش را در آب باران بخیسانند و بجوشانند
شربتی ده درم با آب نیم گرم نافع بود شراب آلو بالو آلو سیاه صد عدد
عناب سی دانه بنفشه و تر بدان از هر یک بیست درم خرمای هندی
یک چهار یک بخیسانند پالوده با یکمن قند و یکمن ترنجبین صاف کرده و
٢ یک درم سقمونیا حل کرده بقوام آورند شراب افسنتین جرم را از
صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم را نافع بود صنعت آن ورق گل
سرخ هفت درم افسنتین رومی سنا از هر یک پنج درم آلوی
سیاه بیست عدد مغز تخم هندی از هر یک بیست درم اجزا را بجوشانند

وصاف کنند و با من قند صاف کرده بقوام آورند شربتی ده درم با
درم صبر اسقوطری نافع بود نوعی دیگر که همان خاصیت دارد صنعت
آن افسنتین رومی پنجاه درم افسنتین و گل سرخ و اسارون و سلیخه از
هر یک ده درم مصطکی و سنبل از هر یک هفت درم اجزا را بغیر از مصطکی
در آب بجوشانند و صاف نمایند و با یک من قند سفید بقوام آورند
و مصطکی در گلاب سحق کرده اضافه کنند شربتی ده مثقال نافع بود
نوعی دیگر افسنتین رومی پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم
اجزا نیم کوفته بجوشانند و صاف نمایند و با یک من قند سفید بقوام
آورند شراب انار نعناع فواق بنشاند و قی و اسهال باز دارد صنعت آن ۲
آب انار یک من نعناع قدری با یک من قند صافی بقوام آورند شراب
امرود معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صنعت آن حب الآس و امرود ۲
قند بیا از هر یک پنجاه درم قرظ و طراثیث از هر یک ده درم آب به و
سیب و آب انار ترش از هر یک یک من اجزا نیم کوفته در آنها بجوشانند
تا بقوام آید شراب بهود که اسهال باز دارد صنعت آن حب الآس یک من ۲
نیم کوفته کنند و بسیار بجوشانند و پالایند و یک من قند سفید سائیده
در آن افشانند اولی باشد و اگر حب الآس تازه باشد قند اضافه
نکنند شراب دینار ذات الجنب و حرارت جگر را نافع بود و طبیعت را ۲
نرم دارد و تشنگی بنشاند و سرفه الفته و استسقا را سود مند بود
و سده بگشاید و مقوی قلب بود و شانه را سود دهد و سپرز ...
صنعت آن تخم کاسنی بیست درم پوست بیخ کاسنی تازه سی درم نیلوفر

دکاوزبان

و گاوزبان از هر یک ده درم ورق گل سرخ بیست مثقال تخم کشوث ریوند
راوند چینی از هر یک پنج درم و اگر بخواهند منقا کنند شاید اجزا بغیر از راوند
نیم کوفته کنند و بجوشانند و صاف کنند و با یک من قند سفید بقوام
آورند و راوند را سحق کرده اضافه نمایند شراب بزوری جهت منیتشی
نفاث سود مند بود و معده و جگر را معتدل بود و بادها را بشکند
و مفاصل را نافع بود صنعت آن پوست بیخ کاسنی سی درم تخم کاسنی
بیست درم رازیانه و تخم کرفس از هر یک ده درم پوست بیخ کرفس ده درم
بجوشانند و پالایند و با یک من و نیم قند صافی کرده بقوام آورند
۲ شراب زوفا جهت ضیق النفس و ربو و سعال بلغمی بغایت نافع
بود و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صنعت آن عناب
سی دانه سپستان پنجاه دانه انجیر سفید سی دانه مویز منقی پنجاه دانه
بنفشه و تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج درم پرسیاوشان
و اصل السوس و زوفا یابس از هر یک هفت درم و در بعضی نسخها
پنج درم فراسیون داخل کنند اجزا بجوشانند و صاف کنند و با یک
۲ من قند سفید بقوام آورند شراب خشخاش سرد و تر بود و سرفه
سینه و دماغ گرم را و بیخوابی و نزله و درشتیهای سینه و شش
و تبهای حاد را بغایت نافع بود و حرارت بنشاند صنعت آن بسیار
خشخاش با پوست بزرگ تریاکی اگر صد عدد نیم کوفته کنند
و در دو من آب باران بجوشانند و در دست بمالند و صاف کنند
و با یک من قند سفید بقوام آورند نوعی دیگر تخم خشخاش را بکوبند

وشیره اش بگیرند و بجوشانند و بپالایند و آنچه برشت کی باید مقدم
بعد از آن که قند بر چاشنی بلند آورده باشند اضافه نمایند و بر تیز
بزنند تا یکسان نشود نوعی دیگر تخم خشخاش شسته بریان کرده
سی درم مغز بادام مقشر کرده بیست درم با یکدیگر بکوبند و یک
من قند سفید بقوام بلند آورده خشخاش و بادام با یک مثقال
زعفران یکجا صحل کرده اضافه نمایند و بر تیز بزنند تا یکسان
شود شراب صندل سود مند بود جهت خفقان دل و جگر گرم و
که از غایت حرارت باشد و تب محرقه را نافع بود صنعت آن
بستانند صندل مقاصری و هسوهان بسایند بیست مثقال
و اگر خواهد که ترش باشد در آب غوره یا سرکه یا هر چه خواهد
در آن بخیسانند و اگر نخواهد که ترش باشد در گلاب بخیسانند
یک شبانه روز و بعد از آن بجوشانند و بپالایند و با یک من قند سفید
بقوام آورد شراب لیمو سرد و خشک بود و اندر حرارتی تند
وی باشد و قوت معده بدهد و صفرا بشکند و هاضمه را یاری دهد
و دفع قی بکند و خمار را سود مند بود و تب های صفراوی را زایل
کند و تشنگی نشاند صنعت آن بگیرند لیمو تر و آب آن بگیرند و
قند صافی بقوام بلند آورند و فرو گیرند و قدری گلاب بدو اندازند
که خواهد آب لیمو اضافه کنند و هم برآورده در ظرف کنند و اگر
خشک خواهند قوامش زیاده کنند و قدری مصطکی سائیده
اضافه نمایند و بر تیز بزنند تا یکسان شود شراب تفاح صفرا

بکیرد

بگیرد و صاف کنند و نصف آب صافی قند سفید داخل کنند و با آتش
آهسته بقوام آورند شراب غوره تشنگی نشاند و تب گرم را نافع
بود و منع قی بکند صنعت آن مثل شراب ریباس است شراب مورد
بگیرد دانه مورد تازه یک من و یک من بعد از آن چهار من آب بجوشانند تا با
دو من آید و در دست بمالند و صاف کنند و یک من قند داخل
کنند و بقوام آورند و اگر دانه مورد تازه نباشد خشک هم جایز است
طبیعتش سرد و خشک است سینه را سود مند بود و قوت معده
بغایت بدهد و شکم ببندد شراب توت سود مند بود جهت درد گلو
و خناق و ورم گرم صنعت آن بستانند توت سیاه و آب وی بگیرند و
صاف کنند و پنج رطل از آن در سه رطل قند صافی کرده بقوام آورند
شراب انار بعد ذات الجنب را سود دارد صنعت آن بستانند انار
عذب و آب وی بگیرند و صاف کنند و هر یکی از آن با یک من قند صافی
قدری گلاب و عرق بید مشک بقوام آورند و بعضی یک من آب
انار و یک من آب سیب و یک من قند داخل یکدیگر کرده بقوام آورده اند
شراب انجیر قوت کرده بدهد و باه بیفزاید و بعوظ تمام آورد
و منی بیفزاید و نشانه را پاک کند از تمام علتها و قوت مجامعت بدهد
صنعت آن بستانند نخود یک من و در پنج من آب بپزند و در دست
بمالند و صاف کنند و بعد از آن بستانند انجیر خوب دو من و در
پنج من آب بپزند تا یک من و نیم بماند و بپالایند و طبیخ نخود بر سر آن کنند
و یک من و نیم عسل صاف داخل وی کنند و دارچینی و قرنفل و جوز و خولنجان

وسنبل الطیب از هر یک یک درم زعفران ریشه نیم درم مجموع نیم کوفته
در کیسه کنند و در میان وی اندازند و بجوشانند تا بقوام آید
و در اثنای جوشانیدن سر کفچه در ان کیسه در پهلوی پاتیل
می مالند تا اشیای اجزا داخل شربت شود بعد از ان از میان
ان بیرون آورند و ان شربت استعمال کنند شربتی پنج مثقال
پیش از غذا و بعد از غذا با آب گرم نافع بود **شراب کاوزبان** ۲
دل را قوت دهد و توحش سوداوی را زایل کند و خفقان را نافع بود
صنعت آن بگیرد کاوزبان تازه و بکوبند و آب وی بگیرند و اندکی
بجوشانند و صاف کنند و هر یک من از ان آب یک من قند صافی و
یک چهار یک گلاب داخل وی کنند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر
کاوزبان تازه نباشد کاوزبان خشک یکوفته در دو من آب بجوشانند
و صاف کنند و با یک من قند و گلاب بقوام آورند و بعضی بالنکو
و کاوزبان با یکدیگر ترتیب داده اند و بهتر است **شراب** ۲
بالنکو دل را قوت دهد و توحش سوداوی را نافع بود و خفقان سرد را
سود دهد **صنعت آن** بقاعده ایست که در شراب کاوزبان مذکور
شد اما درین شربت قدری مصطکی سائیده داخل کرده اند **شراب**
اسطوخودوس اسطوخودوس و پرسیاوشان و عود الصلیب از هر یک
ده درم تخم بالنکو و کاوزبان و دار زیانه و تخم کرفس و تخم خطمی از هر یک پنج
درم سر بنفشه و ورق گل سرخ از هر یک پنج مثقال مغز و سپستان از
هر یک سی دانه این ادویه در شش رطل آب بجوشانند تا با دو رطل آید

وفرو گیرند و در دست بمالند و صاف کنند و با یک من قند سفید بقوام آورند
شربتی ده درم تا ده مثقال نافع بود **نوعی دیگر** اسطوخودوس پانزده
درم سپستان و افتیمون و نیلوفر از هر یک ده درم بالنکو و کاوزبان
و پوست هلیله کابلی از هر یک پنج درم عود الصلیب سه درم تخم
یک چهار یک اجزا جوشانیده صاف کرده با یک من قند بقوام آورند
شراب عود معده را سود مند بود و بوی دهان خوش کند و هاضمه را ۲
نیکو کند **صنعت آن** عود هندی و سک از هر یک ده درم سنبل
الطیب و قرنفل و مصطکی و جوز بویا از هر یک دو درم و نیم نیم کوفته
کنند و در کیسه کنند و در سه چهار یک گلاب بجوشانند و در
میان گلاب می مالند تا با یک چهار یک آید و یک من قند سفید اضافه
ان کنند و بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و یک دانگ و نیم مشک
سائیده در ان حل کنند **شراب هلیله** خداوند اوجاع المفاصل را
و تبهای گرم را سود دهد و طبع را نرم کند **صنعت آن** هلیله زرد
مقشر صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی کنند و آب بر سر اندازند
و سه روز رها کنند و آب آن بگیرند و دیگر باره آب بر بالای وی
کنند و سه روز دیگر بگذارند و آب اول و ثانی داخل یکدیگر کنند
و صد و پنجاه درم ترنجبین در ان حل کنند و صاف کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیای مشوی در ان حل کنند شربتی
ده مثقال نافع بود **شرابی** که فواق بنشاند خاصه انچه بعد از طعام
آید **صنعت آن** زیره کرمانی و انیسون و فودنج و کنند و در دو من آب

بجوشانند تا بکمال آید و صاف کنند و جرعه جرعه می نوشند نوعی دیگر
که فواق که از سردی معده باشد بنشاند صنعت آن راسن و فودنج
و سعد و تخم کرفس و انیسون نیم کوفته کنند مساوی و بجوشانند و
صاف کنند و جرعه جرعه بسیار نمایند نوعی دیگر تخم سداب و انجدان
مساوی نیم کوفته کنند و در شراب کهن بجوشانند و بپالایند و جرعه
جرعه بخورند ماء الاصول بادهای روده را بشکند و طبع فرو
آورد صنعت آن پوست بیخ رازیانه و پوست بیخ کرفس و پوست بیخ کاسنی
و بیخ مهك از هر یک ده مثقال تخم کرفس و رازیانه و انیسون و دوقو و
فطراسالیون و زیره کرمانی از هر یک سه مثقال بیخ اذخر و فقاح اذخر
وحب از هر یک دو مثقال مویز منقی بیست مثقال شراب حلیون ریکنانه کرده
و مثانه پاک کند صنعت آن هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند
و در دست بمالند و صاف کنند و با انگبین قند بقوام آورند شراب
که بیرانی نافع بود معده سرد را سود دهد و اشتها پیدا کند و قوت
باه دهد صنعت آن شراب بهی شش من عسل مصفی سه من زنجبیل
و قاقله صغار و کبار و قرنفل و دارچینی و کبابه و فلفل سیاه و زعفران
از هر یک سه درم اجزا نیم کوفته کنند و در کیسه کنند و در آن ساعت
شراب و عسل اندازند و چهل روز در آفتاب نهند و هر روز کیسه را
در دست می مالند بعد از آن بیرون آورند و نیم مثقال مشک در آن
حل کنند و نگاه دارند شربتی شصت درم نافع باشد شراب کاکنج
درد زهار ببرد و ریگ گرده و مثانه را برطرف کند صنعت آن

کاکنج را

کاکنج سی مثقال در دو من آب بپزند تا با نیم من آید و در دست بمالند و صاف
کنند و انگبین قند در آن حل کنند و بجوشانند تا بقوام آید رب سیب
بستانند سیب اصفهانی و بکوبند و آب آن بگیرند و در دیگ سنگی بآتش
آهسته بجوشانند تا بقوام آید نوعی دیگر بستانند سیب اصفهانی و بکوبند
و بر آب بپزند تا چندانکه آب شود و از غربال فرو دارد و بر یکمن سیب
یک چهار یک قند در آن حل کنند و بجوشانند تا بقوام آید رب به بطریق
رب سیب بگیرند رب غوره بستانند غوره که پاره از آن شیرین شده باشد
و آب آن بگیرند و در دیگ سنگی کنند و اندکی بجوشانند و کفک وی بگیرند
و آب آن بپالایند و بر سر آتش نهند و باعتدال تمام بقوام آورند رب ریباس
مثل رب غوره است رب مورد بستانند دانه مورد تازه و بکوبند و بجوشانند
و در دست بمالند و صاف کنند و بآتش آهسته بقوام آورند رب گل سرخ
مثل رب مورد است رب انار عذب بگیرد دانه انار عذب را و از دانه وی
آب بگیرد چنانچه استخوان وی شکسته نگردد و صاف کند و در دیگ
سنگی بآتش آهسته بقوام آورد رب ترش مثل انار عذب است رب
انار شیرین بگیرد انار ترش را و بپاید و دانه وی بکوبد و صاف کند و در
دیگ سنگی بآتش آهسته بقوام آورد رب فواکه شیرین اما انار شیرین
و سیب شیرین و به شیرین از هر یک جزوی آب امرود و جزوی آب
گل سرخ و آب دانه مورد از هر یک ربع جزوی در یک جا کرده بآتش
آهسته در دیگ سنگی بقوام آورند رب فواکه ترش اما انار ترش
و آب به ترش و آب ریباس و آب غوره از هر یک جزوی آب زرشک

وآب سماق وآب تمر هندی از هر یک نیم جزو وآب کیل سرخ وآب
توت سیاه وآب دانه مورد وآب نعناع وآب نارنج وآب لیمو از
هر یک ربع جزو با یکدیگر باتش آهسته در دیگ سنگی بقوام آورند
واگر این آبها در یک وقت نباشد رب وی جای داشته اند که در
بعضی آبها حل کرده بقوام آورند **حبه مطیب** معده را قوت دهد و
قی و فواق را باز دارد و درد جگر را سود دهد **صنعت آن** آب انار
ترش وشیرین ده رطل شراب کهنه خوشبوی پنج رطل ثقل انار
در شراب خوشبو بشب بگذارند و بعد از آن بجوشانند و صاف
کنند وآب به و دو رطل و نیم عسل یا قند برسر آن کنند و زنجبیل
و مصطکی و قاقله کبار و صغار و دارچینی از هر یک هفت درم
کبابه چینی و قرنفل و زعفران ریشه از هر یک سه درم و نیم نیم
کوفته کنند و در کیسه کنند و در میان آن بیندازند و بجوشانند
وکیسه در آن میان می مالند تا بقوام آید بعد از آن فرو گیرند
وکیسه از آن میان بیرون آورند و بفشرند و نیم مثقال مشک ترکی و
یک مثقال عنبر اشهب در آن حل کنند و استعمال نمایند **حبه مقوی**
طعام را هضم کند و بیرون را و صاحبان معده سرد را سود دارد **صنعت
آن** شراب کهنه پنج من عسل صافی یک من و نیم در یکدیگر بیامیزند و زنجبیل
پنج درم و قاقله کبار و صغار و دارچینی از هر یک هفت درم کبابه
چینی و قرنفل و زعفران ریشه از هر یک سه درم و نیم کوفته کنند
و در کیسه کنند و در میان وی اندازند و بجوشانند و کیسه را

دست بمالند تا بقوام آید بعد از آن فرو گیرند و نیم مثقال مشک سائیده
در آن حل کنند شربتی بیست درم نافع بود **پخته جوش** آب انگور
صافی صد من در پاتیل کنند و بیست من گوشت بره در میان وی
اندازند و انچه خواهند از مرغ و کبوتر بچه و گنجشک و طیهو و کبک
و امثال اینها در میان وی اندازند و سیب و به و ملحی از هر یک ده من
داخل کنند و زنجبیل و قرنفل و قرفه و ساذج و خولنجان و قاقله
کبار و صغار و کبابه چینی و پوست اترنج و پوست بالنک و سلیخه و
سنبل و دو دار سیاه و جوز و بسباسه و صندل سپید استرودار قلند
و اسارون و اشنه و سعد و بهمن سرخ و بهمن سپید و عود از
هر یک بیست مثقال نیم کوفته کنند و در کیسه کنند و در میان وی
اندازند و در میان دیگ می مالند و چندان بجوشانند تا گوشتها
مهرا شود بعد از آن فرو گیرند و در دست بمالند و صاف کنند و
یکشب بگذارند روز دیگر بگذارند و روز دیگر و همچنانکه بر بالا
وی نشسته است از روی وی بگیرند و نگاه دارند که آن محلل ریاح بارده است
و باز در دیگ کنند و بیست من عسل صافی در آن حل کنند و مشک و عنبر
از هر یک پنج درم اضافه کنند و اگر نیک خواهند عسل و عنبر حاجت نباشد
و بعضی لحومات بیفکنند و بعضی گاو زبان و بادرنجبویه و کرفس تازه
از هر یک ده سته در آن می اندازند و بعضی گلاب داخل میکنند و چون تمام
۳ میشود بعد از چهل روز شربتی پنج مثقال استعمال نمایند **سکنجبین ساده**
سده بگشاید و تشنگی بنشاند و معده را از بلغم پاک گرداند و بیشتر تبهار را

موافق بود و جگر را قوة دهد و صفرا بشکند و صحت محروری
مزاج را نگاه دارد لیکن باه را نقصان کند صنعت آن قند سفید
صافی کرده را سرکه سفید بر سر آن ریزند باندازه که کفایت باشد
و قدری گلاب اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین سفرجلی ٢
قوة معده و جگر بدهد و اشتها پیدا کند و سده بگشاید صنعت
آن بگیرند به اصفهانی و گواری خوب خشبوی و از دانه پاک کنند
و بکوبند و آسان بگیرند و هر یکمن آب بر یکمن قند دو ثمن و قیم سرکه
و بکوفته آب لیمو و قدری گلاب داخل کنند و بتدریج در دیگ
سنگی بقوام آورند و اگر چند پاره به در آن اندازند شاید ه
سکنجبین دمامی تبهای محرقه را سود دارد صنعت آن انار ترش
و شیرین از هر یک یکمن ایمن آب زرشک و سرکه از هر یک یک چهاریک
گلاب بکوفته قند صافی یکمن با یک بکر در دیگ سنگی بآتش آهسته
بقوام آورند و اگر آب غوره و ریباس و ترنج بر جای سرکه کنند
شاید سکنجبین بزوری مسهل سده جگر بگشاید و بول براند و
استسقا را نافع بود و تشنگی را بنشاند و تبهای حاده را سود دهد
صنعت آن پوست بیخ کاشنی تازه و پوست بیخ رازیانه تازه
و پوست بیخ کرفس تازه از هر یک ده درم تخم کاسنی بخدرم اجزا
نیم کوفته در دو من آب بجوشانند و صاف کنند و با یک چهاریک
سرکه و یکمن قند بقوام آورند سکنجبین بزوری سرد سده بگشاید ٢
و استسقا و سوء القنیه را زایل کند و بول براند و تشنگی بنشاند

وتبهای

و تبهای تیز را سود دهد بود صنعت آن تخم کاشنی و تخم خربزه و تخم
خیار زه و تخم خیار بادرنگ از هر یک بخدرم پوست بیخ کاسنی و پوست
بیخ رازیانه از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته کنند و در سه رطل آب
و سی مثقال سرکه بخوسانند یک شبانروز بعد از آن بجوشانند
٢ و صاف کنند و با یکمن قند سفید بقوام آورند سکنجبین بزوری
کرم سده جگر و معده بگشاید و بول براند و معده را
از فضول بلغمی پاک کند و استسقا و سوء القنیه را نافع بود و تشنگی
کاذب را بر طرف کند صنعت آن پوست بیخ کبر و پوست بیخ کرفس
و رازیانه و انیسون و تخم کاشنی و تخم کشوث از هر یک بخدرم عصاره
غافث و زراوند حبتی از هر یک دو درم مجموع نیم کوفته در سه
رطل آب و یک چهاریک سرکه بخوسانند یک شبانروز بعد از آن
بجوشانند و صاف نمایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند
بعد از آن عصاره غافث و قدری گلاب حل کرده اضافه نمایند
سکنجبین بزوری بلوری تخم کاشنی و تخم خربزه و تخم خیار زه و تخم
خیار بادرنگ از هر یک ده درم رازیانه سه درم پوست بیخ کاشنی
تر یا بخده درم پوست بیخ کاشنی تر با خلا درم و پوست بیخ
رازیانه تازه ده درم زرشک بی دانه با بخده درم راوند چینی
بنج مثقال اجزا را بغیر از راوند نیم کوفته کنند و بجوشانند و صاف
و راوند سائیده را در یک چهاریک سرکه شیره بکشند و با یکمن نبات
سفید بقوام آورند سکنجبین بزوری مسهل سده جگر بگشاید

وسپس زر انخلیل دُهد و بول براند و تبهای مرکب را نافع بود صفت آن
تخم کاسنی و تخم کرفس و رازیانه از هریک سه درم تخم خیارزه
و تخم خربزه و تخم خیار بالنگ از هریک پنجدرم پوست بیخ رازیانه
و پوست بیخ کاسنی از هریک ده درم مجموع نیم کوفته در یکچهار رطل
سرکه و سه رطل آب بخیسانند یکشبانروز صباح از آن بجوشانند
و صاف کنند و با یکمن قند سفید بقوام آورند سکنجبین افتیمون ٢
نزحش سوداییّ را نافع بود و صرع را سود دهد صفت آن
افتیمون ده درم بسفایج فستقی شش درم گاوزبان بیخ درجاشا
و گل سرخ و کافیطوس از هریک چهار درم برسیاوشان بیخ درم تر
شش درم بادرنجبویه و تخم بادرنجبویه و زرنباد و بیخ بید
و درونج عقربی و بهمن سرخ و بهمن سفید و ساذج هندی و قاقله
و سنبل از هریک سه درم و نیم تخم کشوث و تخم کاسنی و بیخ کاسنی
و بیخ سوسن از هریک پنجدرم مجموع نیم کوفته در یکچهار یک سرکه
خمری و یکمن و نیم آب بخیسانند یکشبانروز بعد از آن بجوشانند
و صاف کنند و با یکمن قند سفید بقوام آرند سکنجبین عنصلی
نافع بود جهت ضیق النفس و استسقا و ربو و سعال بلغمی و
سعال قدیم را نهایت نافع بود صفت آن سرکه عنصلی یک
چهاریک عسل مصفی یکمن با یکدیگر در دیک سنگی با آتش
آهسته بقوام آورند باب العاشر در اقراص
قرص اندروخورون این نسخه از اسحاق بن حسین شیرازیست

واختیار

واختیار نسخه است و این قرص در تریاق فاروق مستعملست
صفت آن دارشیشعان و اسارون از هریک شش مثقال
فقاح اذخر دوازده مثقال عود بلسان و قصب الذریره از
هریک شش مثقال دارچینی و حماما از هریک بیست و چهار مثقال
فو و سلیخه و مصطکی از هریک شش مثقال آقحوان سفید بیست
مثقال زعفران دوازده مثقال اجزای کوفته و بیخته در شراب
ریحانی یا در ماء العسل سرشته دست را بروغن بلسان چرب
کرده قرص سازند و در سایه در پشت غربال خشک کنند و قوت
وی تا دو سال باقیست قرص اندروخورون که در تریاق عنصل میرود صفت آن
بانونج سفید و سرخ و سماق و مرو و انیسون و قصب الذریره
و عیدان بلسان از هریک مساوی کوفته و بیخته در شراب ترشند
و سه روز هر روز یکبار تازه سرشته قرص سازند و در سایه
خشک کنند و در ظرف زجاجی نگاه دارند و قوت وی تا دو سال
باقیست قرص افعی که در تریاق فاروق مستعملست آن قرص
بعد از دو ماه استعمال نمایند و قوت وی تا دو سال باقیست صفت آن
بگیرند افعی جوان ماده اشقر و نشان نر و مادگی آنست که نر را دو
قضیب باشد و ماده را چهار قضیب و هر دو قضیب در یک غلاف
باشد و نشان افعی آنست که سر وی پهن بود و چشم وی
سرخ و گشتن بود و شکم وی صلب باشد و نشان جوانی وی
آن بود که سریع الحرکه باشد و در رفتن سر خود را از زمین بلند

چهار انگشت برداشته ترد کنند و باید که در موسم بهار چون
آفتاب بحمل آید وی را بگیرند و تابستان نشاید و آفتاب در جوزا
نشاید و اگر در کوهستان باشد بهتر بود و چون وی را بگیرند
باید که همان روز یا روز دیگر وی را بکشند و اگر رها کنند قصد
سموم وی زیاده شود و کشتن وی چنانست که سر و دنبال
وی بر هم نهند و سلخ بشنهرد و بعد آن جدا کنند چنانچه چهار انگشت
از عقب سر و چهار انگشت بعد از گره دنبال جدا شود و باید
که تیشهٔ تیزی آهسته بر موضع قطع وی نهند و تکی محکم بر
بالای تیشه سلخ ضرب فرود آرند چنانچه قطعا پوست بر وی
نماند و سلخ ضرب جدا شود بعد از آن پوست از وی بکشند
و اشکم وی بشکافند و چند نوبت بشویند با آب شیرین
و اگر یک نوبت با خاکستر بشویند بهتر باشد بعد از آن که پاک
شسته باشند در دیگ سفالی یا مسی قلعی داده کنند و آب
بر آن ریزند با نمک اندکی که کفایت باشد و چند شاخ چوب
شبت در آن اندازند و قدری نمک و کمی نخود اضافه کنند و
بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن فرو گیرند و از دیگ بیرون
آورند و استخوان از وی جدا کنند و گوشت وی را بکوبند کوفتنی
نهایت و بوزن آن نان خشک کوفته اضافه کنند و دیگر بکوبند
و اگر خشک بود قدری از آن آب که در وی جوشیده است اضافه
کنند و قرص سازند قرصهای تنک و باید که در اثنای قرص ساختن

دست را

دست را به روغن بلسان چرب کنند و بر پشت غربال در سایه خشک کنند
و چون اثر نم در وی نماند در ظرف آبگینه نگاه دارند قرص مقل
که در تریاق فاروق مستعمل است صفت آن بستانند پیاز عنصل
کو طین و سر و بن وی را بکارد چون با خمیر بر دو درجه گرم دو ده
میان خاکستر آتش ناک نهند بعد از آن مغز آن که نهایت نرم شده باشد
در هاون نهایند و بوزن آن کرسنه منخل کرده داخل وی کنند
و قدری شراب در وی ریزند و در هم سرشته و دست را به روغن
گل چرب کنند و قرص بسازند و در سایه خشک کنند و بعد از
دو ماه استعمال کنند و قوت وی تا دو سال باقیست قرص فرفیون
که در مثرودیطوس مستعملست و آنرا قرص موتر خوانند صفت آن
موترطایقی دانه چهار درم علک البطم بیست و دو درم صاف و اذخر
از هر یک دوازده درم دارچینی و مقل ازرق و اظفار الطیب و سلیخه
و سنبل رومی و اکلیل الملک و سعد و حصا لبان از هر یک سه درم
قصب الذریره نه درم زعفران یک درم قفر الیهود دو درم و نیم آنچه
کوفتنی باشد بکوبند و آنچه مفتوح کردنی باشد در مثلث مفتوح کنند
و با سه وزن آن عسل کف گرفته بسرشند و بعضی اطبا در مثلث بسرشند
و قرص میسازند و در سایه خشک میکنند قرص مخلصه که در
تریاق مخلصه مستعملست و وی را قرص اندروماخس میگویند صفت آن
حماما و دار شیشعان و قصب الذریره و قسط مر و قرنفل و فلفل سفید
و نانخواه از هر یک یک درم دارچینی و مصطکی و زعفران و مر صاف

از هر یک یک مثقال فو و سنبل الطیب و ساذج هندی از هر یک دو درم
و نیم اجزا کوفته و بیخته در ماء العنب سرشته قرص سازند و در
سایه خشک کنند قرص طباشیر ملین سودمند بود جهت تبهای حاده و صفراوی
و دموی و تشنگی ساکن گرداند و سرفه و خشونت سینه را نیز نافع
بود صنعت آن طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم
خیار زه و مغز تخم خیار بالنگ و مغز دانه کدو از هر یک دو مثقال نشاسته
و صمغ عربی و کثیرا و خشخاش سفید از هر یک یک درم کوفته و بیخته به
لعاب اسبغول سرشته و قرص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر قابض
سودمند بود جهت تبهای تیز و خون رفتن از شکم صنعت آن ورق
گل سرخ شش درم صمغ عربی و نشاسته و کثیرا از هر یک چهار درم
تخم حماض و طباشیر سفید از هر یک سه درم اجزای کوفته و بیخته به
لعاب اسبغول سرشته و قرص سازند شربتی یک مثقال قرص طباشیر
ممسک سودمند بود جهت اسهال صفراوی و دموی صنعت آن صمغ عربی و
تخم حماض و نشاسته از هر یک ده درم و ورق گل سرخ [illegible] درم سماق
و زرشک بی دانه بریان کرده و طباشیر از هر یک هفت درم گل ارمنی
ده درم اجزای کوفته و بیخته بگلاب سرشته قرص سازند و قوة
وی تا شش ماه باقیست قرص کهربا خون رفتن از شکم باز دارد
صنعت آن کهربا و بسد و مروارید ناسفته و تخم خرفه از هر یک درم
شاخ گوزن کوهی سوخته پوست تخم مرغ سوخته و کثیرا و صمغ عربی از
هر یک سه درم کشنیز بریان کرده و خشخاش سیاه و سفید از هر یک

درم ودع

درم ودع سوخته و بزر البنج از هر یک دو درم اجزا کوفته و بیخته بلعاب
اسبغول سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال و قوة وی تا شش ماه باقیست
قرص طباشیر کافوری سودمند بود جهت تبهای محرق و دق و تشنگی
ساکن کند و سعال را منفعت بود صنعت آن طباشیر سفید و ورق
گل سرخ و صندل سفید مقاصری مغز تخم خیار زه و مغز تخم خیار بالنگ
و تخم کاشنی و تخم کاهو و تخم تودری از هر یک چهار مثقال کافور یک درم
اجزای کوفته و بیخته بلعاب اسبغول سرشته قرص سازند و قوة وی تا
شش سال باقیست قرص گلنار خون رفتن از شکم باز دارد
صنعت آن سلیخه رومی و گل ارمنی و صمغ عربی از هر یک چهار درم
کثیرا دو درم اجزای کوفته و بیخته باب گلنار تازه سرشته قرص سازند
شربتی یک مثقال و قوة وی تا شش ماه باقیست قرص انجبار جهت
نفث الدم سودمند بود صنعت آن عرق انجبار چهار درم گل سرخ
و صمغ عربی و کثیرا از هر یک سه درم نشاسته و گل ارمنی و بسد
و طباشیر و رب السوس و گلنار از هر یک دو درم اقاقیا یک درم کوفته
و بیخته و بآب مورد سرشته و قرص سازند شربتی یک مثقال
و قوة وی تا شش ماه باقیست قرص کبر پوست بیخ کبر چهار
درم تخم پنج انگشت و اسارون و زراوند طویل و بیخ بنفشه و سنبل
الطیب از هر یک دو درم فلفل یک مثقال اجزای کوفته و بیخته بگلاب
سرشته قرص سازند قرص خشخاش رب السوس و زرشک منقی و
خشخاش سفید از هر یک یک مثقال مغز تخم خربزه دو مثقال راوند چینی و

و ورق گل سرخ و صمغ عربی از هر یک نیم مثقال اجزای کوفته و بیخته بگلاب
سرشته قرص سازند **قرص مثلث** پوست خشخاش پنج مثقال
بزر البنج سه مثقال پوست درندی و بیخ لفاح و صمغ عربی از هر یک
دو مثقال زعفران نیم مثقال افیون یک مثقال افیون و صمغ عربی
و زعفران در گلاب حل کرده باقی اجزا کوفته و بیخته سرشته قرص
سازند **قرص کافور** خداوند تب گرم و یرقان اسود دارد **صنعت
آن** زرشک بی دانه و طباشیر سفید و ورق گل سرخ از هر یک هفت
درم تخم کاهو و تخم خرفه و تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز تخم خربزه
و مغز دانه کدو از هر یک پنج درم صندل سفید و رب السوس از هر یک
دو درم کثیرا سه درم کافور یک درم اجزای کوفته و بیخته بلعاب
شکر سرشته قرص سازند **نوعی دیگر** که تب محرقه و سوداوی را سود
دارد و دق را زایل کند **صنعت آن** طباشیر و تخم کاسنی از هر یک
پنج درم مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو از هر یک هفت درم رب
السوس و صندل سفید از هر یک سه درم ترنجبین پاک کرده ده درم
کافور نیم مثقال اجزای کوفته و بیخته بلعاب به دانه سرشته قرص
سازند **قرص افسنتین** درد معده که از کثرت طعام پیدا شده
باشد و محتاج باستفراغ بود نافع است **صنعت آن** افسنتین ده
و تخم کرفس و انیسون از هر یک پنج درم سلیخه بیست درم مصطکی
و فلفل و صندل سپید استر و افیون از هر یک دو درم اجزای کوفته و بیخته
در آب رازیانه سرشته قرص سازند **قرص زرشک کبیر** سود مند بود

تبهای

تبهای بلغمی و تبهای کهن و ورم جگر و معده **صنعت آن** عصاره زرشک
و مغز تخم خربزه و مغز تخم خیار زه و ورق گل سرخ و ترنجبین از هر یک
سه درم تخم کشوث و رب السوس و طباشیر و تخم کاسنی و مصطکی و
سنبل الطیب و عصاره غافت و لک منقی و راوند چینی و فوه از هر یک
دو درم زعفران یک درم عصارات و ترنجبین و زعفران در آب حل کرده
باقی اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال و قوت
وی تا شش ماه می ماند **قرص زرشک صغیر** زرشک بی دانه پانزده درم
تخم کاسنی و تخم کدو و مغز تخم خیار بالنگ از هر یک سه درم ورق گل
سرخ پنج درم راوند چینی و سنبل الطیب از هر یک یک درم اجزای کوفته
و بیخته بلعاب شکر سرشته قرص سازند **قرص بنفشه** بلغم و صفرا
دفع کند و دماغ پاک کرداند از اخلاط و تا دیگر چشم زایل کند و درد
سر صفراوی را نفیات معتد بود **صنعت آن** بنفشه خشک چهل درم
تربد سفید مجوف خراشیده بیست درم رب السوس و پوست هلیله
زرد از هر یک ده درم سقمونیا بریان کرده چهار درم اجزای کوفته
و بیخته شربتی دو مثقال و پنج دانگ با ده درم شکر سرخ و بانکردن
قرص سازند و در شب غربال نگاه دارد و سحرگاه در جلاب شکر سرخ
حل کرده باز خورد و قوت وی تا چهار ماه باقیست **قرص راوند** جهت
تبهای کهن و صلابت جگر و سپرز و ورمهای آن و درد آن نهایت
سود مند بود **صنعت آن** راوند چینی شش درم فوه و لک مغسول و تخم
کرفس و انیسون و عصاره غافت از هر یک دو درم اجزای کوفته و بیخته

باب خالص سرشته قرص سازند **قرص کاکنج** مغز تخم خیار بادرنگ و حب الکاکنج
و مغز بادام سفید کرده و رب السوس و نشاسته و صمغ عربی و کثیرا و
دم الاخوین و کندر از هر یک ده درم تخم کرفس دو درم افیون مصری
یک درم اجزای کوفته و بیخته با آب خالص سرشته قرص سازند و بعد
از شش ماه شربتی یک درم تا یک مثقال استعمال نمایند و قوة وی تا دو
سال باقیست **قرص سرطان** جهت مسلول بغایت سودمند بود **صنعت آن**
طین ارمنی و طین مختوم و طین رومی و نشاسته و ورق گل سرخ از هر
یک شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا و طباشیر سفید و سادج
مقشر از هر یک پنج درم رب السوس سه درم اجزای کوفته و بیخته
در آب لسان الحمل سرشته قرص سازند شربتی دو درم با شراب انار و غذا
نافع بود جهت سل و دق و نفث دم **قرص گل کبیر** ورق گل سرخ و سنبل
الطیب از هر یک ده درم رب السوس و طباشیر و عصاره غافت از
هر یک پنج درم اجزای کوفته و بیخته با آب خالص سرشته قرص سازند
شربتی یک درم و قوة وی تا شش ماه باقی باشد **قرص غافت** سودمند بود
جهت تبهای کهن و تب ربع و سده بگشاید و یرقان و درد جگر و سپرز
زایل کند **صنعت آن** عصاره غافت بیست درم سنبل الطیب ده درم
طباشیر سفید چهار درم اجزای کوفته و بیخته با آب خالص سرشته قرص
سازند **قرص خشخاش** نافع بود جهت ریشهای سینه و سرفه و درد سینه
صنعت آن ورق گل سرخ و صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته و کثیرا
و رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید و سیاه از هر یک سه درم

زعفران

زعفران نیم درم طباشیر سفید پنج درم اجزای کوفته و بیخته در آب حصرم
سرشته قرص سازند **قرص ورد** خداوند درد معده را سود دهد
و رطوبتها بردارد و ضعف را و تب بلغمی را و تب کهن را سود دارد **صنعت آن**
ورق گل سرخ بیست درم سنبل الطیب و ابرسا از هر یک ده درم
کوفته و بیخته بعسل سرشته **نوعی دیگر** که خداوند تب آمیخته را سود
دارد **صنعت آن** ورق گل سرخ شش درم سنبل الطیب سه درم
بیخ سوسن چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته **نوعی دیگر** که درد
معده و آماس جگر را سود دارد **صنعت آن** ورق گل سرخ شش درم سنبل الطیب
سه درم رب السوس چهار درم اکلیل الملک و بابونه و اذخر از هر یک
سه درم مصطکی و کاه ربا از هر یک دو درم اجزا کوفته و بیخته جهت
درد معده با طبیخ افسنتین قرص سازند و از جهت آماس گرم با آب
عنب الثعلب و از جهت آماس کهن با شراب سرشته و بکار دهند
قرص مقل آماس معده که کهن شده باشد سود دارد انشاء الله **صنعت آن**
ورق گل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران و [illegible] از هر یک
درم و نیم مصطکی دو درم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند
اجزای کوفته و بیخته در آن سرشته **قرص کافور** کافور و زعفران
از هر یک یک درم کثیرا و صمغ عربی از هر یک دو درم صندل سفید و
اصل السوس و نشاسته و ترنجبین و نبات از هر یک سه درم طباشیر
سفید و مغز دانه کدو و مغز خیارین و تخم خرفه از هر یک چهار درم تخم
خماری یک درم ورق گل سرخ هفت درم اجزا کوفته و بیخته در گلاب

قرص تربد خداوند تب را که سودا دارد صفت آن پوست هلیلهٔ
کابلی و پوست بلیله و آمله مقشر از هر یک جزوی تربد سفید دو جزو
اجزا کوفته و بیخته با سر چندان که باشد بقوام آورده، سرشته
قرص سازند قرص کبیر خداوند سپرز را نافع بود صفت آن
پوست بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم تخم
پنج انگشت و فلفل از هر یک پنج درم اشق را در خل انگور حل کرده
اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته قرص سازند قرصی که خداوند
بلغمی را و خداوند حکم ضعیف را نافع بود صفت آن افتیمون
و افسنتین و مغز بادام تلخ و سنبل الطیب و صبر زرد از هر یک
چهار درم ساذج هندی و اسارون و عصارهٔ غافت از هر یک
سه درم مصطکی و تخم کرفس از هر یک یک درم شربتی یک درم با یک
مثقال تخم شبت و طبیخ افسنتین استعمال نمایند قرص ابرسا سپرز را
بگدازد و بر طرف کند صفت آن ابرسا چهار درم فلفل سفید و
اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کنند و اجزا کوفته و بیخته
در آن سرشته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین استعمال
نمایند قرص پنج انگشت سپرز را بگدازد صفت آن تخم کاشنی و
تخم تره تیزک و تخم پنج انگشت و تخم کدو مساوی کوفته و بیخته در
سکنجبین سرشته قرص سازند قرص فوه سپرز را بگدازد
صفت آن فوه دوازده درم پوست بیخ کبر و زراوند و ابرسا
از هر یک دو درم کوفته و بیخته در سکنجبین سرشته قرص سازند

سرشته قرص سازند نوعی دیگر که خداوند تب گرم و یرقان را سود
دهد صفت آن زرشک بی دانه و طباشیر سفید و ورق گل
سرخ از هر یک هفت درم تخم کاهو و تخم تره تیزک و تخم کاشنی از
هر یک سه درم مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو از هر یک پنج درم صندل
سفید و رب السوس از هر یک دو درم کثیرا سه درم کافور نیم
مثقال اجزا کوفته و بیخته به لعاب بنگو سرشته قرص سازند شربتی
یک مثقال با سکنجبین نافع بود نوعی دیگر که اندر تب محرق و تب صفراوی
و تب دق نافع بود صفت آن طباشیر سفید پنج درم تخم کاهو و تخم
کاشنی و تخم تره تیزک از هر یک پنج درم مغز تخم خربزه و مغز دانه کدو
از هر یک هفت درم رب السوس و صندل سفید از هر یک سه درم
ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال اجزا کوفته و بیخته بلعاب بهدانه
سرشته قرص سازند قرص شبرم خداوند استسقا را نافع بود
و قی باز دارد صفت آن شبرم و هلیله زرد مساوی کوفته
شربتی دانگی آغاز کنند و بتدریج می افزایند تا یک درم رسد
و در هفته یک نوبت با سکنجبین یا مطبوخ بکار دارند قرص لک
استسقا لحمی را سود دارد صفت آن لک مغسول و راوند چینی
از هر یک سه درم اسارون و زراوند طویل و جنطیانا و سنبل الطیب
و مصطکی و تخم کرفس و انیسون و نانخواه و اذخر و ابهل و قسط
و مغز بادام تلخ و افسنتین و عصاره غافت از هر یک دو درم فلفل
و زنجبیل از هر یک یک درم اجزا کوفته و بیخته با ابصافی سرشته

قرص سازند

با انیسون و طبیخ کبر استعمال نمایند قرص خردل درد سپرز
که از باد خیزد نافع بود صفت آن حب الرشاد ده درم در سرکه
خیسانند بکشانند و زوفا و نانخواه پنج درم سداب در آن نشسته
و در تنوری که نم گرم بود سخت کنند تا بریان شود بعد از آن
بکوبند و با آب خالص قرص سازند و هر بامداد دو درم با
سکنجبین استعمال نمایند قرص عود هیضه و قی باز دارد صفت آن
عود خام و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک یکدرم طباشیر و کندر
و ورق گل سرخ از هر یکی سه درم کبابه چینی و سک بغدادی از
هر یک سه درم کوفته و بیخته در آب خالص سرشته قرص سازند
شربتی سه درم با ماء العسل یا ماء اللحم یا شراب سیب استعمال نمایند
نوعی دیگر عود خام چهار درم مصطکی و قرنفل و کبابه و سنبل
از هر یک یکدرم قند سفید هشت درم اجزا کوفته و بیخته با آب
خالص سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال قرص کندر که قی و
هیضه باز دارد صفت آن کندر سه درم گل قرنفل پنج درم کبابه و
قاقله و سک بغدادی از هر یک دو درم کافور مسک خالص هر یک
دانگ و نیم قرنفل یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص سرشته قرص
سازند شربتی یک مثقال با انار منعنع استعمال نمایند نوعی دیگر
طباشیر سفید سه درم مصطکی و قرنفل از هر یک یکدرم سک
دو درم کافور یک دانگ و نیم کوفته و بیخته قرص سازند نوعی دیگر
که برانداختن خون سرفه و قی باز دارد صفت آن کندر دو درم

دم الاخوین و کلنار و خشخاش و صمغ عربی از هر یک سه درم نشاسته
و افیون و دارچینی از هر یک دو درم ساذج هندی پنج درم
کاه ربا پنج درم طین مختوم ده درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
دو درم با عصاره بادروج یا با عصاره برگ خرفه استعمال نمایند
قرص ازمان که قی و هیضه باز دارد و خواب آورد صفت آن
قرنفل ده درم سک و قرفه از هر یک دو درم راسن و مصطکی و
افیون و پوست بیخ لفاح از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص
سازند و این جمله ده شربت است قرص الآس قی و اسهال باز
دارد صفت آن حب الآس و سماق و کنار و گل ارمنی و بلوط و
نشاسته بریان کرده از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست هلیله و
مازو از هر یک چهار درم کوفته و بیخته قرص سازند قرص دیگر
که برانداختن خون سرفه و قی باز دارد صفت آن بسد مغسول
ده درم کندر و اقاقیا و کلنار از هر یکی چهار درم صمغ عربی پنج
درم کثیرا و گل مختوم از هر یک سه درم دارچینی یکدرم و اگر بر
عوض دارچینی راوند کنند شاید کوفته و بیخته قرص سازند نوعی دیگر
که همان خاصیت دارد صفت آن سرمه اصفهانی و شادنج مغسول
و دم الاخوین از هر یکی سه درم کلنار و مازو از هر یک دو درم
شاخ بز کوهی نیم سوخته و اقاقیا از هر یک دو درم لادن و زعفران
از هر یک نیم درم پر سیاوشان یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی دو درم با آب لسان الحمل نافع بود قرص الطین که بول با

خرق آمیخته بان دارد و قرحه مثانه را سود دهد بود **صفت آن**
گل مختوم و طباشیر و کثیرا و صمغ عربی و صمغ فارسی و تخم توراله
و تخم خیارین مساوی کوفته و بیخته با سپغول سرشته و اگر حرارت
زیاده باشد بلعاب بنگو قرص سازند **قرص بزرک** که خدا ونتحرب را
سود دارد **صفت آن** مغز تخم خیارین چهار درم مغز دانه کدو و تخم
خطمی و مغز بادام و کثیرا و نشاسته و رب السوس و خشخاش و گل
ارمنی و تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بهیدانه سرشته
قرص سازند و با شربت بنفشه استعمال نمایند **نوعی دیگر** که گرده
و مثانه را پاک کرداند و بول باز کرفته بکشاید **صفت آن** اسارون
و فطراسالیون از هر یک یکدرم مصافیر و قردمانا از هر یک شش
درم دو قو هفت درم تخم کرفس و انیسون و حب بلسان از هر یک
چهار درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با آب ترب
و ابکرفس نافع بود **نوعی دیگر** که قولنج بکشاید و تب محرقی را تسکین
دهد **صفت آن** سر بنفشه دو درم تربد سفید خراشیده پنج درم
رب السوس چهار درم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم کثیرا
یکدرم کوفته و بیخته با ابصافی سرشته قرص سازند **نوعی دیگر**
که خداوند تب و سرفه را سود دهد **صفت آن** سر بنفشه ده درم
مغز بادام و تخم خربزه از هر یک پنج درم کثیرا و رب السوس از هر یک
چهار درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با شراب بنفشه
نافع بود **قرص سپید** که اماس صلب را که اندر جگر و معده بود سرد

صفت آن

صفت آن
مقاح اذخر و سلیخه و داو نرحیقی و سنبل الطیب و قصب الذریره از هر یک
سه درم زعفران و مر و قسط و فلفل از هر یک یکدرم مقل و مصطکی
از هر یک دو درم اشق نیم درم در شراب حل کنند و اجزاء کوفته و بیخته
در ان سرشته و قرص سازند شربتی دو درم از جهت اماس معده
و از جهت آماس جگر با سکنجبین نافع بود **نوعی دیگر** که اندر قروح امعا
بدان حقنه کنند و روده را پاک کند **صفت آن** زرنیخ سرخ و زرنیخ
زرد از هر یک چهار یکی آهک آب ندیده ثمن قرطاس سوخته ثمن
اقاقیا دانه کوفته و بیخته با اب بلسان قرص سازند **قرص مازریون**
تخم کاشنی ده درم و ورق مازریون ده درم و ثلث درم غاریقون یکدرم
و ثلث درم تخم خیار یکدرم و نیم عصاره غافت درم ثلث درم اجزا
کوفته و بیخته قرص سازند **نوعی دیگر** آهک و مازو و اقاقیا و زرنیخ
مساوی خرد و زرد سرکه خوسانند و خشک کنند و دیگر بسایند
و قرص سازند **نوعی دیگر** زرنیخ زرد و نانخواه و قرطاس سوخته
از هر یک پانزده درم زرنیخ سرخ بیست و پنج درم عصاره لحیة التیس
و مرداسنگ از هر یک سه درم ربع عفص و اسفیداج از هر یک
پنجدرم آهک ده درم کوفته و بیخته قرص سازند نافع بود

باب الحادی عشر فی الحبوب ایارج فیقرا

سود مند بود مرضهای سرد را و معده را پاک کند از هر خلطها
صفت آن ایارج فیقرا یکمثقال تربد سفید مجوف خراشیده برو غن
بادام چرب کرده یکدرم حب النیل و انیسون و غاریقون سفید از هر یک

نیم درم ثلث هندی دانگی و نیم شحم حنظل دانگی کوفته و بیخته با آب وازیا تر
تازه سرشته حب سازند و هر یک عدد از نخودی و این یک
شربت است و اگر خواهند در عسل کردانیده فرو برد و اگر خواهند در
مشمش یا شکر سرخ پیچیده فرو برد و تمام حبوبات مسهله را قوت
تا دو ماه می ماند بعد از آن ضعیف می شود و اولی آن بود که در
روز ساخته باشند و در پیشتر بالا در سایه نکاه دارند و سحرگاه
استعمال نمایند حب الافاویه زنجبیل و قرنفل و دارچینی و فلفل و دار
فلفل و مصطکی از هر یک یکمثقال سقمونیای مشوی دو مثقال نبات
یکمثقال کوفته و بیخته در شکر سرخ سرشته حب عدد از نخودی
ساخته استعمال نمایند نوعی دیگر زنجبیل و مصطکی از هر یک
یکمثقال تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام چرب کرده ده
مثقال نبات سفید چهار مثقال کوفته و بیخته حب سازند و بعضی
اطبا اجزای وی بمی سرشتند و سقمونیای استعمال نکنند حب صبر
صبر اسقوطری یکمثقال تربد سفید و حب النیل و غاریقون
و انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل و ثلث هندی از هر یک دانگی
و نیم مقل ازرق و کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس
تازه سرشته حب سازند و این یک شربت است حب سورنجان
سودمند بود درد مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع بود
صنعت آن صبر اسقوطری و تربد سفید و سورنجان و مصطکی از
هر یک یکمثقال ماهی زهره چ یک درم حب النیل و غاریقون از هر یک

نیم درم

نیم درم کثیرا و شحم حنظل از هر یک یک دانگ ثلث هندی دانگی و نیم کوفته و
بیخته با آب کرفس تر سرشته حب سازند و این یک شربت است حب بنفشه
جهت درد چشم و سر و شقیقه سودمند بود و دماغ را پاک کند و جهت
درد گوش بغایت نافع بود صنعت آن بنفشه خشک دو درم تربد
سفید یک درم رب السوس و پوست هلیله زرد و انیسون از هر یک
نیم درم سقمونیا نیم دانگ با آب خالص حب سازند و این یک شربت
حب شبیار سودمند بود درد معده و سر صنعت آن صبر اسقوطری
سه درم پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ و تربد سفید مجوف
خراشیده و مصطکی از هر یک یک درم کوفته و بیخته حب سازند
و در سایه خشک کنند و شربتی از وی یکمثقال تا سه درم در وقت
خواب فرو برد و بخوابد نوعی دیگر تربد سفید مجوف خراشیده یک
مثقال صبر اسقوطری دو مثقال پوست هلیله زرد و مصطکی و
زنجبیل از هر یک نیم مثقال اجزای کوفته و بیخته بعرق رازیانه سرشته
حب سازند حب مقل هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله
مقشر و بلیله از هر یک یک درم مقل ازرق چهار درم در آب کراث
بخیسانند تا حل شود اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته و حب سازند
شربتی دو درم حب غاریقون سدها را بکشاید و استسقا و بیماری
جگر را سود دارد صنعت آن غاریقون و مرصاف و تربد سفید
و ایارج فیقرا از هر یک نیم درم ابرسا و فراسیون و انیسون از هر یک
سه درم شحم حنظل و انزروت از هر یک دو درم سقمونیا مشوی

یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و قوة وی تا شش ماه
می ماند حب انفع جهت سرعت انزال مجربست صنعت آن فلفل
مشوی شش مثقال قرنفل و هیل و مصطکی از هریک یکمثقال دارچینی
و زعفران از هریک دو مثقال افیون سه مثقال جوز بوا و بسباسه
از هریک یکمثقال خصیة الثعلب و مغز پسته و نبات سفید از هریک
هشت مثقال مشک خالص نیم درم اجزا کوفته و بیخته افیون و نبات
در گلاب حل کرده ادویه را بان سرشته حب سازند و در سایه خشک
کنند شربتی یکدرم حب المسک بوی دهان خوش کند و قوة دل بدهد
صنعت آن سنبل الطیب و زرنبشک و قرنفل و نارمشک و کبابه و قاقله
و بسباسه و فوفل و خولنجان و سعد کوفی و پوست ترنج و زرنباد
و ساذج هندی از هریک یکدرم قاقله و جوز الطیب و مشک ترکی از
هریک نیم درم کوفته و بیخته با آب به و گلاب و صمغ عربی سرشته حب
سازند و در سایه خشک کنند حبی که جهت سرعت انزال بی
نظیر است صنعت آن تخم جزر و تخم ترب و دارچینی از هریک سه مثقال
قرنفل و فلفل مشوی و صمغ عربی از هریک یکمثقال مایه شتر و بسباسه
از هریک دو مثقال نبات سفید شش مثقال کوفته و بیخته در گلاب
سرشته حب سازند و در وقت مجامعت در دهان گیرند حب
السعال که سرفه بلغمی را نافع بود صنعت آن رب السوس و کشنیز
از هریک سه درم نشاسته و کتیرا و صمغ عربی و مغز دانه کدو از هریک
یکدرم نبات سفید نیم وزن ادویه کوفته و بیخته در لعاب بهدانه

سرشته

سرشته حب سازند نوعی دیگر صمغ عربی ده درم کتیرا و افیون و
تخم خیار و رب السوس و زعفران از هریک یکدانگ مغز خشخاش پنج مثقال
کوفته و بیخته در آب خالص سرشته حب سازند نوعی دیگر که آن جهت
سرفه حار مفید است نوعی دیگر مغز بادام مقشر و مغز تخم خیار و
نشاسته و صمغ عربی و خشخاش سفید از هریک یکدرم رب السوس
دو درم باقلا مقشر سه درم کوفته و بیخته بلعاب اسبغول سرشته حب
سازند نوعی دیگر که از جهت سرفه بارد مفید است صنعت آن پوست
بیخ رازیانه و تخم کرفس و رب السوس و پرسیاوشان و مغز بادام تلخ
مساوی کوفته و بیخته با آب خالص سرشته حب سازند نوعی دیگر
که از جهت سرفه یابس مفید است صنعت آن نشاسته و صمغ عربی
و رب السوس مساوی کوفته و بیخته حب سازند نوعی دیگر که آن
جهت سرفه رطب مفید است صنعت آن فلفل و نبات سفید مساوی
کوفته و بیخته حب سازند حب قوقیا این حب جالینوس است نافع
بود سر و چشم را و فضلهای غلیظ که از بدن فرود آرد صنعت آن صبر
اسقوطری و عصاره افسنتین و مصطکی از هریک یکمثقال شحم حنظل و
سقمونیا از هریک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس تازه سرشته حب سازند
حب غاریقون سده بگشاید و خداوند استسقا و بیماریهای جگر را خوش
دارد صنعت آن افتیمون و صبر اسقوطری از هریک شش درم غاریقون
چهار درم افسنتین و فطراسالیون و تخم کرفس و دوقو از هریک
دو درم کوفته و بیخته با ابصافی سرشته حب سازند حب مقل

تا فع بود فالج ولقوه وقولنج ونقرس که از سردی بود وبادها را بشکند
وحیض براند ودرد پشت را ببرد حب اسطوخودوس سکبینج واشق صفت آن
وجاوشیر ومقل وحرمل وشحم حنظل وصبر اسقوطری وتربد
سفید وپوست هلیله زرد وانزروت مساوی صمغ در آب
حل کنند وباقی ادویه کوفته وبیخته در آن سرشته حب سازند
حب اسطوخودوس بدن را از سودا وبلغم پاک کند واخلاط فاسد را
ببرد صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم افتیمون وغاریقون
از هر یک سه درم اسارون وانیسون وتخم کرفس از هر یک دو درم
تربد سفید پنج درم ایارج فیقرا نه درم قرنفل یکدرم فانید چهار درم
فانید در آب بگدازند ودو درم سقمونیا در آن حل کنند واجزا کوفته
وبیخته در آن سرشته وحب سازند حب الذهب خداوند
درد سر ودرد چشم را سود دارد صفت آن صبر اسقوطری
بیست درم پوست هلیله زرد دو درم مصطکی وکثیرا وسقمونیا
وزعفران از هر یک سه درم وورق گل سرخ پنج درم اجزای کوفته
وبیخته در گلاب سرشته حب سازند شربتی دو درم نسخه دیگر
ایارج فیقرا ده درم شحم حنظل دو درم ونیم سقمونیا دو درم تربد
سفید واسطوخودوس از هر یک پنج درم اجزا کوفته وبیخته در
گلاب سرشته حب سازند واین مجموع ده شربت است حبی
که خداوند داء الثعلب را وعطوسه صفراوی را سود دارد صفت آن
افتیمون پنج مثقال بسفایج وانزروت از هر یک سه مثقال شحم حنظل

وسقونیا

وسقونیا ونمک هندی وافسنتین از هر یک دو مثقال صبر زرد ده مثقال
تربد سفید دوازده مثقال اجزا کوفته وبیخته بگلاب سرشته حب سازند
حب سکبینج قولنج را بگشاید وبادها را بشکند ورطوبت فرود آرد
صفت آن سکبینج وشحم حنظل از هر یک ده درم سقونیا سه درم
سکبینج وسقمونیا در آب سداب حل کرده شحم حنظل کوفته وبیخته در
آن سرشته حب سازند حب الزبل قولنج را بگشاید صفت آن
زبل الذئب چهار درم تربد سفید پنج درم تخم کرفس سه درم کوفته
وبیخته حب سازند حب غاریقون سده بگشاید وخداوند استسقا
وبیماری جگر را سود دهد صفت آن افتیمون وصبر اسقوطری از
هر یک شش درم غاریقون چهار درم فطراساليون ودوقو وتخم
کرفس از هر یک ده درم سقمونیا سه درم کوفته وبیخته حب سازند
حبی که جهت قوت باه بی نظیر است صفت آن مصطکی وقرنفل از
هر یک دو مثقال بهمن وکثیرا از هر یک سه مثقال زنجبیل ومشک
خالص از هر یک نیم مثقال کوفته وبیخته در گلاب سرشته حب سازند
ودر وقت حاجت در دهان گیرند حبی که طبیعت را ببندد
وخون رفتن باز دارد صفت آن سماق دو درم مازو یکدرم
پوست انار یکدرم دانه مورد ده درم دانه مویز سه درم مجموع کوفته
وبیخته با آب بهی وصمغ عربی سرشته حب سازند شربتی دو درم با
آب مورد بیاشامند واز عقب آن پاره آب سرد میل نمایند حب غافت
خداوند استسقا ودقی را نافع بود صفت آن غافت غاریقون ده درم عصاره

وراوند چینی از هریک دو درم شکر طبرزد ده درم کوفته و بیخته حب سازند
شربتی یک درم نوعی دیگر که سینه را پاک کند صنعت آن غاریقون
چهار دانگ و نیم ربالسوس نیم درم شحم حنظل دانگی و نیم عصاره قثا
الحمار یک دانگ کوفته و بیخته حب سازند این جمله یک شربت است حب
که آماس را برطرف کند و با دحنیه و فتق را سود دهد صنعت آن
تخم کرفس و هزار اسپند و افسنتین و مصطکی و زعفران از هریک یکدرم
پوست هلیله کابلی و آمله مقشر از هریک دو درم سکبینج و مقل از هریک
دو درم فودنج و فطر اسالیون و اذخر و قسط و زرنباد و درونج عقربی
و اسارون از هریک نیم درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکدرم
هر روز با آب شبت آب نافع بود حب سمارد راوند چینی و عصاره غافث
و تخم کرفس از هریک سه درم غاریقون پنج درم مازریون ده درم کوفته
و بیخته حب سازند شربتی دو درم و نیم که کرم دراز و حب القرع را دفع
کند صنعت آن تخم حنظل و بوره ارمنی از هریک دو دانگ مازریون و
نشادر از هریک یکدانگ کوفته و بیخته در زهره گاو سرشته حب سازند
و این یک شربت است نوعی دیگر ترید سپید و فودنج و قنبیل و برنگ
و کیل دارو از هریک دو درم شیح ترکی ده درم قردمانا هشت درم
کوفته و بیخته با طبیخ شبت سرشته حب سازند شربتی سه درم حب
خیزران که علت خنازیر را زایل کند صنعت آن ایاره فیقرا سه درم
غاریقون و نشادر از هریک دو درم شحم حنظل و سقمونیا از هریک یکمثقال
کوفته و بیخته در آب کرفس سرشته حب سازند و هر روز از آن اندازه

قوت

قوت نیم درم تا چهار دانگ استعمال نمایند حب داخل که علت خنازیر را
برطرف صنعت آن سنبل الطیب و سلیخه و حب بلسان و اسارون
و مصطکی و دارچینی و زعفران از هریک یکدرم صبر اسقوطری شانزده
درم اسطوخودوس و شحم حنظل از هریک پنج درم ترید هشت درم نمک
هندی دو درم سقمونیا چهار درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو
درم و نیم حبی که خداوند بهق و برص را سود دارد صنعت آن
ایاره فیقرا پنج درم افتیمون ده درم حجر لاژورد هفت درم سقمونیا
شحم حنظل و خربق سیاه از هریک دو درم سنبل الطیب و انیسون
از هریک یکدرم کوفته و بیخته با آب کرفس سرشته حب سازند شربتی دو
درم حب شیطرج خداوند عرق النسا و درد کردن را سود دارد صنعت آن
سکبینج و مقل و جاوشیر و فرفیون از هریک یکدرم صبر اسقوطری و افتیمون
و غاریقون از هریک یکدرم و نیم زراوند مدحرج و قنطوریون دقیق
و جندبیدستر از هریک دو درم زیره کرمانی و نانخواه و زنجبیل و فلفل
و انیسون و تخم کرفس و مو و زعفران از هریک چهار دانگ پوست هلیله
زرد و سورنجان مصری و کماهی زهره از هریک ده درم و خردل و
شیطرج و تخم حنظل و وج و نمک هندی از هریک چهار درم کوفته و بیخته
با آب کرفس تازه سرشته حب سازند شربتی دو درم و نیم و اگر با آب
حی عالم حب سازند بهتر باشد نوعی دیگر پوست هلیله زرد ده
درم صبر اسقوطری بیست درم زنجبیل دو درم فلفل و دارفلفل از هریک
یکدرم خردل سه درم شیطرج و نمک هندی و شحم حنظل از هریک دو درم

فاسد چهار درم کوفته و بیخته با آب کرفس سرشته حب سازند شربتی دو
درم تا سه درم حب غافث یرقان زرد و جگر را سود دارد صنعت آن
صبر اسقوطری و پوست هلیله زرد و غافث مساوی کوفته و بیخته
با آب کرفس سرشته حب سازند نوعی دیگر که صداع و تب را
سود دارد صنعت آن هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنج درم
صبر اسقوطری ده درم سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره
حب سازند نوعی دیگر که جرب را سود دارد نافع بود صنعت آن
صبر اسقوطری و هلیله زرد از هر یک یکدرم و ورق گل سرخ و سقمونیا
از هر یک دانگی و نیم کثیرا یکدانگ کوفته و بیخته با آب شاهتره تازه
سرشته حب سازند و این مجموع یک شربت است حب مقل بواسیر را
ببرد و طبع را نرم دارد صنعت آن پوست هلیله کابلی با بجره ده درم
ترید سفید ده درم سکبینج پنج درم خردل دو درم مقل با بجره درم
مقل و سکبینج در آب کراث حل کرده و اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته
حب سازند شربتی دو درم تا سه درم نوعی دیگر که خلل بواسیر و شقاق را
سود دارد و طبع را نرم دارد و [illegible] مزاج را موافق بود صنعت آن
پوست هلیله کابلی بیست درم مقل دو درم کثیرا پنج درم ابهل سی عدد
ابهل در آب بپزند تا مهرا شود و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله
نرم سابیده در آن سرشته و حب سازند و هر شب دو درم استعمال
نمایند نوعی دیگر که درد روده و مقعد و بواسیر را نافع بود صنعت آن
هلیله سیاه و آمله مقشر و پوست بلیله از هر یک یکجزو و مقل برابر اجزا

مقل را

مقل را در آب کراث حل کنند و اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته حب
سازند شربتی دو درم و نیم نوعی دیگر که خون ناسور را ببندد
صنعت آن پوست هلیله کابلی و پوست بلیله و آمله مقشر از هر یک
ده درم سند و کاهربا و صدف سوخته و شاخ بز کوهی سوخته از
هر یک پنج درم شب یمانی سه درم مقل بیست درم مقل را در آب کراث
حل کرده اجزا را در آن سرشته و حب سازند نوعی دیگر هلیله
بروغن گاو بریان کرده سی درم کاهربا ده درم مقل چهل درم مقل را
در آب کراث حل کنند و اجزا کوفته و بیخته در آن سرشته حب سازند
شربتی دو درم حبی که اسهال دارد صنعت آن مازو و کندر و مازج
و افیون مساوی کوفته و بیخته با آبی که قدری صمغ عربی در آن حل
کرده باشند سرشته حب سازند شربتی دو دانگ حبی که اسهال بلغمی را
باز دارد صنعت آن مر و قرنفل و جند بیداستر و افیون مساوی
کوفته و بیخته حب سازند مقدار فلفلی بزرگ کان را هفت حب و اطفال را
دو حب نافع بود نوعی دیگر که بوی دهان خوش کند و بوی چیزی که
خورده باشند ببرد صنعت آن جوزبوا و قرنفل و فوفل و قاقله
و دارچینی و خولنجان از هر یک یکدرم کافور نیم دانگ مشک خالص دو
دانگ اجزا کوفته و بیخته بگلاب که صمغ عربی در آن حل کرده باشند
سرشته حب سازند مقدار نخود کوچک و اگر برودت بر مزاج غالب
باشد کافور نکنند و زنجبیل و کبابه و بسباسه از هر یک قدری اضافه
کنند و از جهت کسی که همیشه دهان او رطوبت ناک بود [illegible] سوداخ

ونیم مثقال نمک هندی اضافه کنند نوعی دیگر صبر اسقوطری ده درم افیون شش درم سقمونیا چهار درم تربد سفید و سلیخه و سنبل و مصطکی از هر یک دو درم حماما نیم درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون سه درم کوفته و بیخته حب سازند باب الثالث فی الشیافات

شیاف کندری بوره ارمنی پنج درم کندر سی درم خطمی بیست درم شکر سرخ پنجاه درم شحم حنظل پنج درم کوفته و بیخته با اب خالص سرشته شیاف سازند شیاف خیارشنبر خطمی و سر بنفشه از هر یک سه درم بوره ارمنی بیست درم سنا مکی دو درم عسل خیارشنبر و شکر سرخ از هر یک پنج درم اجزا کوفته و بیخته در شکر سرخ و عسل خیارشنبر سرشته شیاف سازند شیاف شادنج شادنج عدسی و اسفیداج رصاصی و [illegible] و زعفران و شیاف مامیثا و اقاقیا و کندر و دریائی و افیون از هر یک جزوی کوفته و بیخته با اب کشنیز یا ابر سرشته شیاف سازند و هر شافه بچهار یک درمیان بران وصل کنند و استعمال نمایند شیاف ابیض صمغ عربی و نشاسته و کثیرا از هر یک جزوی اسفیداج رصاصی نیم جزو افیون سه جزو کوفته و بیخته با سفیده تخم مرغ یا با اب باران سرشته سرشته و شیاف سازند

شیاف سکرنا عصاره مامیثا هشت مثقال زعفران و افیون و صمغ عربی و صبر اسقوطری از هر یک دو مثقال کثیرا و انزروت از هر یک چهار ۳
مثقال جند بیدستر یک مثقال اجزا کوفته و بیخته با اب خالص سرشته
شیاف سازند شیاف مامیثا کل مامیثا و قند کل ارمنی و توتیا کرمانی ۲

وصبر اسقوطری

وصبر اسقوطری از هر یک ده مثقال انزروت سفید و صمغ عربی از هر یک پنج مثقال زعفران یکمثقال کوفته و بیخته با آب کشنیز تازه یا برگ تازه سرشته و شیاف سازند نوعی دیگر کل مامیثا بیست مثقال کل ارمنی و حجر مقشر و لباجان و کشنیز خشک و صمغ عربی از هر یک ده مثقال
۲ اجزا کوفته و بیخته با اب کشنیز تازه سرشته شیاف سازند شیاف شادنج سبل و جرب کهنه را و سلاق و سوختن سفیده چشم را و فزود موی را زایل کند صبغثان صمغ عربی و کثیرا و اقلیمیا زرد و اسفیداج ارزیز و مرصاف و صبر اسقوطری و زنجار و زرنیخ سرخ و قلقطار سوخته و مس سوخته و دارفلفل و فلفل سیاه و فلفل سفید و شادنج عدسی و نشاسته و زرده جوبر و سکر العشر از هر یک درم انزروت مدبر یک درم و نیم دم الاخوین و اقاقیا از هر یک دانگی و نیم توتیا کرمانی و حضض مکی و سنبل الطیب و مازوی محرق از هر یک نیم درم اجزا کوفته و بیخته نرم سایند و نیم درم بارزد در اب سداب و انیج حل کرده اجزا مسحوق در آن سرشته شیاف سازند شیاف ابیض افیونی اسفیداج رصاصی ده درم انزروت مدبر سه درم نشاسته دو درم افیون و کثیرا از هر یک یکدرم اجزا مسحوق در سفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند نوعی دیگر که سبل و جرب و سپیدی برد صبغثان زنجار سه درم اقلیمیا فضی و اشق و صمغ عربی و اسفیداج رصاصی از هر یک دو درم صمغ و اشق در اب سداب حل کرده باقی اجزا مسحوق در ان سرشته شیاف سازند شیاف احمر سده ف را نافع بود و درد احمر

رسد تا یوه کند صنعت آن شادنج عدسی مغسول دو درم مس سوخته
هشت درم سپید و مروارید و سادج هندی ازهریک چهار درم
صمغ عربی و کثیرا و مرصافی ازهریک دو درم دم الاخوین و زعفران
ازهریک یک درم صمغ در شراب انگوری حل کرده اجزا مسحوق در آن
سرشته شیاف سازند نوعی دیگر که جرب و سبل کهنه را ببرد صنعت
آن شادنج عدسی مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم مس سوخته دو درم
افیون نیم درم صبر زرد یمنی درم زنجار دو درم و نیم زعفران و مرصافی
ازهریک یک دانک و نیم اجزا مسحوق در شراب انگوری سرشته شیاف
سازند شیاف ابیض که بادها را تحلیل دهد و اماس طبیعه و لحمه را 2
زایل کند صنعت آن مس سوخته یک درم و نیم زعفران نیم درم مروارید
وسپید ازهریک یک درم افیون یک درم و نیم اقاقیا پنج درم عصاره مامیثا
نیم درم اجزا مسحوق در آب باران سرشته شیاف سازند طلا
کردن و در چشم کشیدن شاید شیاف ابیض که در دستهای چشم را سود دهد
صنعت آن اسفیداج رصاصی هشت درم افیون و انزروت
مدبر و کثیرا ازهریک یک درم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم اجزا
مسحوق در آب باران سرشته شیاف سازند شیاف احمر که محض صنعت 2
منفعت جرب صنعت آن اقلیمیا ذهبی و قلقطار ازهریک دو درم
زعفران یک درم فلفل دو درم زرنیخ زرد یک درم و نیم نشادر یک درم
صمغ عربی نه درم اجزا مسحوق در شراب انگوری سرشته شیاف سازند
شیاف دو شانی که جرب و ظفره و انتشار روا ابتدای نزول الماء نافع بود 2

صنعت آن

شیاف برودا توتیای هندی و اقلیمیای فضی و ذهبی و مروارید ازهریک
دو درم کافور دو دانک ازهریک یک دانک اجزای مسحوق با الی کرتدی
صمغ در وی حل کرده باشند بسرشند و شیاف سازند نوعی دیگر عصاره
مامیثا و انزروت مدبر ازهریک هشت مثقال زعفران و کثیرا ازهریک
دو مثقال افیون نیم مثقال اجزا مسحوق در آب باران سرشته شیاف
سازند شیاف نوعی دیگر عصاره مامیثا و انزروت مدبر ازهریک هشت درم
زعفران دو درم کثیرا یک درم اجزا مسحوق در آب باران سرشته شیاف سازند
صنعت آن توتیای کرمانی شش مثقال پوست هلیله زرد و زنجبیل و
صمغ عربی و زرده حرب و کثیرا ازهریک سه مثقال زعفران و نمک هندی
و نشادر و عصاره مامیثا ازهریک یک مثقال مامیران چینی دو مثقال اجزا
2 مسحوق در آب غوره سرشته شیاف سازند شیاف سماق که جرب و حکه و
ریش و سبل و بیرون خاستن چشم را سود دارد صنعت آن
سماق را با آب باران بپزند و صاف کنند و با زنجبیل بجوشانند تا سطبر شود
و اسفیداج رصاصی در آن بسرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت
با آب غوره در چشم کشند شیاف برین که ماده چشم را باز دارد و
ضربان و خارش بنشاند صنعت آن عصاره مامیثا و انزروت مدبر
ازهریک هشت درم زعفران دو درم کثیرا یک درم افیون نیم درم اجزا
مسحوق با آب باران بسرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت با
سفیده تخم مرغ حل کرده در چشم کشند شیافی که در چشم کرم و ظفره
ببرد صنعت آن اقلیمیا ذهبی و مس سوخته ازهریک دو درم الاخض

وسنبل و مرواريد از هر يك چهار درم كثيرا و مر و زعفران و نشاسته و
زرده جو برو اقاقيا از هر يك دو دانك زرنيخ سرخ و شكر از هر يك
نيم درم اجزا مسحوق با اب باران سرشته شياف سازند شياف
طالوثي كه با دها رابرد و آماس زايل كند صفت ان سوسن خبر
سه درم اقاقيا دو درم كثيرا و صمغ عربي و زعفران و سنبل از هر
يك درم اجزا مسحوق با اب سرشته شياف سازند شياف كه
دنبلهاي كه بر طبقه ملتحمه افتد نافع بود صفت ان اقليمياي ذهب
و اسفيداج ارزيز و صبر سوخته و سرمه اصفهاني و صمغ عربي و
كثيرا و اميا رمصنول از هر يك شش درم مرصافي و افيون از هر
يك درم صموغ در اب باران حل كرده باقي اجزا سرشته سازند شياف
سازند شياف احمر كه درد بيزار بنشاند صفت ان زعفران و حضض
مكي و كندر دانيا و افيون از هر يك جزوي سحق كرده سازند شياف
كه حضض با زدارد صفت ان سرمه و كلنار و زنكار زر كران مساوي
سحق كرده با اب مورد سرشته هيم باره با ان آلوده مدارند و اكر اقاقيا
و شب يماني و مازو بر آن افزايند بهتر باشد شياف كه حضض كشايد
صفت ان مرصافي و فزدج جبلي و اكليل الملك از هر يك چهار درم
منقي بيست درم اجزا كوفته و منقي سرشته با زهره كاو استعمال كنند
شياف كه بجه مرده فرود آورد صفت ان مرو جاو شير و خربق
سفيد مساوي كوفته با زهره كاو سرشته شياف سازند والله اعلم
باب الثالث عشر في السفوفات سفوف حب الرمان

شياف

سودمند

سودمند بود اسهالي كه از ضعف معده بود و قوت ان بدهد صفت آن
انار دانه ترش و شلريق بريان كرده بيست درم حب الآس و بلوط و
سماق و زيره كرماني مدبر و بيست سنجد و كشنيز بريان كرده و خرنوب
نبطي و حب زبيب شامي از هر يك ده درم سك و عود و بلسان از هر يك
يكمثقال اجزا كوفته سفوف سازند و شربتي از پنج درم تا پنج مثقال و
مجموع سفوفات قوت ان تا دو ماه باقيست شياف مقليانا سودمند بود
اسهال كهن را و ترجير و ضعف معده و بواسير را بغايت نافع بود در
حب الرشاد بريان كرده بكجا دلك زيره كرماني مدبر مشوي بيست مثقال
بزركتان و بزر كراث و اهليلج اسود از هر يك ده مثقال مصطكي پنج
هليله سياه در روغن زيت بريان كرده اجزا كوفته بغير حب الرشاد كه ان را
نيم كوفته اضافه بايد كرد و بعضي هليله كابلي در روغن زيت بريان
كرده اضافه ميكنند شربتي يكمثقال تا دو مثقال باب سرد بازخورد
شياف الطين كه وير اسفوف نشاسته هم خوانند سودمند بود بيج و
اسهال مرارى را صفت ان سك و تخم ريحان و تخم مرو و نشاسته و تخم حماض
و صمغ عربي و گل ارمني و طباشير اجزا مساوي تخم حماض نيم كوفته كنند
باقي تخمها درست اضافه كنند و ديكر اجزا بكوبند و بايد كه اجزا غير
گل ارمني و طباشير باقي را بريان كنند و سفوف سازند شربتي سه
تا پنج مثقال بكاه ب سرشته در روغن گل يا بادام كردانيده فرو برد و
اكر دم بر بالاي ان مورد بعد انا نخود بهتر باشد و بعضي بارتنك
اضافه كرده اند سفوف خرنوب سودمند بود اسهال و استرخاء معده را

صفت آن خرنوب نبطی بی دانه و زیره کرمانی مدبر و سماق و پست
کنار و حب الآس و بلوط و کشنیز خشک بریان کرده و مصطکی و قی
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با ده درم ربیع ورد سرشته لعوقها باشد
سفوف ابن ماسویه سودمند بود ضعف معده را و قوت وی بدهد و شکم
ببندد صفت آن ناخواه و سماق و زنجبیل و انار دانه ترش و بریان
کرده و زرشک بی دانه و پست کنار از هریک دو درم قند سفید بیست
درم مجموع کوفته و بیخته استعمال نمایند سفوف سماق سودمند بود
جهت احتباس صفت آن سماق بی دانه ده درم حب الآس و انار دانه
ترش بریان کرده از هریک یکمثقال و نیم خرنوب نبطی سی درم صمغ
عربی و طباشیر از هریک یکمثقال و نیم مجموع کوفته و بیخته شربتی پنج درم
سفوف هلیله خاصه مسهل نقرس و مفاصل و عرق النسا است صفت آن
سورنجان مصری هفت درم پوست هلیله زرد هفت مثقال سنا
مکی ده مثقال بوزیدان سه درم ورق گل سرخ پنج درم پوست
بیخ کبر سه مثقال و ورق حاشا سه درم زعفران یکدرم مغز بادام مقشر
سه درم قند سفید شصت درم سقمونیای مشوی یکمثقال مجموع
کوفته و بیخته بغایت سحق کرده شربتی دو مثقال با شراب سرد باز
خورند سفوف سورنجان مسهل جهت مفاصل و نقرس و عرق
النسا بغایت نافع بود صفت آن سورنجان مصری ده درم سنا
مکی هفت درم مغز بادام مقشر و پوست هلیله زرد از هریک سه درم
زعفران نیم درم قند سفید سی درم سقمونیای مشوی یکدرم و اگر باد

بلغمی باشد

بلغمی باشد عوض سقمونیای مشوی پنج درم تربد داخل کنند اجزا کوفته
و بیخته شربتی دو مثقال با آب سرد نافع بود سفوف سرطان جهت
مسلول بغایت نافع بود صفت آن سرطان نهری سوخته ده درم
طین قبرسی و صمغ عربی و خشخاش سیاه و سفید و تخم خرفه از هریک
پنج درم کوفته و بیخته استعمال نمایند و باید که سرطان بجا کستر جو
را شسته باشند و بعد از آن بسوزند سفوف لولوی مروارید
ناسفته چهار مثقال گلنار فارسی و طباشیر سفید و خرنوب
نبطی و گل ارمنی و گل مختوم و تخم گل و صندل سفید و تخم حماض و بلوط
و حب الآس و آبدکار و کندر و کشنیز خشک و صمغ عربی و سماق
و زرشک و مصطکی و نار مشک و آرد جو از هریک سه مثقال انار
دانه پنج مثقال اجزا کوفته و بیخته سفوف سازند و باید که مروارید
را بر روی سنگ سماق صلایه کنند سفوف طباشیر حرارت علت ساکن
گرداند صفت آن ورق گل سرخ و طباشیر سفید از هریک سه درم
کشنیز خشک دو درم سیب و مروارید و کاهربا از هریک یکدرم
کافور یکدانگ اجزا کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی دو درم
با سکنجبین یا آب انار ترش نافع بود سفوف [illegible] دل سد را یاری
دهد صفت آن درونج عقربی و لسان الثور از هریک شش درم زر
دو درم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی یکمثقال نافع بود بلغمی
چهار یک شراب کهن یا با ماء العسل بیاشامند نوع دیگر کاهربا و
چند بیدستر از هریک یکدرم پوست اترج و فرنجمشک از هریک نیم درم

شربتی یکمثقال باشراب کهن بیاشامند سفوف عود معده سرد و تر را
نافع بود صنعت آن قرنفل و کبابه از هریک پنج درم مصطکی و سنبل
از هریک سه درم عود خام بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
با گل شکر نافع بود سفوفی که آرزوی گل خوردن و آرزوی بد
که زن حامله را بود ببرد صنعت آن قاقله و خرنوب و کبابه مساوی
قند سفید بوزن مجموع ادویه شربتی سه درم سفوف نخود که از جهت
فربهی بسیار مجربست صنعت آن نخود سفید پنجاه درم در سرکه آب
خیسانند بعد از آن خشک کنند و سایر برنج شسته خشک
کرده پنجاه درم نان میده خشک کرده سی درم مغز بادام سفید کرده
شصت درم پسته و گندم و خشخاش سفید از هریک سی درم شکر
طبرزد بوزن مجموع کوفته و بیخته هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند
سفوف انار دانه سودمند بود جهت معده و امعا و تشنگی نشاند
و اسهال صفراوی را دفع کند و قی باز بندد صنعت آن انار دانه بریان
کرده تخم زیره کرمانی سرکه بریان کرده و تخم مورد و بلوط و سماق
و دست کاو سلیخه و کشنیز خشک بریان کرده و جز ب(؟)
شامی از هریک پنج درم سک و رامک و عود خام از هریک یک درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سفوف ملینا(؟) اسهال کهن و زحیر و ضعف
معده و وردی و بواسیر را نافع بود صنعت آن تخم سپندان بریان
کرده سه جزو زیره کرمانی سرکه بریان کرده بلیله جزو تخم کندنا و هلیله
سیاه و هلیله کابلی از هریک نیم جزو مصطکی نیم جزو هلیله ده درم

زیت

زیت بریان کرده و با اجزا کوبند و تخم سپندان ناکوفته داخل وی کنند
و استعمال نمایند سفوف زرشک(؟) ضعف معده را نافع بود و شکم ببندد
صنعت آن سماق و نانخواه و زنجبیل و انار دانه ترش بریان کرده
و زرشک بی دانه و پوست گلنار از هریک دو درم نبات و گل ارمنی و
صمغ عربی از هریک ده درم گلنار و گل ماز و از هریک پنج درم کوفته
و بیخته استعمال نمایند شربتی سه درم با آب سرد نوعی دیگر که سیلان
منی و چکیدن بول باز دارد صنعت آن تخم کاهو و تخم سداب و بلوط
و کندر و سعد از هریک چهار درم تخم ترنج پنج درم و ورق گل سرخ و
گلنار از هریک شش درم زیره مدبر و انیسون و بزر البنج از هریک
سه درم فانید بوزن مجموع هلیله کابلی و بلیله از هریک هفت درم
کوفته و بیخته شربتی پنج درم سفوفی که معده و جگر و اوجاع مفاصل
سود دهد و اکثر بیماریها که از اخلاط باشد نافع بود صنعت آن ملح طعام
سی درم نشادر ده درم فلفل سفید بیست درم زنجبیل پانزده درم
فلفل سیاه ده درم انیسون هفت درم فوذنج و بزر الجرجیر و نانخواه
از هریک ده درم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال با آب گرم نافع بود
سفوف هلیله که در آماس جگر با شیر شتر دهند صنعت آن هلیله
کابلی و هلیله سیاه از هریک چهار درم تخم کرفس و انیسون و تخم بادیان
از هریک پنج درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با ده سیر شیر شتر
دهند نوعی دیگر که آماس جگر را سود دهد صنعت آن هلیله کابلی
ده درم تخم کاسنی و تخم کشوث و تخم خیارین از هریک دو درم نمک نفطی

ورد و وند چینی از هر یک یکدرم سقمونیا نیمدرم کوفته و بیخته شربتی دو
درم با ماء الجبن نافع بود سفوفی که ادرار بول بکند و خداوند
اماس جگر را نافع بود صنعتان مغز تخم خیار دین و مغز تخم خربزه از
هر یک پنجدرم تخم کاشنی و تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس و
انیسون و بادیان از هر یک دودرم و عصاره زرشک چهار درم راوند
چینی یکمثقال رب السوس دو درم نمک مغسول چهار دانگ زعفران
و سنبل و مصطکی و افسنتین از هر یک یکدرم شربتی دو درم با آب
گرم نافع بود سفوف قنجار که محرور را سود دهد صنعتان تخم کاشنی
و تخم کرنب و زرشک بی دانه و سماق پاک کرده و عدس مقشر و ورد
گل سرخ و طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم با یک طسوج کافور
و ابا انار مفید است سفوف کرنب که مستی باز دارد صنعتان تخم کرنب
و مغز بادام و فودنج از هر یک جزوی نانخواه و نمک زیره و سداب از
هر یک نیم جزو کوفته و بیخته شربتی دو درم سه با آب انار بدهند سفوف اخشون
که با دهای معده را بشکند و اخلاط کرد در معده باشد پاک کند صنعتان
نانخواه و تخم کرفس از هر یک پنجدرم مصطکی سه درم کندر چهار درم
فقاح اذخر و قسط شیرین از هر یک سه درم انیسون پنج درم اسفندان
سفید بیست و پنج درم کوفته و بیخته شربتی پنج درم با آب انار بدهند
نوعی دیگر که با دهای معده بشکند و اخلاط غلیظ کرد در معده باشد
پاک کند صنعتان نانخواه و تخم کرفس از هر یک پنجدرم مصطکی سه درم
کندر چهار درم فقاح اذخر و قسط شیرین از هر یک سه درم انیسون

پنجدرم

پنج درم اسفندان سفید بیست و پنج درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با
نانبد برشتد و استعمال نمایند سفوف جوز اسهال بلغمی باز دارد
صنعتان جوز بریان کرده سه درم نانخواه یکدرم کندر نیم درم کوفته
و بیخته با آب گرم بیاشامند و این یک شربت است سفوفی که پیچیدن
شکم و بواسیر را نافع بود صنعتان سپندانی سی درم شکوفه تخم
ریحان و تودری از هر یک ده درم مصطکی سه درم بزر ورد
بریان کرده مصطکی را کوفته و باقی ناکوفته اضافه نمایند و شربتی
سه درم با آب گرم سرد بیاشامند سفوفی که بسیاری بول که از
سردی و ضعف باشد سود دهد صنعتان بلوط پنجاه درم کندر
سی درم کشنیز بریان کرده و ورق گل سرخ از هر یک ده درم کوفته
شربتی یکمثقال نافع بود سفوفی که جهت منی و وذی مجربست صنعتان
تخم کاهو و تخم سداب و تخم پنجنکشت از هر یک سه مثقال سعد کوفی
دو مثقال گلنار فارسی یکمثقال کوفته و بیخته شربتی سه درم نافع بود
با آب سرد سفوفی که سنگ را کرده و مثانه اطفال پاک کند صنعت آن
مغز تخم خربزه و صمغ عربی و صمغ آلو مساوی کوفته و بیخته شربتی نیم
درم نافع بود

باب الرابع عشر فی السنونات

سنونی که دندانرا جلا دهد صنعتان شاخ بز کوهی سوخته و نمک اندرانی و
کف دریا از هر یک جزوی پنج نی سوخته دو جزو ساذج هندی ربع
جزوی سنبل الطیب جزوی اجزا را سحق کرده استعمال کنند سنونی صنعت آن
که بوی دهان خوش کند و بیخ دندانرا محکم کند و دندانرا قوت دهد

شاخ بزکوهی سوخته نمک بعسل معجون کرده از هریک دو درم زعفران
وسنبل الطیب ومصطکی از هریک یکدرم وورق سداب دو درم سماق
وکلنار از هریک یکدرم سعد سوخته وجو سوخته از هریک سه درم
کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که جهت حفظ دندانها نافعست
صفت آن شاخ بزکوهی سوخته جزو مازج سنبل الطیب سعد از هریک
جزوی نمک اندرانی ربع جزو کوفته وبیخته سنون سازند سنونی
که بوی دهان خوش کند وبن دندان سخت کند صفت آن صندل سفید
وپوست ترنج یابس واذخر واسلنا از هریک سه درم قاقله صغار وقاقله
کبار وبسباسه وقرنفل وعود هندی ومصطکی ومشک از هریک
دو درم کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که سیاهی دندان را ببرد
صفت آن تنبیل ده درم فلفل چهار درم حماسه درم سادج
هندی دو درم سازوی محرق تر درم کوفته وبیخته سنون سازند
وبا مسواک استعمال نمایند سنونی که گند بینی قطع کند صفت آن
مرو قلقطار وسک وپوست انار وقصب الذریره وقرنفل وزیره
مساوی بکوبند وبیزند وبینی را بفتیله که بشراب ریحانی تر کرده باشند
ترکنند وآن داروی در بینی دمند وفتیله دیگر بان دارو بیالایند
ودر بینی نهد سنونی که جهت جوشیدن دهن مفید است صفت آن
فوفل واقاقیا وسماق وبهدانه وطباشیر وکلنار وورق گل سرخ وآرد
جو مجموع مساوی کوفته وبیخته اقل تندی برکه ودو چندان کلک
بر سر هم کنند ونیم گرم کنند ویکبار دهن بران بشویند بعد از آن سنون

بران باشند

بران باشند سنونی که قلع نایل کند وگوشت که از بن دندان رفته باشد باز
آورد وآمدن خون از بن دندان برطرف کند صفت آن کلنار وتخم بستان
افروز وطباشیر وبهدانه ومرجان سفید وتخم گل وکات هندی وفوفل
واستخوان عرق سوخته وچینی مغسول وشاخ بزکوهی سوخته وورق گل سرخ
وتخم عدس وکشنیز بریان کرده اجزا مساوی سنون سازند ونیز انارا
باسماق وگلاب بشویند وشب سنون ساختن بران باشند وصباح
همان سماق وگلاب بشویند سنونی که بوی دهان خوش کند وبن
دندان سخت کند وآمدن خون برطرف کند وگوشت برویاند وحار
بن دندان را دفع کند صفت آن کزمازج وکلنار وتخم گل وفوفل وسعد کوفی
وورق مورد وطباشیر ومروارید از هریک یکمثقال دم الاخوین وکندر
از هریک نیم مثقال صندل سرخ وسفید از هریک دو مثقال کوفته وبیخته
سنون سازند وشب دهان را بآب برگ مورد بشویند سنونی که جهت
ضبط بن دندان مجربست صفت آن شاخ گاو وکوهی سوخته ونمک
کرده در عسل وسوخته از هریک ده مثقال سماق وکلنار از هریک
یکمثقال کهربا وزعفران وسنبل ومصطکی وورق سداب یابس از هریک
دو مثقال اجزای کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که ویرا ملک فوت
خوانند واز جهت محکم کردن دندان وگوشت مرده خوردن وتازه تر باشد بن
بسیار مفید است صفت آن آهک آب نرسیده ده مثقال زرنیخ زرد و
سرخ از هریک دو مثقال کهربا واقاقیا از هریک چهار مثقال اجزا کوفته
وبیخته در ظرفی کنند وصد وبیست برابر وی سرکه [illegible]

ودر سایر خشک کنند بعد از آن بسایند و با مسواک استعمال نمایند و
بایدکه در ظرف چینی یا زجاجی بستانند

باب الخامس عشر فی الادهان

روغن بنفشه بادام بستانند
بادام شیرین ومقشر کنند وهر بادامی را بدو نیمه کنند وخشک کنند در
آفتاب وهر یکمن بادام یکچهاریک من بنفشه تر در میان آن کنند و شب
در زیر جامه خواب بر بالای کرباسی پهن کنند و بر بالای آن خوابند تا دو
شب بگذرد بعد از آن بنفشه از میان آن بیرون کنند و در سایه خشک
کنند و باز بنفشه تازه کنند تا چهل روز بعد از آن روغن وی بگیرند
واستعمال نمایند **روغن گلنار** بادام بطریقی که مذکور شد در میان آن
ورق گل سرخ کنند و روغن وی بگیرند واستعمال نمایند **روغن کدو** مغز
دانه کدو بطریقی که مذکور شد در میان سر بنفشه ریزند و روغن وی بگیرند
روغن گل سرخ بگیرند ورق گل سرخ و روغن کنجد برسان کنند بمقدار
که برابر شود و چهل روز در آفتاب بگذارند بعد از آن روغن از
نیکان گرفته استعمال نمایند و اگر بکر خواهند بعد از چهل روز از
آفتاب بر دارند و نگاه دارند تا وقتی که گل سرخ پیدا شود باز ورق
گل سرخ را در شیشه دیگر کنند و همان روغن از روی آن گرفته بر بالای
آن کنند و چهل روز دیگر در آفتاب گذارند بعد از آن برداشته استعمال
نمایند و جمیع گلها که خواهند که روغنش بگیرند بدین طریق باید
گرفت **روغن ریحان** بگیرند ورق ریحان یکمن و یکچهار و اسیر بگیرند
و یکچهاریک روغن کنجد و قدری آب برسان کنند و بجوشانند با آتش

آهسته

آهسته چندانکه آبها برود و روغن بماند **روغن خشک** بگیرند زنجبیل
چهار درم خسک ده درم با یکدیگر نیم کوفته کنند و با پاره آب بجوشانند
و صاف کنند و یکمن روغن کنجد برسر آن کنند و بجوشانند تا آبها
برود و روغن بماند **روغن سنبل** سودمند بود درد جگر و معده
و گردگان و مفاصل واسترخا را نافع بود **صفت آن** سنبل الطیب
وساذج هندی و میعه سائله و ابرسا و قرنفل واشنه و قسطان
هریک بیست درم و راسن و سلیخه و عود بلسان از هریک ده درم
مر صافی پنج درم مجموع نیم کوفته کنند بغیر میعه و یکشبانروز در
آب بخیسانند و باید که بخ آب باشد بعد از آن بجوشانند و
صافی کنند و مر را در آن حل کنند و دو من روغن زیت یا کنجد
بر سر آن کنند و بجوشانند تا آبها برود و باید که در اثنای جوشانیدن
میعه اضافه کنند **روغن قسط کبیر** سودمند بود مفاصل واسترخاء
و بادهای بارده و تشنج را برطرف کند **صفت آن** قرنفل ده درم
قصب الذریره و سنبل الطیب و قسط مر و راسن واشنه وساذج
هندی و میعه سائله و ابرسا و سلیخه و عود بلسان از هریک بیست
درم مر صافی پنج درم مجموع نیم کوفته بغیر میعه و مر دو من آب
صافی بخیسانند و صاف کنند و مر را در آن حل کنند و دو من
روغن زیت یا کنجد بر سر آن کنند و میعه اضافه کنند و با آتش
آهسته بجوشانند تا آبها برود و روغن بماند **روغن قسط وسط**
قسط مر ده درم فلفل و فرفیون از هریک یکدرم عاقرقرحا سلیخه و

چند بیدانستر از هر یک دو درم اجزا نیم کوفته در دو من آب بشیرین
بجوشانند یکشبانروز پس با یکمن روغن زیت پاکیزه و بقاعده مذکوره
تمام کنند **روغن قسط** قسط صحیح ده درم سلیخه شش درم ورق ریحان
با نیم من روغن زیت پاکیزه بکوبند بطریق مذکور عمل نمایند **روغن
ناردین** ناردین اقریطی ده مثقال اشنه و قرنفل و ساذج هندی
ومر و فرفیون از هر یک دو مثقال ایرسا و سلیخه و زنجبیل از
هر یک سه مثقال فلفل چهار مثقال ورق حنا و جند بیدانستر از هر
یک مثقال اجزا بغیر مر و فرفیون و جند نیم کوفته در دو من آب خوش
بجوشانند و صاف نمایند و مر و جند و فرفیون مسحوق اضافه کنند
روغن حبطیانا بابونه و اکلیل الملک و بزر بنج تر و دو والدر سیاه و سنبل
الطیب و ورق حنا از هر یک ده درم حنظل تازه پانزده درم جوز بوا
و برنجاسف و سوسنجان از هر یک پنج درم عاقرقرحا سه درم روغن
زیت پاکیزه دو من بقاعده عمل نمایند **روغن فرفیون** فرفیون ده درم
آب شبت تازه سی درم فرفیون مسحوق کرده با باقی اجزا بقاعده
عمل نمایند **روغن کدو** آب کدو و یکمن روغن کنجد خوب با دام
بچهار یک بقاعده عمل کنند **روغن مصطکی** سود مند بود جهت
ضعف معده **صنعت آن** بستانند روغن کنجد یکمن و مصطکی
ده مثقال و با یکدیگر در شیشه کنند و دیگی پر آب کنند و شیشه
در میان آن نهند و آتش کنند چندانکه مصطکی در میان روغن
یکذارد **روغن بابونه** بستانند گل بابونه تازه و در میان شیشه کنند و آ

مقدار

مقدار روغن کنجد که و بر این پشد بر بالای وی کنند و چهل روز
در آفتاب بیاویزند و بعد از آن صافی نموده استعمال نمایند
روغن شبت گل شبت که در سایه نیم خشک شده باشد در شیشه کنند
و بطریق روغن بابونه عمل کنند **روغن حنا** بستانند ورق حنا
و با آب بجوشانند و صاف نمایند و با ربع آب روغن کنجد بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند **روغن زرده تخم مرغ** بستانند زرده
تخم مرغ و بدست بمالند و قدری نشادر سوده بروی ریزند و در قنینه
کنند که بگل حکمت اندوده باشد و قدری سوبالنف بر سر قنینه نهند
و در زیر قنینه آتش کنند و در نشیب قنینه کاسه نهند که روغن
در آن میچکد **روغن آجر** که و را اطبا دهن المبارک میخوانند بستا
آجر سرخ تازه و آب ندیده و پاره کنند چنانچه هر پاره بوزن ده
مثقال بوده باشد و در میان آتش اندازند تا سرخ شود بعد از آن
در میان روغن زیت اندازند تا روغن جذب کند پس بیرون
آورند و بکوبند و در قنینه کنند و بقاعده زرده تخم مرغ روغن از
وی بگیرند **روغن ورد** بستانند آب ورد تر سه رطل و روغن کنجد
یک رطل با یکدیگر بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و چون
خواهند که قوی و کثیر شود پنج درم لادن سائیده بر آن اضافه کنند
روغن خروع بستانند خروع را و بریان کنند و خرد بکوبند و با پاره
آب بجوشانند و در اثنای جوشانیدن هر چند آب از وی کم میشود
روغن بر روی آب و زیاده میشود آن روغن را بکفچه بگیرند و نگاه

دارد روغن نارجیل و روغن بادام و امثال آن بطریق که گفته باید کرد رفت

باب السادس عشر فی المراهم

مرهم شادنج جهت بواسیر عظیم نافع بود صنعت آن روغن بنفشه بادام و روغن گل بادام از هر یک دو درم عصارهٔ لحیة التیس و طین قبرسی و طین ارمنی و شادنج مغسول از هر یک سه درم افیون نیم مثقال و چهار رجه موم سفید پنج درم اسفیداج اسربی دو درم انزروت زعفران یک درم اجزا کوفته و بیخته نهایت نرم کرده موم با روغنها یکجا زنند و در هاون کنند و نیک بمالند و دارو ها را اندک اندک بر آن ریزند و سحق میکنند تا یکسان شود

مرهم زیبق جهت جراحات کهن نیک مفید است صنعت آن مصطکی و مرداسنج از هر یک سه مثقال رخند بیدا ستر و صبر اسقوطری و سورنجان و خرنوب لبان و کندر و زرد آب کرمانی و صمغ سابل از هر یک دو مثقال زیبق و روغن گل و روغن بنفشه بادام و روغن زیت و پیه بز سیاه از هر یک ده مثقال موم سفید پنج مثقال کبریت زرد سه مثقال زیبق را با کبریت چندان سحق کنند که زیبق نماند الا دارو سیاه و باقی اجزا سحق کرده نهایت و ادهان با موم و پیه یکجا زنند و در هاون کنند و بسیار بسایند و اجزا را در آن ریزند و سحق کنند بسیار و اگر در سحق زیبق ظاهر شود چندان بسایند که زیبق بر طرف شود بعد از آن استعمال کنند

مرهم باسلیقون زفت رومی و راتینج و موم صافی از هر یک نیم رطل بلنا سیس روغن زیت یک وقیه ماذو چهار درم ماذو نهایت سحق کنند

و روغن از

و روغن با زفت و موم و راتینج یکجا زنند و در هاون با ماذو در یکدیگر بسایند

مرهم سفید گوشت برویاند و حرارت را نافع بود صنعت آن موم سفید و اسفیداج اسربی از هر یک دو درم روغن گل چهار درم موم با روغن یکجا زنند و سفیداب مسحوق اضافه کنند و اگر حرارت زیاده باشد قدری کافور مسحوق داخل کنند و اگر جهت گزیدن و سوختن آتش جانوران باشد چهار درم یا پنج درم مرداسنج اضافه کنند و در وقت استعمال قدری سفیدهٔ تخم مرغ با آن ضم کنند

مرهم سیاه گوشت فاسد بخورد و گوشت نو برویاند و اکثر جراحات را سود مند بود صنعت آن مرداسنج نیم رطل زیت صافی یک رطل و ربع رطلی و موم صافی و زفت رومی بیست درم علک البطم پنج درم علک و زفت و موم با زیت یکجا زنند و مقدار پنج مسحوق بر آن ریزند و در هاون با یکدیگر ضم کنند صنعت آن گوشت برویاند و ریش خشک گرداند

مرهم خل مرداسنج ده درم کوفته و بیخته با چهل درم سرکه بپزند و چهل درم زیت در هاون کنند و بسایند و اگر خواهند دو درم زرده چوبه مسحوق اضافه کنند صنعت آن جهت خنازیر و سلع نهایت نافع بود و ورمهای صلب را تحلیل دهد

مرهم داخلیون

اشنان حلبه و بزر کتان و خطمی سفید از هر یک کیله و بخوبی بسایند یک شبانروز بعد از آن بجوشانند و لعاب وی بگیرند از هر یک کیله و نیم و یک رطل و نیم مرداسنج مسحوق را با سه رطل زیت بجوشانند تا نزدیک انعقاد و سواد گردد بعد از آن لعابات اضافه کرده با تیز

آهسته بجوشانند تا منعقد گردد مرهمی که جهت سوختن نبات
شکسته صنعت آن سفیداب سرب سوده ده درم دم الاخوین و مرداسنج با
یکدیگر سحق کنند مساوی و قدری موم و روغن کنجد یکجا از دو در
هاون کنند و چند نوبت با سیر بن دهش شده و اجزای مسحوق
بدان می باشد و می مالید تا یکسان شود مرهم اهل موم سفید
جزوی روغن گل دو جزو در یکدیگر یکدان ننهند و در هاون
با آب سیر بن دهش بد و نیم جزو لعل مصری مسحوق به تدریج اضافه
میکنند و می مالند تا یکسان شود بعد از آن با سخا الحض اضافه میکنند
و در میان آب میسایند و تغییر آب میکنند تا زمانی که در نیلت مرهم سفید
گردد

باب السابع عشر فی الاطلیه واسمائها

طلائی که خشکی اندام برد صنعت آن روغن بادام
و روغن خردل از هریک ده مثقال فلفل زهره دو مثقال بوره
ارمنی و مازو هریک یک مثقال اجزا کوفته و بیخته در آن روغنها سرشته
طلا کنند طلائی که صداع و برسام کرم را نافع بود صنعت آن صندل
سرخ و سفید و گل نیلوفر و گل سرخ و تخم کاهو از هریک سه درم افیون
و بیخ لفاح از هریک یک مثقال زعفران یک درم ماميثا دو درم اجزا کوفته
و بیخته بعصاره کاهو سرشته استعمال نمایند طلائی که در ابتدا
برسام استعمال نمایند صنعت آن روغن گل سرخ و گلاب و خل
الخمر مساوی روز اول و دوم سرکه عنصل و چند بیدستر و در
روز سیوم طلائی که صداعی که از بخار باشد برطرف کند صنعت آن

ماذو

ماذو وکلنار و اقاقیا و سک از هریک جزوی صبر اسقوطری
و زعفران از هریک نیم جزو اجزا کوفته و بیخته بگلاب سرشته
طلا نمایند طلائی که بول خونی باز دارد صنعت آن گل ارمنی
و گل مختوم و صمغ عربی و تخم خرفه و کثیرا و گل سرخ و کلنار
و کلنار و شاخ بز کوهی سوخته و عصاره لحیة التیس از هریک
دو درم مازو یک درم اجزا کوفته با آب برگ مورد سرشته
طلا نمایند طلائی که تراییدن آب خصیه را ببرد و خارش
خصیه را سود دهد صنعت آن شیاف ماميثا و اقاقیا از هریک
دو درم صبر اسقوطری و نشا در آن از هریک یک مثقال و نیم زعفران
نیم درم اشنان جامه شوئی ده درم اجزا کوفته با روغن یاسمین
سرشته طلا کنند طلائی که کرم و خارش را برطرف کند صنعت آن
سیماب مقتول پنج درم کندش دو درم زراوند طویل هفت درم
اجزا کوفته در روغن گل سرشته سه روز متعاقب طلا نمایند
و با یکه سیماب را بکبریت بکشند طلائی که بهق و برص سیاه
و سفید ببرد صنعت آن فوه و کندش و شیطرج هندی و
خردل و تخم ترمس و مازریون و شحم حنظل و خربق سفید و مویزج
و سقمونیا از هریک یک جزو اجزا کوفته و بیخته در سرکه کهنه سرشته
طلا نمایند طلائی که کلف را ببرد صنعت آن تخم ترب و تخم خربزه
و باقلا کوفته در سرکه سرشته در سایه خشک کنند و قسط و مغز بادام
تلخ و کثیرا و اکلیل الملک مساوی کوفته در سرکه سرشته طلا نمایند

طلائی که نفخهای کهن و دشپهای قدیم ببرد صفت آن زیبق کشته یک مثقال
کبریت زرد دو مثقال روغن خروع سه مثقال با یکدیگر بکوبد در هاون
سنگی چندان که همه باشد که زیبق برطرف شود و چند روز متعاقب
طلا نمایند ضمادی که آماس معده را ببرد صفت آن بنفشه
و آرد حلبه از هر یک ده درم و ورق گل سرخ پنج درم سنبل و مصطکی
از هر یک سه درم بابونه و خطمی سفید و آرد جو از هر یک هفت درم
سعد و اذخر و قصب الذریره از هر یک سه درم کوفته در لعاب
بزر کتان سرشته بر معده نهند زمانی که معده از غذا خالی باشد
ضمادی که جگر گرم را سود دارد صفت آن صندل سفید شش درم گل
سرشته و بیخ خطمی و نیلوفر و آرد جو از هر یک سه درم زعفران
و کافور از هر یک نیم درم موم پنج درم روغن گل آنقدر که کافی باشد
ضمادی که سپرز را تحلیل دهد صفت آن اشق در سرکه حل کنند
پشک گوسفند سوخته در یکدیگر سرشته طلا نمایند ضمادی
که خداوند استسقا دمعی را سود دهد صفت آن آرد جو سعد
و پشک گوسفند و بوره ارمنی و گل ارمنی کوفته در آب سرشته
ضماد نمایند ضمادی که اسهال صفراوی باز دارد صفت آن برگ
مورد و برگ سیب و ورق گل سرخ و گلنار و صندل سفید و مازو
و سنبل و مازو و لادن و سماق و حضض مساوی کوفته با آب
سرشته ضماد سازند ضمادی که درد ذات الجنب مستعملست و تهی
کاه و کرکاه را ضماد سازند صفت آن بابونه و خطمی و اکلیل الملک

وبنفشه

و بنفشه و دارحلبه و برگ کرنب مساوی کوفته با آب سرشته ضماد نمایند
ضمادی که درد بواسیر را بنشاند صفت آن مقل ازرق و کوهان
شتر و مغز ساق گاو و مغز زردالو و میعه رطب و زرده تخم مرغ
مساوی کوفته در روغن گل سرشته نیم گرم بر موضع درد ضماد نمایند
ضمادی که آماس قضیب و خایه که از گرمی باشد نافع بود صفت آن
آرد جو و آرد عدس در آب عنب الثعلب و آب کاکنج و آب کاسنی
و روغن گل و زرده تخم مرغ در یکدیگر ضم کرده ضماد سازند ضمادی
که آماس پستان را نافع بود صفت آن نان گندم خشک کرده آرد جو
آرد باقلا آرد حلبه خطمی سفید از هر یک جزوی زعفران نیم درم در
یکدیگر کوفته در زرده تخم مرغ سرشته ضماد سازند ضمادی که جمیع
دردها را تحلیل دهد صفت آن موم زرد یک جزو روغن شبت
شش جزو در یکدیگر بگدازند و بابونه کوفته قدری در آن سرشته
ضماد نمایند ضمادی که مضرت گزیدن جانوران زهرناک از موضع
جراحت بیرون کند صفت آن جندبیدستر و کبریت و حلتیت
و سرگین کبوتر و فودنج دشتی و مشک طرامشیع مساوی کوفته و
بپزند در روغن زیت سرشته ضماد نمایند سعوطی که خداوند
دماغ گرم و خشک را نافع بود صفت آن آب برگ کاهو با دو چندان
روغن نیلوفر و قدری شیر دختران در بینی چکانند و برکشد
سعوطی که درد سر گرم را سود دارد صفت آن طباشیر دو درم
نشاسته و کافور از هر یک نیم درم زعفران دانگی و نیم اجزای سحق کرده با

روغن نیلوفر استعمال نمایند سعوطی که درد شقیقه را سود دارد
صنعت آن روغن بادام تلخ و روغن زردالو و آب مرزنجوش
با یکدیگر آمیخته استعمال نمایند نطولی که جهت صداع سرد مفید بود
صنعت آن بابونج و اکلیل الملک از هر یک ده درم شبت و مرزنجوش
با یکدیگر آمیخته از هر یک شش درم با یکدیگر جوش داده آب بیرون
سر و ابر بخار آن دارند نطولی که دیوانگی را زایل کند صنعت آن
سر بنفشه تازه و سر بنفشه خشک و نیلوفر و برگ کاهو و تخم خطمی و
برگ بید و کشک و جو و تراشه بید و برگ عنب الثعلب و برگ خبازی
و برگ بزرقطونا و سپستان و خشخاش سفید و گل سفید و بابونج از
هر یک کفی مجموع بپزند و پالایند و سی درم روغن بنفشه بادام اضافه
کنند و سر بر بخار آن دارند و در میان سر طلا کنند نطولی که صداع
سودایی را زایل کند صنعت آن سر بنفشه و نیلوفر و اکلیل الملک و برگ
سوسن و بادرنجبویه و کشک جو و ساذج هندی و تمر هندی مساوی
کوفته بپزند و سر و ابر بخار آن بدارند و سر را بدان بشویند
نطولی که صداع سرد و خشک را نافع بود صنعت آن سر و پای
بره با بونه و اکلیل الملک و حلبه و شبت در یکدیگر بسیار بپزند و
سر را بر بخار آن بدارند غرغره که دماغ را پاک سازد صنعت آن
عاقرقرحا و دارفلفل و ایجیر و سعتر و خردل و زوفا و ایارج
فیقرا مساوی در سرکه عنصلی و عسل بسرشند و بالا بکار برند غرغره نمایند
غرغره که جهت آماس گرم که در زبان باشد مفید بود صنعت آن

آب برگ

آب برگ عنب الثعلب و آب کاشنی با طبیخ عدس غرغره نمایند غرغره
که فرود آمدن لهاة را باز دارد یا فرود آید صنعت آن آنار دانه
ترش و مازو و سماق کوفته در سرکا و خو[...] غرغره نمایند
غرغره که خناق گرم را سود دارد صنعت آن آب لسان الحمل
و آب عنب الثعلب [...] روغن گل دو درم با یکدیگر غرغره
نمایند غرغره که خناقی که ماده آن سرد باشد نافع بود صنعت آن
تخم هزار اسفند و عاقرقرحا و خردل سفید و تخم ترب و تره و حلتیت
و نطرون و نشادر و فلفل و فودنج و رماد الخطاطیف کوفته با ماء
العسل غرغره نمایند علاج کرم کدو بیخ کالی و قنبیل و تخم حنظل
از هر یک یک دانگ سنیج ترکی و فلفل و نارجیل کبیر شده از هر یک نیم مثقال
تربد سفید دو دانگ شکر سرخ دو مثقال شکر در قدری شیر حل
کرده و باقی ادویه سحق کرده در نارجیل کوفته مالیده با یکجا بخورند شب
خورده و باقی شیرها از عقب آن خورده بعد از ساعتی آب گوشت
بزغاله ای آن بخورد که نافعست نوع دیگر قنبیل و ترمس و برنج
و سنج ترکی و حب النیل و ملح هندی و تربد سفید و قسط مساوی
سحق کرده با برابر اجزا عسل بسرشند بعد از آنکه پنج روز شیر و شکر
خورده باشند سه مثقال از این ترکیب ناشتا سه روز بیاشامند
که مفید است توتیایی که دمعه را باز دارد و خارش نشاند صنعت آن
توتیای کرمانی مغسول ده درم هلیله زرد و صبر زرد و دارفلفل
از هر یک پنج درم با یکدیگر سحق کرده استعمال نمایند توتیای غوره

سلاق و دمعه و جرب و سبل راسو دارد **صفت آن** توتیای
کرمانی مغسول و قیه زرد چوبه بهمونیه هلیله زرد و زنجبیل از
هر یک نیم درم ماميران و دار فلفل از هر یک دو درم و نیم نمک هندی
یک درم مجموع سحق کرده بیست روز در آب غوره پرورده بود در
سایه خشک کنند و دیگر باره سحق کنند و استعمال نمایند **توتیای
دارچیران** توتیای کرمانی مغسول ده مثقال ماميران پنج مثقال تو
بیخ و ثلث و زردچوبه و پوست هلیله زرد از هر یک دو مثقال
نمک هندی و دار فلفل از هر یک یک مثقال مجموع سحق کرده بیست روز
در ظرف زجاجی کرده در آب غوره پرورده بود در سایه خشک
کنند و باز سحق کنند و استعمال نمایند **داروئی** که درد و حکه
از حرارت باشد مفید بود **صفت آن** انزروت سفید مر
شیر دار کوبند خوب سائیده و در سایه خشک کرده و چشم مقشر
از هر یک دو جزو نبات سفید و نشاسته و صمغ آلو از هر یک یک جزو
گل دشتی و گل ... دانه از هر یک نیم جزو اجزا سحق کرده استعمال
نمایند **داروئی** که روشنائی چشم در وقتی که تاریکی کند
بیفزاید **صفت آن** سنگ محرق و نشاسته و انزروت
مربی و نبات سفید از هر یک یک جزو و توتیای هندی ربع
جزو با یکدیگر سحق نمایند و استعمال کنند که نافعست
بتوفیق الله تعالی و حسن تدبیره تمام شد این کتاب
مرکبات شاه قرابادی بتاریخ یوم الخمیس پنجم شهر

کتابخانه ... ملی

در القعده

شهر ذی القعده الحرام لسنه ثمان و الف من الهجرة النبویه
المصطفویه علی صاحبها الف
الف التحیة و الف الف
السلام من الله
الخالق البریه
تمت بالخیر
تمت

بدل افیون مجرب مفید

رازیانه رومی	نانخواه	لسان العصافیر	تخم بوزیدان	حب سیاه	
م ۸	۸ م ۴	۸ ۶	۸ ۰۵	۸ ۴	
فودنج	زنجبیل	زرنباد	دارچینی	جوز بوا	رازیانه فارسی
۸ م	۸ ۴	۸ م ۴	۸ م ۴	۸ ۲	خیرو ۴ ۸
زیره سبز	عسل سه وزن اجزا معجون سازند که مجربست				
۸ ۴					

[illegible]

[illegible] دیگر

ای [illegible] تو [illegible]

[illegible]

زلف تو [illegible] دیگر

[illegible]

[illegible] دیگر

[illegible]

بر زمین [illegible] حکیم

[illegible] دیگر

[illegible]

خوش [illegible]

[illegible] دیگر

[illegible]